



آفتاب مهر

پنجمین دوره پرسش و پاسخ مهدوی
جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آفتاب مهر: (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی)

نویسنده:

جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علی‌ه‌السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
آفتاب مهر: (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی)	۶
مشخصات کتاب	۶
مقدمه	۶
ادیان، فرق و مذاهب	۸
مهدی شناسی	۱۹
امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن	۲۹
انتظار و منتظران	۳۳
یاران و نایبان عام و خاص	۳۹
دوران غیبت	۴۷
ارتباط و ملاقات	۵۷
آخرالزمان	۶۳
ظهور، علایم و شرایط آن	۷۰
دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)	۹۰
فهرست منابع	۱۰۴
کتابنامه	۱۰۸

آفتاب مهر: (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: آفتاب مهر: (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی) // مولف جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت؛ ویراستار محمدرضا مجیری.

وضعیت ویراست: [ویراست ۴۲].

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۸۶ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۵۱-۴

یادداشت: نویسنده کتاب را دفتر اول فرض نموده است.

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: The light of affection.

یادداشت: چاپ چهارم.

یادداشت: عنوان روی جلد: آفتاب مهر: یکصدوده پرسش و پاسخ مهدوی.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۸۳] - ۲۸۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: آفتاب مهر: یکصدوده پرسش و پاسخ مهدوی.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع: مهدویت -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

شناسه افزوده: مجیری، محمدرضا، ویراستار

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). مرکز تخصصی امامت و مهدویت

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۶۵۴/BP۲۲۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۰۰۳۸۵

مقدمه

اسلام گرایی و گسترش اندیشه دینی در دهه‌های اخیر و رشد روز افزون تشنگان مباحث اسلامی به خصوص معارف مهدویت در میان جوامع اسلامی، دشمنان را بر آن داشته که در مقابل این سیل خروشان، سدی ایجاد کنند تا شاید از امواج آن بکاهند و روند آن را کندتر کنند. در این راستا دشمن برای مبارزه با اسلام گرایی راه‌های مختلفی را شروع کرده است از جمله تهیه فیلم‌های سینمایی کارتونی، بازی‌های رایانه‌ای، تبلیغات گسترده بر علیه اسلام و ... در این میان شاید بتوان ادعا کرد که از میان آموزه‌های دینی اسلامی، مهدویت از مهم‌ترین و اثرگذارترین آموزه‌ها است. در حقیقت حیات جوامع اسلامی و امید به آینده روشن در اعتقاد به این آموزه و ایمان به آن نهفته است. دشمن به این مسأله پی برده و با تمام توان شروع به فعالیت علیه این آموزه حیاتی کرده است. انکار این آموزه، سعی در ایجاد تحریف در آن، تحمیل مدل‌ها و نمونه‌های ساخته خود به عنوان مدل مهدوی به جوامع انسانی و اسلامی، حمایت از مدعیان و القاء سؤالات و شبهات از جمله تلاش‌های آنان است.

در نگاه اول این حرکت دشمن بسیار آسیب‌زا و مخرب است؛ اما در حقیقت مصداق روشن این سخن است که: «عدو شود سبب

خیر اگر خدا خواهد؛ چرا که ماندن در شک و تردید اگرچه جایگاه بدی است ولی معبر و گذرگاه خوبی است برای مؤمنانی که با پیگیری مسأله و تحقیق و سؤال از اهل علم و دانایان به آن موضوع، به نتیجه قطعی می‌رسند و ایمان و معرفت خود را افزایش می‌دهند. شهید مطهری (رحمة الله علیه) در این زمینه می‌فرماید:

... اگر این تشکیکات وارد جامعه نشود خطر است، اگر وارد نشود کم کم مردم آن حالت دینی شان رو به تحجر و نه تحجر که رو به عفونت می‌رود. درست مثل آب کاملاً صافی که آن را در حوض قرار می‌دهیم و اگر مدتی بماند می‌گندد. اگر در مردم یک حالت آرامشی باشد و بر معتقدات دینی و مذهبی تازیانه شک نخورد در آن صورت عوام، پیشتاز آن معتقدات می‌شوند. وقتی عوام پیشتاز بشوند دائم از خودشان چیزی می‌سازند. ...

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که زمان شناس است شبهات بر او هجوم نخواهد آورد. با این نگاه هر انسان مؤمن با درک صحیح از زمان خود، باید به دنبال محکم کردن اعتقادات و ایمان خود باشد تا گرفتار شبهات نشود.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

من عرف الايام لم يغفل عن الاستعداد؛ هر کس که روزگار خود را شناخته باشد و زمان شناس باشد از آمادگی غافل نخواهد شد. در جبهه دفاع از اعتقادات و پاسخ به شبهات و سؤالات مردم، علمای دین همیشه در صف مقدم مبارزه بوده‌اند و با جهاد علمی و عملی خود برگ‌های زرینی را در طول تاریخ برای مذهب تشیع به ثبت رسانده‌اند. این جهاد علمی سیره‌ای بوده در میان علمای بیدار و آگاه شیعه. مرحوم شیخ صدوق در مورد تألیف کتاب شریف کمال‌الدین و تمام النعمه می‌فرماید:

انگیزه من در تألیف این کتاب آن بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برآورده شد به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم و دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می‌کردند در امر غیبت حیرانند و درباره امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده‌اند پس با استمداد از اخبار وارده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) تلاش خود را در ارشاد ایشان بکار بستم تا آن‌ها را به حق و صواب دلالت کنم تا این که شیخی از اهل فضل و علم و شرف که از دانشمندان قم بود ... یک روز که برایم سخن می‌گفت کلامی از یکی از فلاسفه و منطقیان بزرگ بخارا نقل کرد که آن کلام، او را در مورد قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حیران ساخته بود و به واسطه طول غیبتش و انقطاع اخبارش او را به شک و تردید انداخته بود. پس من فصولی در اثبات وجود آن حضرت (علیه السلام) بیان کرده و اخباری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در غیبت آن امام، روایت کردم و او بدان اخبار آرامش یافت و شک و تردید و شبهه را از قلب او زایل ساخت و احادیث صحیحی را که از من فرا گرفت به سمع و طاعت و قبول و تسلیم، پذیرفت و از من درخواست کرد که در این موضوع کتابی برای تألیف کنم من نیز درخواست او را پذیرفتم ...».

به این شکل کتاب‌های زیادی از علمای ما برای پاسخ به شبهات و سؤالات، تألیف و چاپ شده است که بر اهل فن و تحقیق پوشیده نیست.

در این راستا واحد پرسش و پاسخ مرکز تخصصی مهدویت، جهت پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی با موضوع مهدویت، از سال ۸۳ فعالیت خود را آغاز کرده و از طریف تلفن، اینترنت، نامه‌های پست جواب قبول و برگزاری جلسات، پاسخ‌گوی سؤالات مخاطبان خود می‌باشد.

این مجموعه نتیجه تلاش بی‌وقفه اساتید، محققان و دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم می‌باشد که در سه دفتر

آماده می‌شود و در حال حاضر دفتر اول آن با موضوعات مختلف در قالب ۱۰۰ سؤال ارایه می‌شود. از جمله ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

- نویسندگان و پاسخگویان به سؤالات، از اساتید و محققان مجموعه تخصصی مهدویت می‌باشند لذا از اتقان و محتوای علمی برخوردار است در عین اینکه سعی شده در بیان، مطالب به صورت روان و ساده بیان شود تا عموم جامعه از آن بهرمند شود.
- سؤالات طرح شده، سؤالاتی است که طی سال‌های گذشته توسط جویندگان معارف مهدوی مطرح شده و پاسخ‌های آن‌ها را دریافت کرده‌اند و در حقیقت این سؤالات از عینیت جامعه جمع‌آوری شده است.
- حتی المقدور عین سؤالات مخاطبان چاپ شده تا جذابیت آن حفظ شود.
- در پایان برخورد لازم می‌دانیم که از مدیر محترم مرکز تخصصی مهدویت جناب حجت الاسلام مجتبی کلباسی و کلیه اساتید، محققان گرانقدر و دانش‌پژوهانی که در پاسخ‌گویی به سؤالات، این مجموعه را یاری کرده‌اند تشکر کنیم به خصوص جناب حجت الاسلام مهدی یوسفیان و جناب حجت الاسلام تقی حاتمی که زحمت بسیاری برای آماده سازی این مجموعه متحمل شدند و در نهایت با نظارت علمی و اصلاح مطالب، کار را به سرانجام رساندند.
- امید است که با توفیق حضرت حق (سبحانه الله تعالی) و عنایات ویژه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دفتر دوم و سوم نیز جهت استفاده طالبان و تشنگان حقیقت آماده و ارایه شود.

مرکز تخصصی مهدویت

واحد پاسخ به سؤالات

. فصلنامه مطهر، ش صفر، ص ۳۴ و ۳۵ به نقل از موعده شناسی و پاسخ به شبهات آقای علی اصغر رضوانی.

. کافی، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲۹.

. کافی، ج ۸ ص ۲۳ ح ۴.

. کمال الدین، ج ۱، مقدمه کتاب، ص ۸، ترجمه منصور پهلوان.

ادیان، فرق و مذاهب

۱- آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟

فوتورسیم به معنای اعتقاد به ظهور یک نجات‌دهنده بزرگ آسمانی و امید به آینده روشن که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی، همه تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره، همه‌جا و همه زمان‌ها، نزد تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است.

در کتاب‌های مربوط به مذاهب به نام‌ها و القاب مختلفی بر می‌خوریم؛ برای نمونه

- در مذهب یهود: سرور میکائیلی، عزیر، منحاس، ماشیح؛

- در مذهب مسیحیت: مهمید آخر، مسیح، پسر انسان؛

- در مکتب زرتشت: سوشیانس؛

- در مکتب هندوها: ویشنو، منصور، فرخنده؛

- در مکتب بودا: مایتریا، بودای پنجم؛

- در مذهب اسلام: مهدی، قائم؛

آنچه از تاریخ امت‌ها استفاده می‌شود، این است که مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان، به نام منجی موعود جهان، به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است، تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان‌ها در فراز و نشیب‌های زندگی با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می‌کنند.

باید توجه داشت در ادیان، منجی به افراد مختلفی اطلاق می‌شود؛ ولی در ویژگی‌های دوران ظهور، مشترکات فراوانی یافت می‌شود. تحت یک آیین قرار گرفتن مردم در دوران ظهور، اجرای عدالت فراگیر، نابودی مظاهر شرک و فساد، امنیت و آرامش کامل، حق‌گرایی عموم مردم، از بین رفتن فقر و آشکار شدن همه زیبایی‌ها، چیزی است که ادیان برای ظهور به تصویر کشیده‌اند.

۲- دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟

در دین مقدس اسلام، مسأله موعود و منجی، به روشنی مطرح شده است قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، در آیات متعدد به حاکمیت صالحان بر زمین و غلبه دین حق، اشاره دارد. از جمله آن‌ها آیه ۱۰۵ از سوره انبیا است. خداوند، در این آیه تصریح می‌کند که زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند و در اختیار می‌گیرند. همچنین تصریح می‌کند که این امر، حقیقتی است که در کتب انبیای گذشته نیز بدان اشاره شده است. در آیه ۵۵ از سوره نور خداوند، به انسان‌هایی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، وعده می‌دهد که خلافت و حکومت در زمین را به آنان وامی‌گذارد و دینشان را پابرجا و برقرار می‌سازد و در چنین زمانی، آرامش و امنیت کامل، در جهان ایجاد می‌شود و آدمیان به عبادت و بندگی خدا می‌پردازند.

خداوند، در سه جای قرآن (توبه: ۳۳ و ۳۴؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸) تصریح می‌کند، دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد؛ هر چند کافران و مشرکان نخواهند و خود را شاهد بر چنین رویدادی معرفی می‌کنند. البته، با توجه به روایاتی که در تفسیر و تبیین آیات الهی از پیشوایان معصوم صادر شده است، می‌توان دریافت که بیش از ۲۵۰ آیه از آیات قرآن، به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حاکمیت عدل و دین، اشاره دارد.

علاوه بر قرآن کریم، روایات متعددی از پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام)، درباره ظهور موعود و منجی، صادر شده است، به این مضمون که در آخرالزمان، فردی از فرزندان پیامبر که هم نام او است، قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

اعتقاد به ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنان در میان مسلمانان ریشه دارد که علاوه بر آن که مورد قبول همه فرقه‌ها است و در کتب روایی مهم شیعه و سنی روایات متعددی درباره او ذکر شده است، کتاب‌های متعددی نیز ویژه آن حضرت به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه، می‌توان از کمال الدین و تمام النعمه، اثر شیخ صدوق، الغیبه، نوشته نعمانی و کتاب الغیبه، نوشته شیخ طوسی از علمای گذشته و منتخب‌الاثار، اثر لطف‌الله صافی گلپایگانی از علمای معاصر شیعه، نام برد یا به الفتن، اثر ابن حماد و الاربعین، تألیف ابونعیم اصفهانی از اهل سنت اشاره کرد. در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه نیز، درباره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور او مطالبی مطرح شده است.

در سنن ابوداود که از کتاب‌های مهم اهل سنت است، در باب «ما جاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از ام‌سلمه نقل شده است که:

سمعت رسول الله يقول: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة»؛ شنیدم پیامبر فرمود: «مهدی، از عترت من از نسل فاطمه است».

در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«المهدی منی اجلی الجبهه اقلی الانف یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ مهدی، از من است. او، فراخ پیشانی و ...

است. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است».

ذکر این نکته مناسب است که به اعتقاد شیعه، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است که در سال ۲۵۵ق به دنیا آمد و اکنون در پرده غیبت قرار دارد و تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام دهد، زنده است؛ ولی به اعتقاد اهل سنت، او به دنیا نیامده است؛ بلکه در آخرالزمان و حدود چهل سال پیش از ظهورش، متولد خواهد شد.

۳- آیا درباره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و عامه (اهل سنت) در آنها اتفاق نظر داشته باشند؟

با رجوع به روایات موجود در منابع روایی و با نگاه به کلمات بزرگان و علمای هر دو فرقه، به موارد متعددی برمی‌خوریم که مورد قبول و اتفاق آنها می‌باشد، از جمله:

الف. هر دو گروه، ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را امری قطعی می‌دانند. مرحوم شهید صدر (رحمه الله علیه) از علمای بزرگ شیعه در این باره می‌فرماید:

به راستی اعتقاد به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور عموم و در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به طور خصوص آمده است و به حدی بر این مسأله تاکید شده است که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی‌گذارد. ...

همچنین مرحوم شیخ محمد رضا مظفر از دیگر بزرگان مکتب شیعه می‌فرماید:

مسأله بشارت به ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اولاد فاطمه (سلام الله علیها) در آخر الزمان و این که زمین را از عدل و داد پر می‌کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، از مسائلی است که به طور متواتر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده است و مسلمانان در کتاب‌های روایی خود، آنها را نقل کرده‌اند.

ناصر الدین البانی از بزرگان اهل سنت می‌گوید:

اما مسأله مهدی، باید دانسته شود که درباره خروج او احادیث صحیح بسیاری وارد شده است. ...

شیخ عبد المحسن بن حمد العباد از دیگر اندیشمندان اهل سنت می‌گوید:

همانا کثرت احادیث مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تعدد طرق آنها و اثبات آنها در کتاب‌های اهل سنت به حدی رسیده است که بسیار دشوار به نظر می‌رسد که بتوانیم بگوییم حقیقتی ندارد، مگر این که کسی جاهل بوده یا اهل جدل باشد، یا در سندهای آنها دقت نکرده باشد و بر کلام بزرگان اهل علم واقف نباشد. ...

ب. یکی دیگر از مسائل مورد قبول هر دو گروه، موضوع فراگیر بودن دعوت و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. خداوند متعال در قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید:

«وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّخِلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» ؛ ...خداوند، به کسانی از شما بندگان که ایمان آورده و نیکوکار شوند، وعده داده است آنان را بر روی زمین خلافت دهد....

امام باقر (علیه السلام) درباره گستره حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَيَزِدُّادُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا ؛ قائم (علیه السلام) ۳۰۹ سال مالک زمین می‌شود و در آن، حکومت می‌کند؛ همان گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند. زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد....

احمد بن حنبل از بزرگان عامه و سر سلسله گروه حنابله، به سندش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده است که

فرمود:

تملاً الارض ظلماً و جوراً ثم يخرج رجل من عترتي يملك سبعا او تسعا فيملأ الارض قسطاً و عدلاً ؛ زمین پر از ستم و ظلم می‌شود. در این هنگام، شخصی از عترتم خروج می‌کند و در مدت هفت یا نه سال مالک کل زمین خواهد شد. در این هنگام، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

ج. با رجوع به روایات رسیده از هر دو گروه، پی می‌بریم که همگی اتفاق دارند لقب منجی جهانی، «مهدی» است.

مرحوم علامه مجلسی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که فرمود:

يخرج المهدي و على رأسه غمامة فيها مناد ينادي هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه ؛ مهدی خروج می‌کند، در حالی که بالای سر او ابری است و میان آن ابر، کسی است که ندا می‌کند: «این، مهدی خلیفه خدا است. او را پیروی کنید».

حاکم نیشابوری از علمای حدیث عامه به سند خود از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «المهدي منا اهل البيت؛ مهدی، از اهل بیت است».

د. از دیگر مواردی که همه مسلمانان اتفاق نظر دارند این که مهدی موعود (علیه السلام) از ذریه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و از فرزندان فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«المهدي رجل من ولد فاطمه؛ مهدی مردی از اولاد فاطمه است».

در روایات اهل سنت از سعید بن مسیب نقل شده است: نزد ام سلمه بودم که سخن از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به میان آمد. أم سلمه فرمود: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می‌فرمود:

«المهدي من ولد فاطمه ؛ مهدی از اولاد فاطمه است».

ابو سعید خدری می‌گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«لا- تقوم الساعة حتى تمتلئ الارض ظلماً و عدواناً. قال: ثم يخرج رجل من عترتي (أو من اهل بيتي) يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً؛ قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شده باشد. فرمود: سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور شده است» .

ه. نزول حضرت عیسی (علیه السلام) و اقتدای او به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیگر اموری است که هر دو گروه به آن اشاره کرده‌اند.

ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود:

و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه؛ نازل می‌شود روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می‌خواند [حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سر او [امام مهدی (علیه السلام)]].

ابوهریره از راویان بزرگ عامه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند:

«كيف انتم اذا نزل ابن مريم فيكم و امامكم منكم ؛ چگونه‌اید زمانی که فرزند مریم فرود آید؛ در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟

در صحیح مسلم - که از اصلی‌ترین کتب حدیثی اهل سنت است - آمده است که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«دائماً طایفه ای از امت بر حق و ظاهرند تا روز قیامت. سپس فرمود: عیسی بن مریم از آسمان فرود آید. امیر آن‌ها [مسلمانان] به حضرت عیسی می‌گویند پیش آی و برای ما امامت کن. او [حضرت عیسی (علیه السلام)] در جواب می‌گوید: «خیر به راستی بعضی

از شما بر بعضی دیگر امیر است برای اکرام خدا بر این امت».

ابو سعید خدری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه ؛ از ما است کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می‌گزارد.

و. معرفی و بیان علایم ظهور نیز از دیگر امور مورد اتفاق است.

جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند:

پس فرود می‌آید امیر لشکر سفیانی [همراه لشکرش] به [زمین] بیداء. پس منادی از آسمان ندا دهد: «ای بیداء نابود کن قوم [= لشکر] را». پس آن‌ها را در خود فرو می‌برد.

عایشه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده است:

لشکری آهنگ کعبه می‌کند. پس هنگامی که به زمین بیداء درآمدند، [زمین] همه آن‌ها را فرو می‌برد.

البته موارد اتفاقی دیگری نیز وجود دارد، مانند: امدادهای الهی، طلوع خورشید از مغرب، مشخصات ظاهری امام، فراوانی نعمت در زمان ظهور، بیعت بین رکن و مقام و....

۴- چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنوز به دنیا نیامده است؟

تمام مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - به اصل آمدن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قیام او اعتقاد دارند و این، به سبب روایات بسیار زیادی است که از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره نقل شده است که به آمدنش بشارت داده و حتی اوصاف و ویژگی‌های جسمی او را نیز ذکر کرده است؛ مانند این که بر گونه راستش خال سیاهی دارد و بین دو دندان پیشینش، فاصله است. در روایات متعددی، نَسَبِ آن حضرت نیز ذکر شده است؛ مانند این که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) و نهمین از فرزندان حسین (علیه السلام) و ششمین از فرزندان جعفر صادق (علیه السلام) و پنجمین از فرزندان موسی بن جعفر (علیه السلام) و نام پدرش حسن (علیه السلام) است.

وجود روایات فراوان درباره مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اعتقاد به آمدن مهدی را در آخرالزمان، عقیده‌ای مسلّم میان مسلمانان قرار داده است؛ امّا درباره ولادت آن حضرت، میان شیعه و اکثریت اهل سنت، اختلاف است. عدم اعتقاد بسیاری از اهل سنت به ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علت‌هایی دارد، از جمله:

۱. مخفی بودن ولادت آن حضرت: آمدن مهدی موعود (صلی الله علیه و آله و سلم)، از همان زمان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و صدر اسلام، امری مسلّم و شایع و مورد توجه مسلمانان بود. سلاطین و حاکمان وقت هم از آن اخبار بی‌اطلاع نبودند و شنیده بودند که مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از نسل فاطمه و حسین (علیهما السلام) به وجود می‌آید و حکومت ستمکاران به دستش منقرض می‌گردد و تمام زمین را از حکومت حق خود و عدل و داد پر خواهد کرد؛ به ویژه روایات متعددی که می‌گفت او، نهمین از فرزندان حسین (علیه السلام) است؛ لذا از پیدایش و ظهور او، در بیم و هراس بودند و در صدد بودند به هر گونه این خطر را از حکومت خود دفع کنند؛ به همین سبب، خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) - به شدت تحت کنترل و مراقبت مأموران مخفی و علنی دولت عباسی قرار داشت. حتی معتمد عباسی، به عده‌ای از زنان قابله مأموریت سرّی داده بود در خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) - رفت و آمد کنند و مراتب را گزارش دهند. او پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام)، دستور داد خانه آن حضرت را تفتیش و بازرسی کنند و گروهی از زنان قابله را فرستاد تا تمام کنیزان آن حضرت را معاینه کنند و اگر آبستنی بین آنان دیده شد، بازداشت کنند. حتّی به خانه امام عسکری (علیه السلام) هم اکتفا نکرد و دستور داد تمام خانه‌های شهر را با کمال دقت بازرسی و کنترل کنند. ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز به دلیل وضعیت سخت آن زمان، مخفی بود و امام حسن عسکری (علیه السلام)

فرزند بزرگوار خود را تنها به خواص و معتمدان از شیعیان خود نشان می‌داد و او را امام و حجت بعد از خود معرفی می‌کرد. با این وضعیت، طبیعی است، اهل سنت که از اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) فاصله گرفته بودند، از ولادت آن حضرت مطلع نشوند؛ هر چند بنابر روایات رسیده از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اولاد امام حسن عسکری (علیه السلام) و نهمین فرزند از نسل امام حسین (علیه السلام) معرفی شده بود.

۲. اجتناب از برخی لوازم احتمالی پذیرش ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): گفتیم روایاتی که درباره مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده، بسیار زیاد و از نظر مضمون، بسیار متنوع است. در روایات بسیاری، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که تعداد امامان و خلفای بعد از من، دوازده نفر است. مجموع روایات شیعه و سنی در این باره ۹۲۵ حدیث است. در بسیاری از همین روایات، به نام دوازده نفر تصریح شده و این که اولشان امام علی (علیه السلام) و آخرشان امام مهدی موعود (علیه السلام) است و این که نه نفر از آنان، از نسل امام حسین (علیه السلام) هستند. در تعدادی از این روایات، نام تمام دوازده نفر، یک به یک ذکر شده است. همچنین در روایات متعددی آمده است که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از اولاد امام علی (علیه السلام) است (۲۱۴ حدیث و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اولاد فاطمه (سلام الله علیها) است (۱۹۲ حدیث و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نهمین از اولاد امام حسین (علیه السلام) است (۱۴۸ حدیث و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اولاد امام محمد باقر (علیه السلام) است (۱۰۳ حدیث و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ششمین اولاد امام جعفر صادق (علیه السلام) است (۹۹ حدیث ... و این که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است (۱۴۵ حدیث) و نام پدر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حسن است (۱۴۸ حدیث).

با توجه به این احادیث چنین به نظر می‌رسد که پذیرش ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از امام حسن عسکری (علیه السلام) توابعی دارد که تأیید عقیده شیعه در امامت و خلافت بلافصل امام علی (علیه السلام) و یازده فرزندش است و اگر اهل سنت آن را بپذیرند، می‌بایست خود را به زحمت و تکلیف انداخته و به گونه‌ای در صدد توجیه برآیند؛ یعنی، هرچند پذیرش ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به طور حتم و لزوم، به پذیرش نظر شیعه در مسئله خلافت و امامت نمی‌انجامد؛ ولی اهل سنت را مقابل انبوهی از روایات قرار می‌دهد که باید در توجیه آن روایات، خود را به زحمت و مشقت بیندازند، لذا از اصل، ولادت آن حضرت را منکر می‌شوند.

ناگفته نماند شیعه، به دلیل عقلی، لزوم وجود امام را در هر عصر و دوره اثبات می‌کند و معتقد است هیچ‌گاه زمین از حجت خدا و واسطه فیض خالی نیست؛ ولی اهل سنت، این گونه مسایل و ادله عقلی را قبول ندارند. هد نظر عامه (اهل سنت) درباره ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟ میان عامه درباره این موضوع دو دیدگاه وجود دارد:

الف. اکثر آنان ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قبول ندارند؛ بلکه معتقدند او در آخر الزمان به دنیا می‌آید.

ب. برخی از آنان، ولادت حضرت را پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، موارد زیر ارائه می‌شود:

۱. محمد بن یوسف شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، می‌گوید:

در تألیف کتاب، اخبار و روایات مربوط به مهدی صاحب الزمان را از غیر از طرق شیعه نقل کرده‌ام؛ هرچند آنچه که شیعه در این زمینه معتقد است و پذیرفته است، صحیح و نقل آن، درست است.

۲. محمد بن طلحه شافعی در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول می‌گوید:

مهدی منتظر، در سال ۲۵۸ق، در سامرا متولد شد. پدرش، حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر

الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی المرتضی (علیهم السلام) است. نام او محمد و کنیه اش ابوالقاسم و از القاب او حجت و خلف صالح و منتظر است.

سپس روایاتی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود نقل می‌کند مبنی بر این که: «مهدی، از نسل من و از فرزندان فاطمه (سلام الله علیها) و هم نام من است؛ در آخر الزمان قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده است. این قیام، حتمی است، حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش تر باقی نمانده باشد». وی پس از ذکر این روایات، آن‌ها را بر همان ابوالقاسم محمد بن حسن بن علی ... علی ابن ابی طالب (علیهم السلام) متولد ۲۵۵ ق تطبیق می‌کند و به اشکالها و شبهاتی که در این باره ممکن است مطرح شود، پاسخ می‌دهد.

۳. سبط ابن جوزی حنفی در کتاب تذکره الخواص می‌گوید:

حضرت حجت مهدی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) است. کنیه او، ابو عبدالله و ابوالقاسم است و او است حضرت حجت و صاحب الزمان و قائم منتظر. سپس از عبدالله بن عمر روایتی نقل می‌کند که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: در آخر الزمان، مردی از فرزندان من قیام می‌کند که نام او همانند نام من و کنیه اش همانند کنیه من است و زمین را از عدل و داد پر می‌کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده است.

۴. عبدالوهاب شعرانی در کتاب الیواقیت و الجواهر، که در بیان آرای اکابر و بزرگان علمای اهل سنت در مسائل مختلف عقیدتی است، فصلی را به وقایعی که پیش از روز رستاخیز و در پایان دنیا حتماً اتفاق می‌افتد، اختصاص داده است که یکی از آن وقایع، قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که مفصلاً درباره آن بحث کرده است. او از قول برخی از اکابر علمای اهل سنت، نقل می‌کند:

«مهدی (علیه السلام) [فرزند حسن عسکری] (علیه السلام) است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق متولد شد و زنده باقی خواهد ماند، تا با عیسی [علیه السلام] [ظهور کند و اکنون که سال ۹۵۸ هجری است، ۷۰۳ سال از عمر شریف او می‌گذرد].

نیز از قول شیخ محیی الدین عربی چنین نقل می‌کند:

خروج مهدی [علیه السلام]، حتمی است بعد از آن که زمین از ظلم و جور پر شود؛ به گونه ای که حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش تر باقی نمانده باشد، حتماً مهدی [علیه السلام] قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند. او، از نسل پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله و سلم] و فاطمه [سلام الله علیها] است و جدش، حسین بن علی ابن ابی طالب (علیهم السلام) است و پدرش حسن عسکری، فرزند علی النقی، فرزند محمد التقی، فرزند علی الرضا، فرزند موسی الکاظم، فرزند جعفر الصادق، فرزند محمد الباقر، فرزند زین العابدین علی، فرزند حسین، فرزند امام علی ابن ابی طالب (علیهم السلام) است. اسمش، اسم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و چهره اش، شبیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ...

ما به ذکر همین چند نمونه بسنده می‌کنیم.

۶- آیا دین یهود و یهودیان، ظهور منجی آخر الزمان را قبول دارند؟

در کتاب تورات و ملحقات آن، بشارت‌های زیادی درباره آمدن موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخر الزمان آمده است که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

الف. بشارت ظهور در زبور داوود:

در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر صدوپنجاه گانه، نوید ظهور آن موعود امم و منجی عالم موجود است:

زیرا که شریران منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ چون که بازوهای شریران شکسته می‌شود و

خداوند، صدیقان را تکیه گاه است. خداوند، روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. صدیقان، وارث زمین شده، ابتدا در آن ساکن خواهند شد؛ اما عاصیان، عاقبت، مستأصل و عاقبت، شریران، منقطع خواهند شد.

از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصای زمین، سلطنت خواهد کرد.

تمامی ملوک، با او کرنش خواهند کرد و تمامی امم او را بندگی خواهند کرد؛ زیرا، فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین که نصرت‌کننده ندارد، خلاصی خواهد داد. و به ذلیل و محتاج، ترحم خواهد فرمود و جان‌های مسکینان را نجات خواهد داد. قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد.

ب. بشارت ظهور در کتاب اشعای نبی:

در بخشی از این کتاب، خداوند، قریب‌الوقوع بودن تحقق عدالت خویش را وعده می‌دهد و مؤمنان را به اجرای عدالت فرا می‌خواند و می‌گوید:

انصاف را نگاه بدارید، عدالت را جاری کنید؛ زیرا که آمدن نجات من و منکشف شدن عدالت من، نزدیک است.

آن‌گاه، انصاف، در بیابان، ساکن خواهد شد و عدالت، در بوستان مقیم خواهد گردید و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابدالآباد. و قوم من، در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزل‌های آرامی، ساکن خواهند شد

ج. بشارت ظهور در کتاب زکریای نبی:

در آن روز، یهوه [خدا] بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود و در آن روز، یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد.

د. بشارت ظهور در کتاب دانیال نبی:

امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز، نبوده و در آن زمان، هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یاد شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد؛ اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان، مثل روشنائی افلاک خواهند درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌کنند؛ مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالآباد. اما توای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر، مهر کن بسیاری به سرعت تردد خواهند کرد و علم افزوده خواهد گردید. خوشا به حال آن که انتظار کشد!

ه. بشارت ظهور در کتاب حبقوق نبی:

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...؛ بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند.

۷. دیدگاه انجیل و مسیحیان درباره موعود چیست؟

نام کتاب مقدس مسیحیان، انجیل است که به دست چهار نفر جمع‌آوری شده و به نام نویسندگان آن مشهور گشته است. انجیل کنونی، مشتمل بر چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا است. اینک، متن برخی از آن بشارت‌ها را که در انجیل آمده است، می‌آوریم:

الف. انجیل متی:

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب، تاریک گردد و ماه، نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک، متزلزل گردد. آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیمی می‌آید.

ب. انجیل مرقس:

عیسی، خطاب به حواریون گفت: «زنهار کسی شما را گمراه نکند؛ زیرا که بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت که من هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد؛ اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را بشنوید، مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث، ضروری است. لیکن انتها، هنوز نیست؛ زیرا که امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست و زلزله‌ها در جای‌ها، حادث خواهد شد و اغتشاش‌ها پدید می‌آید و این‌ها، ابتدای دردها می‌باشد، لیکن شما از برای خود احتیاط کنید.

ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بیدار شده و دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید آن وقت کی می‌شود در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح مبدا ناگهان آمده، شما را خفته یابد.

ج. انجیل لوقا:

و کمرهای خود را ببندید، چراغ‌های خود را فروخته بدارید. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید

د. انجیل یوحنا:

و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است و از این تعجب نکنید؛ زیرا، ساعتی می‌آید که در آن، جمیع کسانی که در قبورند، آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.

لازم ذکر است در انجیل و ملحقات آن، هشتاد بار کلمه «پسر انسان» آمده است که فقط سی مورد آن، با حضرت عیسی مسیح قابل تطبیق است؛ اما پنجاه مورد دیگر، از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد.

۸. آیا زرتشتیان آمدن مصلح آخر الزمان را باور دارند؟

زرتشتیان، از نظر فقهی و آداب مناسک دینی، علاوه بر اوستا، متون جانبی مفصلی در دست دارند که طهارات و نجاسات و قوانین ازدواج و طلاق و تجارت را دربردارد. در مجموعه اوستا، واژه «سوشیانس» چه به صورت جمع و چه به صورت مفرد، به دفعات استفاده شده است. سوشیانس، از ریشه «سویا» همان سود به معنای بهره و منفعت گرفته شده که به مفهوم سودرسان است.

او را از این جهت «سوشیانس» خوانند که به همه جهان مادی، منفعت و سود می‌رساند.

سوشیانس، در کاربردهای جمع خود، شامل زرتشت و حامیان و یاران و مبلغان نوسازان و آرایندگان جهان پایانی است که ویژگی‌های عمده آنان، عبارتند از: خردمندی و نیکوکاری و سودرسانی به همه موجودات و ستایش پروردگار و آراستن عالم معنوی و غلبه بر خصومت دیوان و پاک کردن جهان از دروغ

از آن جا که دین، با یک رهبر، یعنی زردشت شروع شد، با یک رهبر نیز به پایان می‌رسد و سوشیانس در پایان، پیشوای دینی و در واقع آخرین پیشوای دینی خواهد بود.

تفاوت عمده موعود اسلام و مزدیسنا، در آن است که مسلمانان، به زنده بودن موعودشان معتقد هستند، در صورتی که موعودهای مزدیسنا، تا پیش از ظهورشان، متولد نشده‌اند.

ولادت موعود زرتشت

سی سال مانده به پایان آخرین هزاره هستی، دختری پانزده ساله از سلاله زرتشت که به مردی نیبوسته از میان قومی خداپرست که بالایی کوه اوشیدا نزدیک دریاچه کیسانیه قرار دارد، به دریاچه می‌رود و در آن آب، تن خویش را خواهد شست و جرع‌ای از آن را می‌نوشد و حامله می‌شود. پس از نه ماه، پسری بزاید موسوم به «استوت ارنده» که به نام‌های سوسیوس سوشیوس سوشیان، سوشیانس نیز خوانده می‌شود.

این فرزند، در سی سالگی، به مکالمه اهورا مزدا موفق می‌شود و به نو کردن جهان، همت خواهد گماشت.

نشانه‌های ظهور

آمدن سوشیانس، آن قدر طول می‌کشد که درباره او گویند که نمی‌آید؛ در حالی که او خواهد آمد. خورشید، در آسمان، به مدت سی شبانه روز، توقف می‌کند.

سقوط یک شهاب یا ستاره به نام «جوز هر مار» یا «گوز هر» بر زمین است

نیز زمین لرزه بسیار باشد جوانان، زود پیر شوند و هر کس از کردار بد خود شاد است و ارجمند. مردم ستمگر را به نیکی دارند و مردم دیندار را به بدی

ویژگی‌های موعود

او، دارای فره‌ای قوی‌تر از سایر مردمان است؛

با نگاه بخشایش، به جهان می‌نگرد؛

با دیده خرد به خلاق می‌نگرد و جهان را جاودانگی می‌بخشد؛

او، داناتر، راست گفتارتر، مددکار و خردمندتر از همه خلاق است.

۹- شنیده‌ام در دین باستانی هندوها درباره منجی، مطالبی ذکر شده است. در این باره توضیحی بدهید.

هندوها، دارای کتب مقدس متعددی هستند که در برخی از آن‌ها از آمدن مصلح و منجی سخن به میان آمده است که به مواردی اشاره می‌کنیم:

الف. بشارت ظهور در کتاب اوپانشاد

این مظهر ویشنود (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود و شریران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو، تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد. این مظهر دهم، در انقضای عالم، ظهور خواهد کرد.

ب. بشارت ظهور در کتاب باسک

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین آنچه باشد، خبر دهد و از او بزرگ‌تر، کسی به دنیا نیاید.

ج. بشارت ظهور در کتاب پاتیکل

و دولت او، بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر، زیاده باشد و آخر دنیا به او تمام شود و بتخانه سومنات را خراب کند و هر بتی که در هر جا باشد، بشکند.

د. بشارت ظهور در کتاب وشن جوک

آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او است و نام او خجسته و فرخنده باشد. خلق را که در دین‌ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده‌اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند و عالم را نو گرداند و هر بدی را سزا دهد.

ه. بشارت ظهور در کتاب دید

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد، برآید.

۱۰- گرایش انجمن حجتیه چیست؟ آیا مشروعیت دارند؟ برنامه آن‌ها چیست؟

در گذشته (زمان رژیم پهلوی) دو خطر عمده دین را تهدید می‌کرد:

۱. حزب توده که مرام مارکسیسم را میان جوانان نشر می‌داد که متدینان و ملی‌ها و حتی رژیم پهلوی همه با آن درگیر بودند.
۲. خطر بهائیت که فقط متدینان روی آن حساسیت داشته که پس از شهریور ۱۳۲۰ متوجه شدند آن‌ها در دستگاه پهلوی هم نفوذ کردند که به مبارزه با آن پرداختند. با این وجود به لحاظ حمایت رژیم پهلوی، بهائیت در سطح بالای کشور (نخست‌وزیر، برخی از وزرا و) ... نفوذ کردند.

انگیزه تشکیل انجمن: در این اثنا تشکلی مذهبی از اواسط دهه سی به هدف مبارزه با بهائیت تهران و سایر شهرستان‌ها پدید آمد. رهبری این تشکل از سال ۱۳۳۲ ق در اختیار یک روحانی قرار گرفت که به جز سوابق حوزوی، در نهضت ملی شدن نفت نیز فعال بود. این تشکل که «انجمن خیریه حجتیه» نامیده شد نه تنها در حوزه مبارزه با بهائیت، بلکه در محدوده وسیع‌تر و حتی بیش از دو دهه در تعمیق بسیاری از آموزش‌های دینی، ولی با برداشتی خاص در سطح جامعه مذهبی ایران مؤثر بود.

انجمن خیریه حجتیه مهدویه به سال ۱۳۳۲ ش با تلاش حاج شیخ محمود تولایی (مشهور به حلبی) فعالیت خود را آغاز کرد، وی در سال ۱۲۸۰ ش در شهر مشهد به دنیا آمد. وی دروس حوزوی خود را نزد اساتید به نام مشهد خواند. او افزون بر حضور در دروس خارج اصول فقه به تحصیل دروس معارف الهیه پرداخت که آثاری از او به جای مانده است. کار عمده آقای حلبی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش تبلیغ در قالب منبر بود و در این کار، مهارت و شهرت خاصی به دست آورد، تا آن‌جا که چندین سخنرانی وی از رادیو مشهد پخش و بعداً به صورت مجموعه‌ای به چاپ رسید.

در اواخر سال ۱۳۲۸ حلبی همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و نیز انجمن‌ها و هیئات مذهبی به طور منظم با بهائیان درگیر بودند. مرحوم حلبی در آستانه ملی شدن صنعت نفت به فعالیت‌های تبلیغی - سیاسی خود افزود و پس از آن، در جریان شکستی که در انتخابات مجلس هجدهم خورد، از فعالیت سیاسی کناره گرفت و دو سال بعد، به تهران آمد و به همان کار خطابه و منبر مشغول شد. وی بخشی از فعالیت خود را به مبارزه با بهائیت اختصاص داد و تا پایان عمر همین مشی را ادامه داد. ایشان، روز جمعه ۲۶ دی ماه ۱۳۷۶ در گذشت و کنار مزار شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهر ری به خاک سپرده شد.

مرحوم حلبی با همکاری جمعی از متدینان که با عنوان هیأت مدیره، امور انجمن را اداره می‌کردند تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت فرهنگی برضد فرقه بهائیت اشتغال داشت و به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان اهتمام داشت. انجمن طی ۲۵ سال فعالیت ضمن مبارزه با بهائیت، توانست جمع زیادی از نیروهای جوان را در بسیاری از شهرها به خود جذب کند.

انجمن اساسنامه‌ای داشت؛ از جمله مواد این اساسنامه این بود که «انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، به عهده نخواهد داشت». (قابل ذکر است بعدها از این شعار دست برداشته و خلاف آن عمل کردند). این همان بندی بود که انقلابیون پیش و پس از انقلاب از آن ناراحت بودند.

زمینه‌های فعالیت: انجمن در هر شهر دفتری داشت که تحت عنوان بیت (بیت امام زمان) شناخته می‌شد. این بیت، مسئولی داشت و زیر نظر وی سه گروه تدریس، تحقیق و ارشاد فعالیت می‌کردند. گروه نخست، به آموزش نیروها در سه مرحله ابتدایی، متوسطه و عالی می‌پرداختند. گروه دوم، به دنبال افرادی از مسلمانان بودند که تحت تأثیر بهائی‌ها به آیین آن‌ها گرویده بودند. و گروه سوم، کار ارشاد این افراد را با شیوه‌های خاص خود دنبال می‌کردند.

سخنرانی‌های عمومی در محافلی که بیشتر، منازل بود، برگزار می‌شد و به طور معمول در سالروز تولد امام عصر (علیه السلام) نیز جشن‌های بزرگی برگزار می‌شد. بیشتر افرادی که از بهائیت برمی‌گشتند، توبه نامه و تبری نامه‌ای می‌نوشتند که متن بسیاری از آن‌ها در یک مجموعه در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود.

وضعیت بعد از انقلاب اسلامی: به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی که به نوعی پیروزی مذهبی‌های سیاسی بود، انجمن به موضع انفعال افتاد و نیروهای تربیت شده در انجمن در سطوح مختلف، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

۱. برخی به انقلاب اسلامی پیوستند؛
 ۲. برخی برابر انقلاب بی تفاوت ماندند؛
 ۳. برخی به انتقاد از انقلاب پرداخته و به صف مخالفان - از نوع دیندار - پیوستند...
- انجمن، چندی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در شهریور ۱۳۵۷ مواضع خود را در ارتباط با سیاست تغییر داده شروع به همراهی انقلاب کرد. (از جمله مواضع پیش از انقلاب این گروه: انقلاب امر ناممکن است، مگر آن که وابسته به یک قدرت خارجی باشد، ... همچنین می‌گفتند چه کسی مسؤول خون‌های ریخته شده در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بعد از آن می‌باشد؟)
- پس از انقلاب از سوی برخی از رهبران انقلاب، انجمن به عنوان یک عنصر خطرناک معرفی شده و برای جلوگیری از نفوذ آن در مراکز، تبلیغات وسیعی بر ضد آنان شد و به مرور، به حذف شمار زیادی از چهره‌های مذهبی با سابقه منجر شد. طبعاً برخی از سوابق برخوردهای منفی رهبران انجمن با جریان انقلاب یک تجربه برای موضع گیری بر ضد آنان مورد استفاده قرار گرفت، برای نمونه، امام خمینی (رحمه الله علیه) که در روزگاری آقای حلی را تایید می‌کرد، در سال‌های پیش از انقلاب، به تدریج به حرکت انجمن بدین شده و حمایت خود را قطع کرد. آقای گرامی - فردی که اخبار داخلی ایران را برای نجف می‌نوشته است - نامه‌ای در این باره به امام نوشته که پاسخ امام (رحمه الله علیه) این بوده است: «از وقتی که مطلع شدم، دیگر تأییدی نکردم».
- این جهت گیری‌ها ادامه پیدا کرد تا سرانجام در اثر بروز انحرافات میان برخی از افراد انجمن (از قبیل کج اندیشی درباره خون شهیدان و شهید ندانستن کشته‌های جنگ تحمیلی و این که باید بگذاریم گناه زیاد شود تا آقا امام عصر (علیه السلام) ظهور کند و) ... امام خمینی (رحمه الله علیه) در سخنرانی عید فطر سال ۱۳۶۲ بدون تصریح به نام انجمن، هشدارهای تکان‌دهنده دادند و در ضمن از ایشان خواسته شد که انحرافات خود را کنار بگذارند.

انجمن در سال ۱۳۶۲ رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد و ضمن آن توضیح داد که خود را مصداق سخنان رهبر انقلاب نمی‌داند. بدین ترتیب انجمن منحل شد.

از مطالب گذشته روشن می‌شود که انجمن در ابتدا با گرایش مذهبی و مبارزه با بهائیت تاسیس و شروع به فعالیت نموده؛ ولی در سیر کار گرفتار انحرافات شدند که با موضع گیری رهبر کبیر انقلاب به انحلال انجمن منتهی شد. از لابه‌لای مطالب و موضع گیری‌های امام خمینی نیز پی می‌بریم نه تنها این گروه با امام زمان ارتباطی نداشته، بلکه برخی مواضع ایشان مخالف با ایده و هدف ظهور انقلاب جهانی حضرت بقیه الله می‌باشد

مهدی شناسی

۱۱- چگونه می‌توانیم سطح فکری و اعتقادی خود را در ارتباط با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بالاتر برده و عمیق‌تر کنیم؟

برای بالا بردن سطح فکری و اعتقادی به دو گزینه نیاز است:

۱. توجه به حضرت حق و دعا و انابه به درگاه او و توجه به وظایف دینی، تا دل روشن و پاک گردد و بتواند تجلی گاه انوار و معارف حق باشد. این انوار، هم الهامات الهی را شامل می‌شود و هم تفکر.
 ۲. مطالعه کتاب‌ها و گفت و گو با اندیشوران و صاحبان علم و فکر.
- برای کسب معرفت از راه‌های زیر می‌توان بهره برد که هر یک دیگری را کامل می‌کند:

الف. راه عقل: اگر انسان کمی اندیشه کند درمی‌یابد برای رسیدن به سعادت و نیل به هدف از خلقت خود، نیاز به راهنمایی از طرف خداوند دارد. پس باید از طرف خداوند افرادی برای رساندن پیام خداوند (نبوت و رسالت) انتخاب شوند؛ از این رو، عقل در می‌یابد به وحی و بعثت انبیا نیاز دارد.

انسان، علاوه بر آن که به وحی و ابلاغ آن به وسیله انبیا نیاز دارد، همچنین به تعلیم و تبیین آن توسط آن‌ها نیز نیازمند است؛ زیرا از یک طرف، وحی‌های الهی در بسیاری از موارد حالت کلی دارد و از طرف دیگر، عقل بشر محدود بوده و توانایی درک درست و کامل وحی را ندارد. بر این اساس، انسان نیازمند فرمایشات و توضیحات انبیا می‌باشد.

گفتنی است انسان علاوه بر جسم، دارای روح است که شخصیت اصلی او را تشکیل می‌دهد. روح نیز همچون جسم دارای نیازمندی‌ها بوده و گرفتار آفت‌ها و بیماری‌ها می‌شود.

روح اگر بخواهد رشد و تعالی پیدا کند باید تحت تربیت قرار گرفته و تزکیه شود، نیازهای معنوی او تامین شود، آفت‌هایی که به آن دچار شده یا ممکن است دچار شود شناسایی شده و با آن مبارزه شود. این مهم (رفع نیازها و مبارزه با آفت‌ها) فقط در سایه تربیت یک مربی پاک امکان دارد؛ از این رو خداوند تزکیه و طهارت نفوس را وظیفه انبیا شمرده است و در قرآن می‌فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»: خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد.

با بعثت آخرین پیامبر و رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیام‌هایی که باید از طرف خداوند نازل می‌شد فرستاده شد و در اختیار انسان قرار گرفت که همان قرآن کریم بود. تا زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان مردم بود، به مقدار استعدادها و توانایی‌های مردم آن زمان دین را برایشان تبیین کرد و به تزکیه نفوس پرداخت. البته تبیین دین، بر اساس علوم الهی‌ای بود که پیامبر در اختیار داشت و به سبب داشتن عصمت، مردم را ارشاد و تزکیه می‌کرد.

عقل می‌گوید: بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز باید فردی مانند او (عالم به علم الهی و معصوم از هر خطا) باشد، تا وظیفه تبیین دین و تزکیه مردم را به عهده بگیرد؛ پس باید در هر زمان انسان عالم و معصومی همچون پیامبر باشد، تا انسان به واسطه هدایت‌ها و ارشادات او، راه کمال را بیمایند؛ اما این که چنین فردی، چه کسی می‌تواند باشد، باید از پیامبر پرسید؛ زیرا ما توانایی شناخت انسان عالم معصوم را نداریم؛ پس راه نقل (استفاده از گفتار) را باید بررسی کنیم.

ب. راه نقل: در احادیثی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (و همچنین از پیشوایان معصوم) به ما رسیده است، علاوه بر تاکید بر نیاز انسان به عالم معصوم، افرادی که بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عهده‌دار خلافت و جانشینی پیامبر هستند معرفی شده‌اند؛ از جمله در حدیث معروف ثقلین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

من دو شیء گرانبها در میان شما می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت. اگر به این دو تمسک کنید [و از آن‌ها پیروی کنید] هرگز گمراه نمی‌شوید. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند، تا در حوض [کوثر در قیامت] بر من وارد شوند.

طبق این حدیث، باید همیشه یک نفر از اهل بیت که عالم کامل و معصوم است در کنار قرآن باشد؛ چون قرآن دریای علم بوده و از هر خطا دور است.

و در حدیث معروف دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خلفا و جانشینان من دوازده نفرند».

طبق این حدیث، آن اهل بیت که در کنار قرآن هستند، دوازده نفر خواهند بود.

در احادیث متعدد دیگر خداوند نام این دوازده نفر را ذکر کرده است؛ برای نمونه، وقتی آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نازل شد، از پیامبر درباره «اولی الامر» سؤال شد که آنان چه کسانی هستند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، آنان را

معرفی کرد که اول آن‌ها علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و سپس نام باقی امامان را تا امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود.

پس ما به کمک عقل و نقل فهمیدیم که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در کنار قرآن قرار دارد و عالم به علم الهی و معصوم است، همان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

البته باید با تفکر بیشتر و با استفاده از روایات، ادعیه و زیارات، معرفت خود را به امام و مقام او بیشتر و عمیق‌تر کنیم. گفتنی است اگر انسان سعی کند ایمان را در خود تقویت کند و به وظایف دینی عمل کند، خداوند عنایت بیشتری به او کرده، او را در شناخت بهتر و کامل‌تر امام کمک می‌کند.

۳. از راه‌های مختلف می‌توان فهمید انسان چه مقدار به امام معرفت پیدا کرده است؛ از جمله:

- چه مقدار به او محبت دارد و به یاد او است؟

- برابر شبهات، تا چه اندازه خود را می‌تواند حفظ کند و عقیده صحیح خود را از دست ندهد؟

- به وظایف دینی، چه مقدار توجه دارد و به آن‌ها عمل می‌کند؟

هر اندازه محبت و یاد امام بیشتر باشد و توجه به وظایف دینی دقیق‌تر و کامل‌تر باشد و انسان برابر شبهات مقاوم‌تر باشد، به همان اندازه معرفت پیدا کرده است.

بنابراین، باید به دو عنصر عقل نقل توجه کرد و از درگاه خداوند توفیق خواست و با بالابردن صفت تقوا، و عمل به دین و تکالیف شرع، دل و روح و قلب را قابل پذیرش انوار الهی کرد.

در پایان بیان این نکته خالی از لطف نیست که هر چند دشمنان، از راه‌های گوناگون به مرزهای فکری و اعتقادی و اخلاقی هجوم آورده و در صدد انحراف مردم - به خصوص جوانان - هستند؛ ولی عنایت الهی متوجه طرفداران حق است. خداوند می‌فرماید:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛

کسی که تقوای الهی را پیشه کند، [خداوند] برای او راه خروج [از بن‌بست‌ها را] قرار می‌دهد و به او روزی می‌دهد از جایی که گمان نمی‌برد و کسی که به خدا توکل کند، پس او برایش کافی است.

این رزق و روزی، شامل رزق و روزی معنوی و معرفتی نیز می‌شود. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مراعات حال شیعیان را مهمل و رها نگذاشته است. رعایت حال در همه امور است؛ حتی امور معنوی و فکری؛ پس اگر علاوه بر تلاش علمی و مطالعاتی، تقوا پیشه کنیم و به دستورات دین پایبند باشیم، خداوند و امام (علیه السلام) توجه بیشتری به ما خواهند داشت و علاوه بر امداد در پیشرفت معرفتی و ایجاد آمادگی، ما را از کید دشمنان حفظ می‌کنند.

۱۲- خلاصه‌ای از زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بگویید.

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق در سامرا - یکی از شهرهای عراق - دیده به جهان گشود. پدر گرامی او، پیشوای یازدهم امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر بزرگوار آن حضرت بانویی شایسته به نام «نرجس» بود. نام و کنیه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان نام و کنیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و لقب‌های مشهور آن حضرت عبارت است از: مهدی (هدایت شده‌ای که مردم را به حق می‌خواند)، قائم (قیام برای حق می‌کند)، منتظر (همه، در انتظار مقدم اویند)، بقیه الله (باقی مانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره او)، صاحب الزمان و ولی عصر (حاکم و فرمانروای یگانه زمان).

با توجه به این که فرمانروایان ستمگر عباسی به دنبال قتل آن بزرگوار بودند، لذا ولادت آن حضرت پنهانی بود. حتی نزدیکان امام

عسکری (علیه السلام) نیز از ولادت او بی‌اطلاع بودند. حکیمه خاتون (عمه بزرگوار امام یازدهم) که بزرگ بانوان حرم اهل بیت (علیهم السلام) بود نیز در شب نیمه شعبان و چند ساعت پیش از ولادت، از واقع شدن این امر بزرگ آگاه شد و این، بدان سبب بود که اثر حمل و نشانه بارداری در نرجس خاتون، به قدرت خدا، دیده نمی‌شد.

در روایات، شمایل و اوصاف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان شده است از جمله: چهره‌ای گندمگون، پیشانی بلند، ابروان هلالی، چشمان سیاه و درشت و ... او اهل عبادت و شب زنده‌داری، زهد و پارسایی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری و ... است.

زندگی آن حضرت شامل سه دوره پرفراز و نشیب است:

دوران اختفا: زندگی پنهانی آن حضرت که از آغاز ولادت تا شهادت پدر را شامل می‌شود. در این دوران امام حسن عسکری (علیه السلام) با نوشتن نامه و دادن عقیقه، نزدیکان و خواص را از ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آگاه کرد. در این دوره، برخی افراد، به دیدار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موفق شدند. محمد بن عثمان که یکی از بزرگان شیعه است، می‌گوید: چهل نفر از شیعیان، نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «پس از من این، امام شما و جانشین من است. از او فرمان ببرید و بعد از من، در دین خود پراکنده نشوید که هلاک می‌شوید». دوران غیبت: این زمان، از هنگام شهادت امام یازدهم (علیه السلام) شروع می‌شود و تا ظهور ادامه دارد. علت غیبت آن حضرت، به روشنی معلوم نیست؛ ولی از حکمت‌های آن، نجات از قتل و امتحان مردم است. غیبت آن حضرت دو مرحله دارد:

الف. غیبت کوتاه مدت (صغرا) که از سال ۲۶۰ (هنگام شهادت امام یازدهم (علیه السلام)) تا سال ۳۲۹ یعنی حدود هفتاد سال طول کشید.

مهم‌ترین ویژگی این دوره، آن است که مردم، از طریق نایبان خاص، یعنی عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح و علی بن محمد سمري، با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ارتباط بودند و به وسیله آنان، سؤالات خود را می‌پرسیدند و پیام‌ها و پاسخ‌های حضرت را دریافت می‌کردند. در این دوره نیز برخی از ارادتمندان، موفق به دیدار حضرت شدند.

ب. غیبت بلند مدت (کبرا): در آخرین روزهای عمر نایب چهارم، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نامه‌ای خطاب به او، خبر رحلت او را تا شش روز دیگر اعلام می‌کند. امام، از او می‌خواهد که دیگر فردی را به عنوان نایب خاص معرفی نکند. بدین گونه دوران غیبت کبری شروع شد. امام، در این دوره، عالمان و فقیهان را به عنوان نایبان عام به مردم معرفی کرد و از آنان خواست که در امور خود به عالمان رجوع کنند.

البته باید توجه داشت هر چند امام در پرده غیبت قرار دارد؛ مردم همچنان از شمع وجود او بهره می‌برند. در روایت مشهور از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم). و خود حضرت مهدی (علیه السلام) «امام غایب» به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مردم از آن بهره می‌برند.

در این دوران پرفراز و نشیب مردم باید در انتظار مقدم او باشند و به وظیفه یک منتظر واقعی عمل کنند و برای ظهور، زمینه‌سازی بکنند. در این دوران برخی نیز موفق به دیدار آن عزیز شدند که نمونه آن، تشرف حاج علی بغدادی است که در کتاب مفاتیح الجنان ذکر شده است.

دوران ظهور: این دوره، از ظهور حضرت تا رحلت ایشان را شامل می‌شود. پس از آن که شرایط ظهور فراهم گشت و علایم ظهور؛ مانند خروج سفیانی و ندای آسمانی پدیدار شد، آن یگانه دوران، در مکه ظاهر می‌شود و همراه یاران، در مسجد الحرام، ظهور

خود را اعلام می‌دارد. پس از سیطره بر مکه و اصلاح امور، به طرف مدینه و سایر نقاط به حرکت در می‌آید و با پاکسازی جهان از ظلم و شرک، عدل و دین را بر این زمین خسته از سیاهی می‌گستراند. در این دوران است که زمین، خرم و آباد می‌گردد و برکاتش را به مردم ارزنی می‌دارد.

اما برخی ویژگی‌های ایشان از زبان روایات:

از امام حسین (علیه السلام) نقل شده است:

تعرفون المهدی بالسکینه و الوقار و بمعرفه الحلال و الحرام و بحاجه الناس الیه و لا یحتاج الی احد؛ مهدی را با آرامش و وقار و شناخت حلال و حرام و نیاز همگان به او و بی‌نیازی او از دیگران خواهید شناخت.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

فوالله ما لباسه الا الغلیظ و لا طعامه الا الجشب؛ به خدا سوگند! لباس او جز پارچه‌ای زبر و خشن و غذای او، جز غذای ساده نیست.

از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است:

یکون اعلم الناس و احکم الناس و اتقی الناس و اسخی الناس و اعبد الناس؛ او عالم‌ترین مردم و حکیم‌ترین مردم و با تقواترین مردم، و سخی‌ترین مردم و عابدترین مردم است.

صاحب کتاب بشاره المصطفی از لیث بن طاوس نقل می‌کند که:

المهدی سمح بالمال رحیم بالمساکین، شدید علی العمال؛ مهدی، بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد، بر کارگزاران و مسئولین دولت خویش بسیار سختگیر است، و بر بینوایان بسیار رؤوف و مهربان است.

۱۳- چگونه حضرت که در یک مکان است، ناظر همه جا می‌باشد؟

باید دانست که حاضر و ناظر دانستن امام به این معنا نیست که امام با چشم سر، افراد را نگاه می‌کند؛ همان‌گونه که شاهد و ناظر بودن خدا نیز شهود و دیدن مادی نیست. بلکه امام دارای حقیقت وجودی بسیار بلندی است که مربوط به گستره این عالم مادی نیست. در بسیاری از اخبار، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) غیر از آنچه که ما آن را نفس و روح می‌نامیم، مقامی والاتر اثبات شده و آن مقام نورانیت است. در روایتی نقل شده است «نخستین چیزی که خدای متعال آفرید، نور پیامبر اکرم و امامان بود». در روایت دیگر آمده است: «خداوند در آغاز، نور محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) را خلق کرد» و در روایتی دیگر بیان شده است: «خداوند، از نور عظمت خویش، آنان را آفرید».

آفرینش از نور خدا، چندان برای ما روشن نیست، ولی می‌توان گفت غیر مادی و مقامی بس بلند است. این مقام نورانیت، چون محیط و دربردارنده زمان‌ها و مکان‌ها است، بر همه چیز احاطه وجودی دارد و نمونه و مثلی است برای علم الهی؛ یعنی همان‌گونه که خدای متعال بر همه ما سوای خویش، احاطه حضوری دارد و این، به زمان و مکان ربطی ندارد، آن‌ها نیز که مظهر تام اسمای الهی‌اند و علمشان هم مظهر علم الهی است، به موجودات احاطه حضوری دارند.

بر این اساس، استقرار حضرت در مکانی از مکان‌های این کره خاکی، با شاهد و ناظر بودن او منافاتی ندارد. استقرار برای بدن مادی است و شاهد و ناظر بودن، مربوط به مقام نورانیت و روح مطهر آنان که وسعت وجودی دارد می‌باشد.

۱۴- آیا موقع گناه، امامان (علیهم السلام) ناظر اعمال ما هستند و آیا اعمال ما به امام عصر (علیه السلام) عرضه می‌شود؟ اگر این چنین باشد، لقب «ستار العیوب» بودن خدا برای چیست؟

روایات عرضه اعمال خدمت امام عصر، (علیه السلام) معتبرند و نافی ستّاریت خداوند نیست. میان پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، با توجه به اخبار فراوانی که از امامان رسیده، عقیده این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم

السلام) از اعمال همه امت آگاه می‌شوند؛ یعنی خداوند از طرق خاصی اعمال امت را بر آنان عرضه می‌دارد. روایات در این زمینه بسیار است. پیش از آوردن حدیث، برای تأیید موضوع، آیاتی را که به موضوع عرضه اعمال بر پیامبر و امام دلالت دارد، می‌آوریم. خدای سبحان در قرآن مجید می‌فرماید:

«و قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و المؤمنون»؛ بگو: عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند. ... از طرفی، نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) شاهد و گواه امت است: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً»؛ و «فکیف إذا جئنا من کل أم؟ بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً؛ حال آنان چگونه است آن روز که برای هر امت، گواهی بر اعمالشان می‌طلبیم و تو را گواه بر اعمال آنان قرار خواهیم داد؟».

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید:

هر عملی که انسان انجام می‌دهد، از خیر یا شر، خدا و رسولش و مؤمنان، حقیقت عمل خیر یا عمل شر را مشاهده می‌کند. منظور از «مؤمنون» در آیه ۱۰۵ از سوره توبه، امامان (علیهم السلام) هستند. یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه پرسیدم. فرمود: «مؤمنان، امامان هستند». پس اعمال انسانی، از خیر و شر، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) عرضه می‌شود. ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: در هر بامداد، کردار بندگان نیکوکار و فاسق بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه می‌شود؛ پس بر حذر باشید از کردار ناشایست. همین است معنای قول خدای تعالی «قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله ...» بنابرین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) از حقیقت اعمال بندگان با خبر هستند و اعمال آنان را مشاهده می‌کنند.

معنای ستار بودن خدا، آن است که اعمال انسان‌ها را از دیگر انسان‌ها می‌پوشاند تا آبروی آنان حفظ گردد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) مظهر اسما و صفات الهی هستند. همان گونه که خداوند، ناظر بر اعمال مردم است، پیامبر و امامان (علیهم السلام) نیز چشم خدا میان خلق هستند و اعمال آنان را می‌بینند. آن روایتی نیز که فرموده است خدا، اعمال را حتی از چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مخفی می‌کند، به مواردی خاص اشاره دارد، تا رحمت بیکران الهی را به تصویر کشد.

ضمن آن که نظارت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام (علیه السلام) بر اعمال مردم، همانند نظارت خداوند، آثار سازنده فراوانی دارد؛ یعنی همان گونه که ستاریت پروردگار، برای تربیت و رشد مردم است، عرضه اعمال مردم بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) نیز در همین جهت است؛ زیرا آنان، هادیان امت از طرف خدایند و فیض الهی از طریق آن بزرگواران بر بندگان نازل می‌شود؛ بنابراین، هیچ تنافی و تناقضی مشاهده نمی‌شود.

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

خداوند متعال که ستار العیوب است، می‌داند کجا ستاری بکند و کجا ستاری نکند. اگر کسی ستار عیوب دیگران باشد و در عین حال مخفیانه مرتکب گناهی شود، ذات اقدس اله اجازه نخواهد داد اسرارش نزد دیگران افشا شود. حتی در قیامت خداوند اجازه نمی‌دهد کسانی که کنار یکدیگرند از اعمال هم باخبر شوند؛ بنابراین، عملکرد خود شخص بسیار مهم است. اگر کسی پرده دیگران را ندرد و آشکارا به گناه دست نیازد، خداوند پرده‌اش را نمی‌درد. بر این اساس، کسی که با قلم و بیان و اندیشه‌های ناصواب خود، آبروی دین خدا و مردم را می‌برد، به جایی می‌رسد که شایسته نیست خداوند متعال آبروی او را حفظ کند. در این موقعیت، خدای سبحان اجازه می‌دهد صاحب‌دلان ببینند او چه کرده است و حتی احتمال دارد در قیامت، مقابل دیگران رسوا شود.

۱۵- این که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر طبق روایاتی، دارای زن و فرزند هست، از نظر سند، معتبر است یا نه؟

دلیل معتبری نداریم که موضوع ازدواج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و وجود فرزند برای آن حضرت را به طور قطع، اثبات یا نفی کند. البته، بعضی برای اثبات ازدواج حضرت دلیل آورده‌اند که ازدواج، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حتماً به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل می‌کند؛ ولی باید گفت، آن حضرت، در شرایط غیبت به سر می‌برد که یک زندگی استثنایی است؛ بنابراین، امکان دارد ازدواج را تا عادی شدن زندگی خود، به تاخیر بیندازند.

در عین حال، اگر حضرت، در همه عمر شریف خود یک بار هم ازدواج کرده باشد و در زمانی محدود، همسری داشته باشد، به سنت نبوی عمل کرده است. و لزومی ندارد همیشه، همسر و فرزندی داشته باشد.

روایات و ادعیه‌ای که برخی، به آن‌ها استناد می‌کنند و برای حضرت فرزندی را می‌شمارند، در مواردی، به دو صورت است؛ در یک روایت، کلمه «ولد» (فرزند) ذکر شده و در روایتی دیگر، کلمه «ولی» (ملازم). به علاوه، معمول آن‌ها، قابل حمل و تطبیق به زمان ظهور است. برخی، استنادشان به جزیره خضرا و مانند آن است که اصل چنین قضایایی، بسیار محل نظر و تأمل است (که در محل خود به آن اشاره شده است).

در مقابل، برخی دیگر، ازدواج و همسر و فرزند داشتن را منافی با امر غیبت و از لحاظ اجتماعی، قابل سوء استفاده دانسته‌اند. همچنین در روایتی نقل شده: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردند: «برای ما روایت شده که امام از دنیا نمی‌رود، تا آن که نسل خود را ببیند». حضرت فرمود: آیا درباره این حدیث گفته نشده است که: «به جز قائم».

بنابراین، در باره ازدواج و همسر و فرزند داشتن حضرت یا نفی آن، به صورت قاطع، نمی‌توان سخن گفت. علاوه بر این که این مسأله، یکی از مباحث فرعی در میان مباحث مهدویت است که اطلاع نداشتن از آن، ضرری ندارد و پی‌گیری آن نیز ثمری ندارد.

۱۶- محل زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوره غیبت کجا است؟ آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد؟ آنچه درباره محل زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گفته می‌شود، براساس حدس و گمان است؛ زیرا غیبت امام، خود دلیل روشنی بر آن است که مکان شناخته شده‌ای برای آن حضرت، وجود ندارد.

داستان جزیره خضرا که در بحار الأنوار آمده است، اعتباری ندارد و عالمان و کارشناسان دینی، آن را رد کرده‌اند و دلائل سستی و بی‌اعتباری آن را بیان کرده‌اند. در این داستان، ادعا شده است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فرزندان، در جزیره‌ای سبز و خرم زندگی می‌کنند. این مطلب، با آنچه درباره امامان معصوم (علیهم السلام) شنیده‌ایم، از همراهی و همسانی با شیعیان که در سختی‌ها و رنج‌ها زندگی می‌کنند، سازگاری ندارد. نیز این داستان مشتمل بر مطالبی متناقض و متضاد است و در آن سخن از تحریف قرآن به میان آمده است. به علاوه، راوی این داستان نیز ناشناس است. مرحوم مجلسی، خود می‌گوید داستان جزیره خضرا را در کتب معتبر نیافتم.

مقابل داستان فوق، روایاتی داریم که می‌گوید آن حضرت، میان مردم زندگی می‌کند و در راه‌های آن‌ها قدم می‌گذارد و بر فرش‌های آنان، پا می‌نهد. این‌ها، حاکی از حضور مداوم و مستمر حضرت در میان شیعیان است.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: سوگند به خدای علی! حجت خدا، میان مردم هست و در راه‌ها گام بر می‌دارد؛ به خانه‌های آن‌ها سر می‌زند و در شرق و غرب زمین، رفت و آمد می‌کند. گفتار مردم را می‌شنود و بر ایشان سلام می‌کند و می‌بیند و دیده نمی‌شود، تا وقت معین و وعده الهی.

۱۷- چطور ممکن است امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارای عمری چنین طولانی باشد؟

سرچشمه این سؤال و علت طرح آن، این است که آنچه در جهان امروز، معمول و متداول است، عمرهای محدودی است که

حداکثر بین ۸۰ تا ۱۰۰ سال طول می‌کشد (البته هم اکنون عمرهای بالای صد سال هم یافت می‌شود که بسیار کم است). دیدگاه علوم تجربی: عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری، امری غیر ممکن نیست و دانشمندان، با مطالعه اجزای بدن، به این حقیقت رسیده‌اند که ممکن است انسان، سال‌های بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود. برنارد شاو می‌گوید:

از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر، نمی‌توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسأله مرزناپذیری است. پروفیسور اتینگر می‌نویسد:

به نظر من با پیشرفت تکنیک‌ها و کاری که ما شروع کرده‌ایم، بشر قرن بیست و یکم خواهد توانست هزاران سال عمر کند. بنابراین تلاش دانشمندان برای دست یافتن به راه‌های غلبه بر پیری و رسیدن به دراز عمری، نشانگر امکان چنین پدیده‌ای است؛ چنان‌که در این مسیر، گام‌های موفقیت‌آمیزی نیز برداشته شده است و هم اکنون در گوشه و کنار جهان، هستند افرادی که بر اثر شرایط مناسب آب و هوایی و تغذیه مناسب و فعالیت مناسب بدنی و فکری و عوامل دیگر، عمری نزدیک به صد و پنجاه سال و گاهی بیشتر از آن دارند.

بیان کتب و ادیان آسمانی: عمر طولانی در گذشته تاریخ انسان‌ها بارها تجربه شده است و در کتاب‌های آسمانی و تاریخی، انسان‌های زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده‌اند که مدت عمر آن‌ها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است؛ برای نمونه چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱. در قرآن، آیه‌ای هست که نه تنها از عمر طولانی، بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می‌دهد و آن آیه درباره حضرت یونس (علیه السلام) است که می‌فرماید:

اگر او [یونس (علیه السلام)] در شکم ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می‌ماند.

با توجه به این آیه شریف، عمر بسیار طولانی (از عصر یونس (علیه السلام) تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست‌شناسان، عمر جاویدان نامیده می‌شود، برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان‌پذیر است.

۲. قرآن کریم درباره حضرت نوح (علیه السلام) می‌فرماید:

به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس ۹۵۰ سال میان آن‌ها درنگ کرد.

آنچه در این آیه شریف آمده است، مدت پیامبری آن حضرت است و براساس برخی روایات، عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال طول کشیده است.

جالب این‌که در روایتی از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

در امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سنت و شیوه‌ای از زندگی حضرت نوح (علیه السلام) است و آن، طول عمر است.

۳. قرآن درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید:

... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند؛ بلکه امر به آن‌ها مشتبه شد... به یقین او را نکشتند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند، توانا و فرزانه است.

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان معتقدند عیسی (علیه السلام) زنده و در آسمان‌ها است و هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرود آمده، او را یاری خواهد کرد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

در صاحب این امر [مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] چهار سنت از چهارتن از پیامبران است... و از عیسی (علیه السلام)

سنتی دارد و آن این که می‌گویند: «او فوت کرده است»؛ در حالی که او زنده می‌باشد.

علاوه بر قرآن، در تورات و انجیل نیز سخن از دراز عمران مطرح گردیده است. در تورات آمده است:

...تمام ایام آدم که زیست، ۹۳۰ سال بود که مُرد ...جمله ایام «انوش» ۹۰۵ سال بود که مُرد ...و تمام ایام قینان ۹۱۰ سال بود که مُرد ...پس جمله ایام متوشالحو ۹۶۹ سال بود که مُرد. ...

بنابراین تورات، به صراحت به وجود افرادی با داشتن عمرهای طولانی (بیش از نهصد سال) اعتراف می‌کند.

در انجیل نیز عباراتی موجود است که نشانگر آن است که عیسی (علیه السلام) پس از به دار کشیده شدن، زنده گردیده و به آسمان رفته است و در روزگاری فرود خواهد آمد. مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

با این بیان روشن می‌شود پیروان دو آئین یهود و مسیحیت، باید به علت اعتقاد به کتاب مقدس، به عمرهای طولانی نیز معتقد باشند. قدرت الهی: گذشته از این که طول عمر، از نظر علمی و عقلی پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی‌نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی، تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سبب‌ها و علّت‌ها به اراده او بستگی دارد. اگر او نخواهد، سبب‌ها از تأثیر باز می‌ماند و نیز بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می‌کند و می‌آفریند. او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می‌آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم (علیه السلام) سرد و سلامت می‌سازد و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می‌کند و آن‌ها را از میان دو دیوار آبی عبور می‌دهد. آیا از این که به عصاره انبیا و اولیا و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق‌بخش وعده بزرگ قرآن را عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟!

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرموده است:

...خداوند، عمر او [مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] را در دوران غیبتش طولانی می‌کند، سپس به قدرت خدایی‌اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می‌سازد، تا مردمان دریابند که خداوند، بر هر کاری توانا است.

نظرگاه عقل: همه امور، از دیدگاه عقل به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف. امور عادی: اموری که طبق روند طبیعی شناخته شده تحقق می‌یابند و برای علوم تجربی، قابل اثبات و نزد مردم، روشن است؛ مانند سیر طبیعی تشکیل ابر و بارش باران یا رشد و باروری و میوه دهی عادی یک درخت.

ب. امور محال: اموری که امکان پیدایش آن‌ها نیست؛ زیرا شرایط تحقق پدیده در آن‌ها موجود نمی‌باشد. باید توجه داشت که امور محال نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

محال عقلی: امری که از نظر عقل، به هیچ عنوان موجود نمی‌شود؛ زیرا به تناقض می‌انجامد.

محال عادی: امری که تحقق آن، در حالت عادی محال است؛ ولی عقل پیدایش آن را نفی نمی‌کند؛ مانند معجزاتی که از انبیای گرامی صادر می‌شد. این گونه امور، چون دارای شرایط و زمینه‌های شناخته شده نیستند به صورت عادی محال است موجود شوند؛ ولی با وجود علل و شرایط خاص، عقل پیدایش آن‌ها را ممکن می‌داند (البته این دیدگاه، تبیین دیگری از قدرت خدا است).

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم (علیه السلام)، از ابعاد مختلف عقلی و علمی و تاریخی امری ممکن و پذیرفتنی است و پیش از همه این‌ها، از جلوه‌های اراده خداوند بزرگ و توانا است.

۱۸- با توجه به عمر بسیار طولانی امام زمان (علیه السلام) چکار کنیم که یقین ما به وجود آن حضرت بیشتر شود.

برای اثبات وجود هر چیزی، اگر راه مناسب آن پیموده شود، بسیاری از سؤالات و شبهات نیز پاسخ خود را پیدا می‌کند. آیا عمر طولانی برای یک انسان، از نگاه عقل، محال است یا علم تجربی آن را ناممکن می‌داند یا از قدرت خداوند خارج است، تا به

سبب آن بتوان وجود حضرت را منکر شد؟ نه عقل آن را محال می‌داند، نه علم تجربی آن را غیر ممکن بر می‌شمارد و نه از قدرت خدا خارج است که عمر انسانی را طولانی قرار بدهد. آیا صرف ندیدن، می‌تواند علت انکار وجود چیزی باشد؟ یقیناً این گونه نیست. خیلی از موجودات هستند که دیده نمی‌شوند؛ ولی انسان به وجود آن‌ها اعتقاد دارد؛ مانند خدا و عقل و بهشت و جهنم. ... به علاوه کسانی بوده‌اند در طی سالیان دراز، او را دیده‌اند و از محضر او بهره برده‌اند. بله؛ عدّه زیادی نیز او را ندیده‌اند؛ زیرا دوران غیبت است و ملاقات‌های عمومی، با این دوره سازگاری ندارد.

برای اثبات وجود و ازدیاد یقین به وجود حضرت، می‌توان از راه عقل و نقل استفاده کرد. راه عقل، مقداری پیچیده‌تر است و ذهن باید تلاش بیشتری از خود نشان دهد. راه نقل، ساده‌تر و متنوع‌تر است و برای همه مردم قابل فهم است.

دلیل عقلی

به اعتقاد ما، برای ادامه حیات انسان‌ها، وجود یک حجت الهی و واسطه فیض لازم است؛ چرا که آدمیان برای حیات خود، نیاز به کسب فیض از مبدأ فیاض (خداوند) دارند و چون از حیث وجود ضعیفند و توانایی درک فیض از خداوند را که در نهایت شدت وجود است، ندارند، باید در این بین، واسطه‌ای باشد که از حیث وجودی، شدید و قوی باشد، تا فیض از طریق او به انسان‌ها، و سایر مخلوقات برسد. آن واسطه، باید کسی باشد که جنبه الهی و معنوی او در درجه بالایی وجودی قرار داشته باشد و قابلیت درک فیض را پیدا کند. به این واسطه، «حجت خدا» گویند.

این بیان، علاوه بر آن که در فلسفه و عرفان ثابت است، مورد اشاره روایات قرار گرفته است. مرحوم کلینی در کافی، بابی را مطرح کرده است به نام «ان الارض لا تخلو من حجه» که به این موضوع اختصاص دارد.

به راستی، چقدر فاصله است میان مکتب شیعه با سایر مکاتب و شرایع که واسطه‌ای بین خود و خدا ندارند؛ چرا که یهودیان، مسیحیان و مسلمانان سنی معتقدند با وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ارتباط با مبدأ اعلی، قطع شده و واسطه فیضی در کار نیست.

راه نقل

روایات در این زمینه، فراوان است و به گونه‌های مختلفی، وجود امام را ثابت می‌کند. برخی روایات، به صورت عام، وجود حجت خدا را در هر زمان ثابت می‌کند که به دو روایت اشاره می‌کنیم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در کلامی فرمود:

هر کس بمیرد و امام زمان خودش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

در این حدیث شریف، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح دارد که انسان، امام زمان خودش را اگر نشناخت، دچار مرگ جاهلی می‌شود. پس باید در هر زمان، امام و حجت خدا باشد و مردم او را بشناسند، تا دچار مرگ جاهلی نشوند.

در حدیث معروف ثقلین، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، اهل بیت خود را کنار قرآن قرار داد و فرمود: این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض بر من وارد شوند.

و فرمود: «اگر به این دو تمسک بجوید، گمراه نمی‌شوید».

این حدیث، در بردارنده نکاتی است:

الف. قرآن، تا آخر عمر دنیا باقی است؛ پس باید تا آخر عمر دنیا، فردی از اهل بیت (علیهم السلام) باشد.

ب. از قرآن باید پیروی کرد؛ پس باید از آن فرد نیز پیروی کرد.

ج. قرآن، معصوم از خطا است؛ پس او نیز باید معصوم از اشتباه باشد.

د. قرآن، هادی کامل است؛ پس او نیز باید دریای علم و معرفت باشد.

با توجه به حدیث معروف دوازده خلیفه و با توجه به روایات متعددی که نام این بزرگواران را ذکر کرده‌اند؛ مانند حدیث لوح و با توجه به این که یازده نفر از آن پاکان، به شهادت رسیدند، روشن می‌شود که حجت خدا در این زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، که واسطه فیض الهی است. در برخی روایات، به این عبارات بر می‌خوریم: اول آنان علی (علیه السلام) و آخر آن‌ها مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. و نه نفر از آنان، از فرزندان حسین (علیه السلام) هستند و نهمین آنان، قائم ایشان است.

برخی روایات، مربوط به وجود مقدس امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که به ابعاد مختلف وجود و زندگی ایشان اشاره دارد؛ از جمله روایاتی به این مضمون: او، پنجمین از فرزندان موسی بن جعفر (علیهما السلام) است. او، چهارمین از فرزندان امام رضا (علیه السلام) است. او، سومین از فرزندان امام جواد (علیه السلام) است. او، پسر امام حسن عسکری (علیه السلام) است. نیز روایاتی که به غیبت او و چگونگی انتفاع مردم از وی در زمان غیبت و مخفی بودن ولادت او و طول عمر او و علت غیبت او اشاره دارند.

به علاوه برای اثبات ولادت و وجود یک انسان، باید به تاریخ مراجعه کرد. در کتب تاریخی به مباحثی بر می‌خوریم که به روشنی، بر ولادت و حیات آن بزرگوار دلالت دارد؛ مانند معرفی مادر آن بزرگوار، داستان ولادت مخفیانه، افرادی که ایشان را دیده اند، و کلا و نایان خاص....

این مباحث، در کتب ویژه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جمع آوری شده است. از کتب قدیم، می‌توان به کتاب کمال الدین و تمام النعمه، اثر مرحوم شیخ صدوق اشاره کرد و از کتبی که جدیداً به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به کتاب‌های منتخب الاثر از آیت الله صافی گلپایگانی، دادگستر جهان از آیت الله ابراهیم امینی، خورشید مغرب از آقای حکیمی و نگین آفرینش اثر جمعی از نویسندگان اشاره کرد.

مطلبی را که نباید از نظر دور داشت، این است که از ویژگی‌های مکتب تشیع، آثار باقی مانده از پیشوایان و گذشتگان است که آیندگان را به گذشته آن‌ها پیوند می‌دهد و خود، سندی بر وجود این دین و مکتب می‌شود. وجود حرم‌ها و مشاهد مشرفه، مساجد و زیارتگاه‌ها، همه بیانگر تاریخ زندگی پیشوایان معصوم است. این، امری است که یهودیان و مسیحیان از آن محرومند و از این رو برای برخی، اصل وجود پیامبرانی چون موسی و عیسی (علیهما السلام) و دین یهود و مسیح، مورد تشکیک است.

درباره امام زمان نیز مکان‌هایی منتسب به ایشان وجود دارد که هر کدام به گونه‌ای افراد را به فکر فرو می‌برد که صاحب این مکان کیست. مساجدی مانند مسجد سهله و جمکران یا سرداب غیبت در سامرا و یا مقام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کنار نهر علقمه. به راستی، این مساجد و اماکن، چه چیزی را بیان می‌کند و چه کسی را نشان می‌دهد؟ مسافرت این مردمی که با یک دنیا عشق و نیاز به این محل‌ها و اماکن دیگر بار می‌بندند و از آن عزیز عنایت می‌گیرند، چه پیام‌هایی دارد؟ آیا در همه چیز می‌توان شک کرد؟ دعوت قرآن برای سیر در زمین و تدبیر و تفکر برای چیست؟ آیا با بستن چشم، می‌توان منکر وجود خورشید و نورافشانی آن شد؟ باید خواند و فکر کرد.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن ۱۹- در کجای قرآن درباره آن حضرت صحبت شده است؟ با توجه به ذکر صریح نام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در تورات، چرا در قرآن به طور روشن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی نشده است؟

قرآن کریم، در جایگاه قانون اساسی اسلام، در بسیاری از موارد، کلیات مسائل اسلامی را مطرح کرده است و بیان بسیاری از حقایق را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جانشینان او واگذار کرده است و صریحاً، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مبین و مفسر قرآن معرفی کرده است:

«و انزلنا الیک الذکر لتبین الناس ما نزل الیهم»؛ قرآن را بر تو نازل کردیم، تا آنچه را بر مردم نازل شده است، برای آنان بیان کنی. نکته لطیف این که خداوند از کلمه «تبیین» استفاده کرده است که به معنای توضیح و تفسیر است، نه از الفاظی مانند قرائت و تلاوت که به معنای خواندن است.

خداوند، در قرآن کریم برای معرفی افراد از روش‌های مختلفی استفاده کرده است؛ برای نمونه:

الف. معرفی به نام: «ما کان محمد أباً أحد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیماً»؛ «محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است».

ب. معرفی با عدد: «و لقد أخذ الله میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نبیاً»؛ «خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم».

ج. معرفی با صفت: «الذین یتبعون الرسول النبی الأُمّی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراة و الإنجیل یأمرهم بالمعروف و ینهیهم عن المنکر و یحلّ لهم الطیبات و یحرّم علیهم الخبائث و یضع عنهم إصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم»؛ ... همانا که از فرستاده (خدا) پیامبر اُمّی پیروی کنید؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند: آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد....

بنابراین، غیر از وجود مقدس امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موارد فراوان دیگری هست که در قرآن به صراحت از آنها سخن به میان نیامده است.

این که نام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با صراحت در تورات آمده است، دلیل بر این نیست که باید نام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم در قرآن با صراحت بیاید؛ چون، ممکن است همان گونه که آنجا مصلحت در ذکر صریح نام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، اینجا مصلحت در عدم تصریح به نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد، اگر چه با تصریح نام نیز مشکل حقستیزان حل نمی‌شود؛ چنان که بشارت پیامبر در تورات و انجیل آمد؛ ولی بسیاری از اهل کتاب ایمان نیاوردند. مخالفت بنی اسرائیل با پیامبر زمان خود درباره فرماندهی طالوت دلیل دیگری است بر این که ذکر «نام» همه جا و همیشه اختلاف را از بین نمی‌برد. بنی اسرائیل در مخالفتی آشکار با پیامبرشان - با این که نام فرمانده به صراحت گفته شده بود - گفتند: «أَنتَ یَکُونُ لَهِ الْمَلِکَ عَلَینَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِکَ مِنْهُ وَ لَمْ یَأْتِ سَعَةُ مِنَ الْمَالِ»؛ چگونه او فرمانروای ما باشد، با این که ما برای فرمانروایی از او سزاوارتریم و به او مال گسترده‌ای هم داده نشده است».

برخی از بزرگان گفته‌اند اگر نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یا سایر امامان، با صراحت در قرآن ذکر می‌شد، انگیزه مخالفان برای تحریف قرآن، فراوان می‌شد و این سند جاوید الهی، در خطر تحریف قرار می‌گرفت.

به علاوه اینگونه نیست که تنها راه بیان حقایق تصریح به اسم و رسم آنها باشد؛ بلکه در بسیاری از موارد، با بیان ویژگی‌های یک حقیقت، البته به صورتی آشکار و روشن، می‌توان حقیقتی را به دیگران معرفی کرد. قرآن کریم، در مسأله امامت و ولایت و نیز مهدویت و حکومت عدل جهانی، از این شیوه بهره گرفته است. در آیات متعدد، ولایت پس از پیامبر (مائده: ۵) و حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (نور: ۲۴: ۵۵) را در قالب بیان ویژگی‌ها و صفات، بیان کرده است.

مفسران قرآن، با استفاده از روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) بیش از ۲۵۰ آیه از قرآن را درباره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حکومت جهانی او و یاوران صالح او آورده‌اند. در این باره، کتاب‌های مستقلى هم نوشته شده است، مانند سیمای امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن، ترجمه حائری قزوینی و امام زمان در آینه قرآن، نوشته علی اکبر مهدی پور. بعضی از آن آیات عبارت است از

«و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون ان في هذا لبلاغاً لقوم عابدين»؛ به تحقیق در زبور، از پس تورات نوشتیم که مسلماً، زمین را بندگان صالح من، به ارث خواهند برد. به یقین، در این سخن، پیام رسایی است برای قومی که بندگان خداوند.

«وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليبذلنهم من بعد خوفهم أمناً يعبدونني لا يشركون بي شيئاً و من كفر بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون»؛ خداوند، کسانی از شما را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعاً در زمین به خلافت خواهد گمارد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند به خلافت گمارد و قطعاً برایشان دینشان را مستقر خواهد کرد؛ دینی که آن را برای آنان پذیرفت و آنان را از پس خوفشان به حالت امنیت دگرگون می‌کند؛ آن چنان که مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس بعد از آن کفر ورزد، قطعاً آنان فاسقند.

۲۰. آیا واسطه فیض بودن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در نعمت‌ها و در عالم وجود غیر از روایات، ریشه قرآنی هم دارد؟

باید توجه داشت که فهم واسطه فیض بودن امامان (علیهم السلام) از آیات، به تدبّر و دقت احتیاج دارد و مقدمات متعددی را برای نتیجه‌گیری نیاز دارد و چنان نیست که به سادگی بتوان از آیات، چنین حقیقتی را فهمید. به هر حال، در این باره به مباحثی می‌توان اشاره کرد:

شفاعت

یکی از معارفی که قرآن در آیات فراوان به آن اشاره می‌فرماید، شفاعت است. معنای شفیع، واسطه است. خداوند، میان خود و موجودات دیگر، شفیعان یا به اصطلاح واسطه‌هایی را قرار داده است. علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)، در بیان معنای شفاعت می‌فرماید:

شفاعت، دو قسم است: تکوینی و تشریعی. شفاعت تکوینی، از تمام اسباب وجودی سر می‌زند و همه اسباب، نزد خداوند، شفیع هستند؛ چون، میان خدا و مسبب خود واسطه‌اند، اما شفاعت تشریعی که در دایره تکلیف و مجازات واقع است، خود، دو نوع است: شفاعت در دنیا و شفاعت در قیامت که باعث آمرزش گناهان و قرب به خدا می‌شود.

با توجه به این مطلب، آیاتی که در آن‌ها به شفاعت و سببیت اشاره شده است، واسطه فیض بودن را می‌رساند. البته این واسطه فیض بودن، شامل همه موجودات است که مصداق کامل آن، امامان (علیهم السلام) هستند؛ زیرا آنان، از نظر قدرت وجودی و قرب به خداوند، از همه موجودات بالاتر هستند؛ برای نمونه در آیه سوم سوره یونس، خداوند می‌فرماید: «ثم استوى على العرش يدبر الأمر ما من شفيع الا من بعد اذنه»؛ سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده‌ای، جز با اذن او نیست»

و آیه ۲۵۵ از سوره بقره چنین است: «له ما في السماوات و الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه»؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست: کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟ (بنابراین، شفاعت کنندگان برای آن‌ها که شایسته شفاعتند از مالکیت او نمی‌کاهد).

مرحوم علامه طباطبائی تصریح می‌فرماید که منظور از این دو آیه، شفاعت تکوینی است در ذیل آیه دوم در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که منظور از این شفیعان، ما هستیم، پس هر خیر و خوبی که به ما می‌رسد، با شفاعت و وساطت و سببیت امامان است. وقتی دعا می‌کنیم، امامان، مریض ما را شفا دهند، در حقیقت، آنان در عالم تکوین تصرف می‌کنند و این بهبودی را از خداوند متعال می‌گیرند و این هم نوعی وساطت در فیض است. فرشتگان که در آیات فراونی، واسطه بین خداوند و موجودات دیگر معرفی شده‌اند، سجده بر انسان کامل می‌کنند و این خود، نشانه مقام بلند انسان کامل است. طبیعی است هر موجود قوی‌تر و نزدیک‌تر به خداوند، سبب و واسطه میان خدا و موجودات پایین‌تر است؛ پس انسان کامل، واسطه میان فرشتگان و خداوند است و این واسطه بودن، همان واسطه بودن در وجود و فیض هستی است.

نورانیت

خداوند، در آیه ۳۵ از سوره نور می‌فرماید: «الله نور السموات و الارض»؛ خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است. در تفسیر این آیه، مرحوم علامه طباطبائی می‌فرماید: «ظهور اشیا به نور الهی، عین وجود یافتن آن‌ها است». در ادامه آیه می‌فرماید: «مَثَلُ نُورِهِ كَمَشْكُوَةٍ»؛ «...مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که»... این آیه، ثابت می‌کند، نور خداوند، مثلی دارد و در روایت ذیل این آیه، مَثَل به اهل بیت (علیهم السلام) تطبیق داده شده است. نیز خداوند در آیه ۶۹ از سوره زمر می‌فرماید: «و اشرقت الارض بنور ربها»؛ زمین به نور پروردگارش روشن شد. در تفسیر این آیه، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که «رب الارض، یعنی امام الارض و منظور از «ربها» در آیه، امام هر عصر است. در زیارت جامعه کبیره نیز چنین آمده است: «و اشرقت الارض بنور کم؛ زمین، به نور شما اهل بیت، روشن شد». با توجه به این موارد، می‌توان نتیجه گرفت خداوند، خالق و به وجود آورنده همه موجودات است؛ اما این فیض وجود، به اذن الله، توسط امامان، به ماسوی الله می‌رسد؛ همان گونه که ربوبیت حضرت حق نیز از طریق امامان (علیهم السلام)، تحقق می‌یابد.

۲۱- با توجه به آیه یکم از سوره نحل که در آن، از عجله و شتاب، نهی شده است. چگونه روایات و دعاهایی درباره تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) وارد شده است؟

آنچه درباره شأن نزول آیات آغاز سوره نحل گفته شده، این است که این آیه همراه آیات پس از آن، در مکه و همان ایام که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با بت پرستان درگیری شدیدی داشت، نازل شده است. آنان، هر روز به بهانه‌هایی متوسل می‌شدند؛ مثلاً هرگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را به عذاب الهی تهدید می‌کرد، برخی از آنان می‌گفتند: «اگر این تهدید راست است، پس چرا عذاب به سراغ ما نمی‌آید؟». از ظاهر آیه برمی‌آید که خطاب در این آیه، به مشرکان است؛ برای این که آیات بعدی، همه، در مقام احتجاج بر ضد ایشان است؛ لذا آیه، بر بطلان پندارهای مشرکان و بی‌ثمر بودن تلاش‌های ایشان، و این که به زودی کیفر ایشان را می‌دهد، استدلال می‌کند.

استعجال، از ریشه «عجله» است. راغب اصفهانی، در معنای آن گوید: «عجله، طلب شیء است پیش از وقت آن و استعجال، خواستن با عجله است».

استعجال در قرآن

درست است که در قرآن، عجله و استعجال، از مؤمنان صریحاً نفی شده است؛ آن جا که فرموده است:

«يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ»؛ کسانی که به آخرت ایمان ندارند، درباره عذاب آن، استعجال می‌کنند؛ ولی آن‌ها که ایمان دارند، در ترس از آن هستند، چون می‌دانند که حق است».

ولی باید توجه کرد این نفی عجله از مؤمنان، در صورتی است که به عذاب و موارد شبیه به آن مرتبط باشد یا بر اساس جهل و نادانی بنا شده باشد؛ اما در صورتی که عجله مربوط به کار نیک باشد و بر اساس آگاهی و عشق صورت بگیرد، در قرآن، از مؤمنان نفی نشده است. در جریان داستان حضرت موسی (علیه السلام) می‌خوانیم: «و ما أعجلک عن قومک یا موسی»؛ ای موسی! چه چیز سبب شد پیش از قومت این جا بیایی و در این راه عجله کنی؟» موسی (علیه السلام) بلافاصله عرض کرد: «پروردگارا! آنان به دنبال من هستند و من برای رسیدن به میعادگاه و محضر وحی تو، شتاب کردم تا از من خشنود شوی».

در تأیید این مدعا، آیات زیر را هم می‌توان شاهد آورد: «سارعوا الی مغفرۃ من ربکم» «فاستبقوا الخیرات»؛ در احادیث اسلامی، بابی با عنوان «تعجیل فعل الخیر» آمده است. در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: «ان الله یحب من الخیر ما یعجل؛ خداوند، کار نیکی را دوست دارد که در آن شتاب شود». امام صادق (علیه السلام) هم فرمود: «کسی که تصمیم به کار خیری گرفت، باید عجله کند؛ زیرا هر کاری را که در آن تأخیر کنید، شیطان در آن، حيله می‌کند». منظور از عجله در این روایات، همان سرعت در مقابل اهمال کاری و تأخیرهای بی‌جا و امروز و فردا کردن است که بیشتر سبب بروز مشکلات روحی و روانی و موانعی در کارها می‌گردد؛ از این رو، باید گفت، سرعت و جدیت در کارها، آری؛ اما عجله و شتابزدگی، نه. از همین جا می‌توانیم ادعا کنیم تقاضای تعجیل در ظهور امام عصر (علیه السلام) از ساحت حضرت حق، منافاتی با این آیه ندارد و با کلمات معصومان هم هماهنگ است.

یکی از اموری که می‌تواند تسهیل کننده ظهور آن حضرت باشد، خود تقاضای تعجیل فرج است. اگر زمینه‌های ظهور امام، مقدمات متعددی داشته باشد، این تقاضا و استمداد، یکی از آن مقدمات به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، دعا برای تعجیل فرج، استعجال نیست؛ بلکه با دعا از خداوند می‌خواهیم زمینه‌های ظهور زودتر فراهم شود. وقتی زمینه‌ها آماده شد، تحقق ظهور در جایگاه خود به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این که خود دعا، در روح انسان تأثیر می‌گذارد و او را به خدا و امام، نزدیک‌تر می‌کند و آمادگی را در فرد بیشتر می‌کند. دعا، نوعی نشانه عبودیت و اظهار آمادگی است.

انتظار و منتظران

انتظار و منتظران ۲۲- انتظار در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) چه معنایی دارد و مقصود از انتظار فرج چیست؟ فرج، یعنی نصرت، پیروزی و گشایش. مقصود از فرج، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی‌داد است؛ بنابراین، انتظار فرج، یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی و منتظر حقیقی، کسی است که به حقیقت خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد.

این خواسته، آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گر نه انتظار فرج، در حد یک ادعا و شعار بی‌محتوا باقی خواهد بود؛ از این رو، در روایات آمده است که انتظار فرج، خود، فرج است؛ زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر او است، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد. او، انسانی است که حضور و غیبت امام، در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ایجاد نمی‌کند و پیش از تشکیل حکومت عدل او، چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است.

بنابراین، انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق، عدل، ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌شود چنین حقیقت اصیل و عمیقی، با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به مقدسات دینی و رسالت‌های انسانی، در تعارض و تناقض است از این جا، نا‌درستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود؛ زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج، یعنی بی‌تفاوتی به آنچه در جوامع بشری می‌گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید این که امام زمان (عجل الله

تعالی (فرجه الشریف) ظهور کند و آن را اصلاح کند. انتظار فرج، تعهد آفرین و مسئولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشریت و حقیقت و فضیلت، منافات دارد. انتظار فرج، یعنی:

- معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت؛
- ایمان به امامت رهبری الهی و عدالت‌پیشه؛
- عشق به عدالت و ارزش‌های انسانی؛
- امید به آینده‌ای روشن و نویدبخش؛
- تلاش برای برقراری حکومتی عدل‌پیشه و عدل‌گستر؛
- رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی؛
- داشتن روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری.

این نوع انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری مقامی عالی دارد و هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسی است که پس از ظهور حضرت حجت (علیه السلام) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کند. کوتاه سخن آن که حقیقت انتظار، آن است که انسان منتظر و چشم به راه، خود و محیطش را برای آمدن منتظر و منجی موعود آماده کند.

۲۳- چرا انتظار فرج، افضل اعمال است؟

حقیقت انتظار، آن است که انسان منتظر و چشم به راه، خود و محیطش را برای آمدن منتظر و منجی موعود آماده کند. این آمادگی، بسته به فرد مورد انتظار، معنا و ارزش می‌یابد؛ برای مثال کسی که منتظر زائر بیت الله است و مسافر او از سفر مکه می‌آید، بطور طبیعی معنای انتظار برای او این است که خانه را مرتب کند و وسایل پذیرایی را فراهم سازد و... منتظر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز به کسی گفته می‌شود که خود را برای آمدن چنین بزرگ‌مردی آماده کند. طبیعی است که باید خود را در گروه بندگان صالح قرار دهد، دین را در زندگی خود جاری سازد و دیگران و محیط را برای آمدنش مهیا کند؛ از این رو انتظار فرج، بنا بر فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) افضل اعمال است. و هر کس تلاش درونی او برای عبادت و عبودیت و کوشش بیرونی او برای زمینه‌سازی و جهت دهی مردم و محیط بیشتر باشد، موفق‌تر است.

انتظار فرج، به معنای امید به آینده روشن و تحقق ارزش‌ها و خوبی‌ها است. چنین نگاهی به انسان، شور و نشاط و حرکت می‌دهد؛ به گونه‌ای که هم برای اصلاح خود اقدام می‌کند و هم محیط پیرامون خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد. منتظر، ساکت و ساکن نمی‌ماند، بلکه کارها و تلاش‌های خود را در جهت زمینه‌سازی برای تحقق ظهور انجام می‌دهد. چنین فردی در جامعه، نه تنها خود را از انحرافات اعتقادی و عملی به دور نگه می‌دارد؛ بلکه سعی در ساختن و اصلاح کردن جامعه نیز دارد؛ بنابراین، انتظار، نه تنها یک عمل فردی که یک کار جمعی و تشکیلاتی است که به طور مداوم، جامعه و افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند ضامن سلامت فکری و عملی فرد و جامعه باشد.

نیز انتظار، سبب استقامت و پایداری مسلمانان برابر فشارها و سختی‌ها می‌شود و از یأس و ناامیدی آنان، جلوگیری می‌کند و به این شکل، راه را برای غلبه و پیروزی آنان هموار می‌کند.

با این وصف، انتظار، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی و اسلامی موعود، ایجاد می‌کند که در سایه اعمال فردی و جمعی، کمتر به چشم می‌خورد؛ به همین سبب، با فضیلت‌ترین عمل‌ها شمرده شده است.

۲۴- وظایف منتظران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

باید توجه داشت که انتظار، حقیقتی است که از رفتار و کردار فهمیده می‌شود؛ بنابراین، نمی‌توان هر کس را که مدعی دوستی

و ولایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، در شمار دوستان و منتظران او قلمداد کرد. منتظر واقعی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه، منتظر ظهور امام و آماده خدمت در جهت اهداف مقدس او باشد. کسی که بخواهد این گونه باشد، وظایفی بر عهده او است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. معرفت و شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ در روایات ما، تأکید فراوان شده است که انسان باید امام زمان خود را بشناسد؛ چون، پیمودن مسیر درست و صراط مستقیم الهی، جز به معرفت او ممکن نخواهد بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛ هر کس بمیرد؛ در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

البته شناخت حضرت، مراتبی دارد. یک مرتبه از آن، شناخت تاریخی و شناسنامه‌ای حضرت است و مرتبه بالاتر، شناخت جایگاه امام و ویژگی‌های والای او است.

۲. الگو پذیری: آدمی باید از رهبر و مقتدای خود الگو گرفته و منش و رفتار خود را شبیه او قرار دهد، تا بتواند او را همراهی کند. از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است:

خوشا به حال آنان که قائم خاندان مرا درک کنند؛ در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان پیش از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشند. آنان، دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت، نزد من هستند.

از مهم‌ترین رفتارها، ورع و حسن خلق است. امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود:

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم (علیه السلام) باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.

۳. یاد حضرت: اگر کسی به حقیقت، منتظر محبوب خود باشد، پیوسته در اندیشه او خواهد بود. منتظر واقعی، سعی می‌کند در همه حال، به یاد آن بزرگوار باشد و با یاد حضرت، دل و جان خود را زنده نگه دارد و اعمال خود را از انحراف و کجی‌ها حفظ کند. یاد آن حضرت، با خواندن دعاها، بزرگوار، توسل به آن عزیز، صدقه دادن برای سلامتی او، انجام دادن خیرات به نیابت او، دعا کردن برای تعجیل فرج او، ندبه کردن در فراق او و تجدید پیمان در یاری او، تحقق می‌یابد.

۴. تلاش برای حفظ ایمان در زمان غیبت: از آن جا که در زمان غیبت، خطرات فراوانی برای ایمان و عمل پیش می‌آید و فکرها و مذاهب انحرافی در مسیر انسان پیدا می‌شود و شیاطین دوست‌نما سعی در گمراهی انسان دارند، انسان منتظر، پیوسته در حفظ ایمان و عمل خود می‌کوشد. در این زمینه، او پیرو مجتهد جامع الشرائط مورد سفارش و توجه امامان معصوم (علیهم السلام) است؛ زیرا او کسی است که از نظر علمی و عملی، مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است.

۵. زمینه سازی برای ظهور: منتظر واقعی، با درک صحیح معنای انتظار، می‌کوشد زمینه ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تقویت کند؛ بنابراین، هم به اصلاح نفس و خودسازی می‌پردازد و هم با امر به معروف و نهی از منکر، سعی در ساختن جامعه دارد پس او فردی متعهد برابر خود و جامعه خویش است.

۲۵- چه کار کنم تا موفق شوم به آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک شوم؟

ارتباط با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دو شکل ممکن است: ۱. ارتباط ظاهری و ملاقات کردن حضرت؛ ۲. ارتباط معنوی و از راه چشم دل.

درباره ملاقات با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید گفت افتخار دیدار حضرت، شرف بسیار بزرگی است؛ اما در

زمان غیبت حضرت که اصل، بر پنهان بودن حضرت از دیدگان مردم است، دلیلی نداریم که درخواست ملاقات را توجیه کند. ضمن این که توفیق ملاقات با حضرت، تنها به خواستن و تقاضای ما بستگی ندارد؛ بلکه مشروط است به این که امام (علیه السلام) در آن، مصلحتی ببیند؛ بنابراین، به جا است که آدمی بر ملاقات با حضرت اصرار نرزد و بلکه همت خود را در راه جلب رضای آن بزرگوار، صرف کند و در این راه، از ارتباط معنوی با امام مدد بگیرد.

قرآن کریم، در آیه ۲۰۰ سوره آل-عمران فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده-اید! صبر کنید و همدیگر را به صبر وادارید و مرابطه کنید و تقوا و خدا ترسی را پیشه سازید؛ باشد که رستگار شوید.

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرموده است:

صبر کنید بر ادای فرائض [= در انجام تکالیف الهی استقامت ورزید و برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان که انتظارش را می-کشید، مرابطه کنید.

معلوم است که در پرتو رابطه مداوم با امام است که آدمی بر تعهد و پیمان خود با امام زمانش باقی می ماند و پیوسته در جهت اهداف و آرمان-های امام خود حرکت می-کند و خود را از انحرافات اعتقادی و عملی مصون می-دارد.

برای آن که بتوان با امام عصر (علیه السلام) ارتباط معنوی برقرار کرد، باید به نکات زیر توجه داشت:

شناخت امام

از روایات فراوان که درباره معرفت و شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده است، دانسته می-شود که از ارکان مهم ارتباط معنوی و قلبی با امام، معرفت ساحت مقدس او است. طبیعی است هرچه شناخت انسان از یک حقیقت، گسترده-تر و عمیق-تر باشد، امکان ارتباط باطنی با او بیشتر خواهد شد؛ به ویژه هنگامی که آن حقیقت، سراسر زیبایی و کمال؛ بلکه آینه تمام-نمای کمالات الهی باشد. آدمی، با معرفت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه جا و همه وقت، حضور او را لمس می-کند و خود را کنار او و در محضر او می-بیند؛ پس با مطالعه درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آگاهی از شخصیت بی-نظیر او در عالم، می-توان گامی اساسی در جهت ارتباط معنوی با او برداشت.

پیوسته به یاد آن حضرت بودن

برای امکان ارتباط با حضرت، باید به صورت منظم و برنامه-ریزی شده یاد حضرت در زندگی آدمی جاری باشد. این مهم؛ با انس گرفتن با زیارت-ها و دعا‌های مربوط به آن حضرت تأمین می-شود. آن کس که دل در گرو محبوب دارد، به هر بهانه-ای ذکر محبوب بر زبانش جاری می-شود. گاهی به جانب کوی محبوب، توجه می-کند و از روی ادب سلام می-دهد و گاهی در خلوتی با او نجوا می-کند و زمانی دیگر از زیبایی-های جمال و کمالش گفت و گو می-کند. با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که عصاره همه خوبی-ها است، به بهانه-های فراوان می توان ارتباط جست؛ گاهی با زیارت «آل یاسین» به محضر مقدسش سلام داد و گاهی با «دعای ندبه» در فراق جان-سوزش ناله و فغان سرداد و همه روز با «دعای عهد» با او تجدید پیمان کرد.

تهذیب نفس و کسب فضایل روحی و معنوی

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آب زلال است و تنها بر دلی می-بارد که ظرف پاکی برای آن آب زلال باشد؛ بنابراین، برای ارتباط و انس بیشتر با آن بزرگوار، باید در دوری از گناهان و آلودگی-ها بکوشیم و آینه دل را برای حضور آن وجود مطهر، غبارروبی کنیم و به جای رذیلت-ها و بدی-ها، بذر فضیلت-ها و خصلت-های زیبای اخلاقی را در زمین دل

بکاریم. هرچه دل انسان و رفتار او، پاک‌تر باشد، قطعاً بهتر و بیشتر می‌تواند با پاک‌ترین موجود عالم، ارتباط برقرار کند؛ چون در این صورت است که سنخیت پدید می‌آید و سنخیت بین دو شیء، سبب نزدیکی آن‌ها خواهد شد. قرآن فرموده است: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ». مفسران گفته‌اند مراد، این است که فقط کسانی به فهم معارف عمیق قرآن راه می‌یابند که از طهارت روح برخوردار باشند. مصداق کامل اینان، امامان معصوم (علیهم السلام) هستند که به اسرار قرآن آگاهند و آن را برای دیگران بیان می‌کنند.

پس باید کوشید با کسب کمالات اخلاقی و رفتاری، به ولی عصر (علیه السلام) شباهت یافت. حضرت علی (علیه السلام) نیز در یکی از سخنان خود ضمن بیان ویژگی‌های خود برای مسلمانان می‌فرماید:

شما نمی‌توانید مانند من باشید؛ ولی با ورع و پرهیزگاری و تلاش و استواری، مرا یاری کنید.

شاید مراد حضرت، آن است که هر مقدار که می‌توانید، در سازندگی خود و روحتان بکوشید، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ هر چه می‌توانید، تقوای الهی پیشه کنید.

طبق روایات معصومان (علیهم السلام) تقوای الهی، عبارت از انجام دادن واجبات و ترک محرمات است؛ بنابراین، قدم اول، آن است که وظایف دینی خود را در هر شرایط، انجام دهیم و بر تعهد به آن، پای بفرسیم.

۲۶- چگونه می‌توان به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تقرب یافت و رضایت او را به دست آورد؟

تنها راه برای نزدیک شدن به امام عصر (علیه السلام) حرکت در مسیر رضایت او است. رضایت آن بزرگوار، فقط در سایه عمل به دین و انجام وظایف و دستورات آن امکان‌پذیر می‌باشد. آیا کسی که به دلیل هواپرستی و پیروی از شیطان، برابر تکالیف الهی و اوامر و نواهی او سهل‌انگار باشد و غضب خدا را برای خود بخرد، می‌تواند رضایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را کسب کند؟ خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ به درستی کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، [خدای] رحمان، دوستی و محبت برای آنان قرار می‌دهد.

طبق این آیه شریف، شرط ایجاد محبت و ارتباط، ایمان به همراه عمل صالح است. میان اعمال صالح، توجه به چند عمل، ارزش بیشتری داشته و مورد سفارش امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد که با انجام آن‌ها می‌توان محبت و رضایت حضرت را جلب کرد؛ برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- توجه به نماز، به ویژه نماز اول وقت: در نامه‌ای که از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شده، آمده است:

هیچ عملی بهتر از نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛ پس نماز بخوان و بینی او را به خاک بمال.

در کلام دیگری از ایشان چنین نقل شده است:

از رحمت خداوند به دور است کسی که [نماز] مغرب را تا پدیدار شدن ستارگان و نماز صبح را تا ناپدید شدن ستارگان به تأخیر اندازد.

- دقت در کسب و مصرف مال حلال: در نامه‌ای که از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شده، آمده است:

آنچه را برای ما فرستادی [از اموال] از آن رو می‌پذیریم که پاکیزه و طاهر می‌باشند؛ ... اما کسانی که اموال ما را با اموال خودشان درمی‌آمیزند، هر کس چیزی از اموال ما را حلال شمارد و آن را بخورد، همانا آتش خورده است.

- کمک به دیگران و توجه به امور مسلمین: امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نامه‌ای می‌فرماید:

ما در مراعات حال شما کوتاهی نکرده و یاد شما را فراموش نمی‌کنیم.

طبیعی است فردی که خود را مرید و پیرو امام می‌داند باید همچون او عمل کند.

- زمینه سازی برای ظهور: خواست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که دوستان در این امر مهم همت گمارند و به تأسی از آن بزرگوار، برای تعجیل در امر ظهور تلاش کنند و در این راه، هم از دعا استفاده کنند: «اکثروا الدعا بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم؛ برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که این فرج شماست» و هم در امور زندگی به عالمان مراجعه کنند: «فاما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و رویدادها، به راویان حدیث ما [علما] مراجعه کنید؛ به درستی که آنان، حجت من بر شمايند و من، حجت خدا بر آنان هستم». مراجعه به علما، باعث حفظ دین مردم و وحدت و انسجام میان آنان است. همچنین باید به عهدها و پیمان‌های الهی که همان اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) و عمل در طریق آن است، استوار باشند. آن حضرت فرمود:

اگر شیعیان ما، دل‌هایشان در وفای بر عهده‌ی که بر آنها است اجتماع کند لقای ما برای آنان به تاخیر نمی‌افتد.

- تلاوت قرآن: این عمل، مورد سفارش خاص الهی است. حتی در یک آیه، دو بار به قرائت و تلاوت آن امر شده است: «فَاقْرَؤْا مَا تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ آنچه میسر است، از قرآن تلاوت کنید.

- زیارات قبور امامان معصوم (علیهم السلام) و خواندن زیارت نامه ایشان؛ به ویژه خواندن زیارت عاشورا که مورد تاکید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد.

۲۷- دلیل دعا کردن برای سلامتی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؛ در حالی که خدای مَنان، اراده دارد آن حضرت زنده و سلامت بماند؟

درباره تاثیر دعا، از دو زاویه می‌توان نگاه کرد:

الف. تاثیر دعا درباره امام؛

ب. تاثیر دعا برای دعا کننده.

از نگاه اول، دعا در سلامتی حضرت، مؤثر است؛ زیرا آن حضرت به این سبب که انسان است و در همین عالم زندگی می‌کند، در معرض آفات و بلاهاست و دعا می‌تواند در دور کردن بلاها و مرض‌ها از وجود عزیزش مؤثر باشد؛ همان‌گونه که می‌تواند در بهبود بیماری اثر داشته باشد. این، با اراده خدا مبنی بر حیات و سلامتی امام، منافاتی ندارد؛ زیرا اراده خدا از طریق اسباب اعمال می‌شود و دعا، از مهم‌ترین وسیله‌ها و سبب‌ها برای جریان اراده خدا در زندگی است. البته برخی بر این باورند اراده الهی بر حفظ و تعالی حضرت می‌باشد و چون امام با بدن مادی در همین عالم طبیعت زندگی می‌کند، ممکن است دچار بیماری و کسالت شوند؛ از این رو، دعا می‌تواند در بهبود حال امام مؤثر باشد؛ همان‌گونه که می‌تواند در جلوگیری از بروز بیماری اثر داشته باشد.

از نگاه دوم، آثار دعا کردن فراوان است از جمله:

دعا کردن، راهی است برای این که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را یاد کنیم و به این وسیله، با آن عزیز ارتباط روحی و معنوی پیدا کنیم و این ارتباط، ثمرات بسیاری برای رشد و کمال روحی ما دارد.

دعا کردن برای امام، نوعی عرض ارادت و محبت به او است که قطعاً از سوی آن منبع جود و کرم، بی‌پاسخ نخواهد ماند و دعا کننده را مورد لطف و عنایت خاص خود قرار خواهد داد.

دعا کردن برای امام، یعنی آن وجود عزیز را بر بسیاری از موجودات و پدیده‌ها مقدم دانستن و وجود و نقش او را مدنظر قرار دادن. این موضوع، سبب زیاد شدن محبت آن عزیز در دل‌ها و جان‌ها می‌گردد؛ زیرا ذکر محبوب، سبب فراوانی محبت نسبت به او است.

با توجه به این که ایشان، واسطه فیض الهی در عالم هستی است، صلوات و صدقه به نیت او، خود، نوعی وسیله برای کسب

فیوضات بیشتر است.

یاران و نایبان عام و خاص

یاران و نایبان عام و خاص ۲۸- نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به چه کسی گفته می‌شود؟

مراد از نایب امام (علیه السلام) کسی است که در زمان غیبت آن وجود مقدس، از طرف او سرپرستی جامعه شیعه را بر عهده دارد. نایبان به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. نایب خاص: فردی است که به طور مشخص و معین از طرف امام معرفی می‌شود. نایبان خاص، چهار نفر بودند که از سال شروع غیبت (سال ۲۶۰ ق) به مدت هفتاد سال (تا سال ۳۲۹ ق) نیابت حضرت را بر عهده داشتند.

۲. نایب عام: فردی است که به طور مشخص و معین از سوی امام معرفی نشده است؛ بلکه دارای صفات و ویژگی‌هایی است که یک نایب باید داشته باشد (این ویژگی‌ها، علاوه بر این که عقل بدان‌ها اشاره دارد، در روایات نیز به آن‌ها اشاره شده است). این شخص، به نیابت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سرپرستی جامعه شیعه را بر عهده دارد؛ ولی چون به صورت مشخص و با نام از طرف امام معرفی نشده است، نایب عام نامیده می‌شود.

اکنون باید روشن شود که کدام گروه از افراد جامعه مصداق نایب عام هستند و وظیفه سرپرستی بر دوش آنان گذاشته شده است؟ از دیدگاه عقل تنها فقها و مجتهدان جامع شرایط، می‌توانند رهبری و سرپرستی جامعه را عهده‌دار باشند؛ چرا که جامعه اسلامی باید بر اساس دستورهای دین اداره شود؛ لذا زمامدار باید مسلمانانی باشد که از مبانی و احکام دین، آگاه باشد، تا بتواند طبق مقررات اسلامی، جامعه را راهبری کند. این فرد، کسی جز فقیه و مجتهد توانمند در تدبیر جامعه نیست. با رجوع به روایات نیز به روشنی به دست می‌آید که رهبری و اداره جامعه و نیابت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فقط شایسته مجتهد جامع شرایط است و چنین فردی از طرف آن بزرگوار، سکان جامعه را باید در دست بگیرد. این‌جا به برخی از روایات، اشاره می‌کنیم:

اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری (دومین نایب خاص) خواستم نامه‌ای را که مشتمل بر مسائلی بود، خدمت حضرت برساند و پاسخ آن‌ها را دریافت کند. توقیع و نامه‌ای از آن وجود مقدس صادر شد و حضرت پاسخ‌هایی را مرقوم فرمود که از جمله آن‌ها این سخن است:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم؛ در حوادث و رویدادهایی که واقع می‌شود، به راویان احادیث ما [= علما و کارشناسان دین] رجوع کنید. به درستی که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنانم.

روشن است مراد از «حوادث واقعه»، پیشامدها و رخدادهایی است که بر جامعه وارد می‌شود و باید به صورت صحیح و طبق نظر دین، از آن‌ها گذر کرد و مصلحت جامعه را در سایه دین درباره آن‌ها مد نظر قرار داد. در این توقیع شریف، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امر به مراجعه به راویان و دین‌شناسان کرده است و آنان را از طرف خود، حجت بر مردم و خلیفه خویش معرفی می‌کند.

در روایت عمر بن حنظله نیز از وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) در باره وظیفه شیعه برابر مشکلات و منازعات و مرجع صالح برای رسیدگی به امور چنین نقل شده است:

ينظران الى من كان منكم ممن قد روى حديثنا و نظر في حلالنا و حرامنا، و عرف احكامنا، فليرضوا به حكما، فاني قد جعلته عليكم حاكما، فاذا حكم بحكمنا فلم يقبله منه، فانما استخف بحكم الله و علينا رد و الراد علينا الراد على الله و هو على حد الشرک بالله؛ باید نگاه کنند کسانی که از شما [= شیعیان] هستند، به کسی که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما تأمل و دقت می‌کند

و احکام ما را می‌شناسد؛ پس به حکم او باید راضی باشند. من او را بر شما حاکم قرار دادم. اگر او به حکم ما حکم داد و از او پذیرفته نشد، همانا به حکم خدا استخفاف ورزیده شده است و ما را رد کرده است و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این، در حد شرک به خدا است.

مراد از شخص آگاه به حلال و حرام، همان فقیه است که با تامل در روایات، با احکام اسلامی و دستورهای دین آشنا می‌شود. امام صادق (علیه السلام) چنین فردی را شایسته دانسته و مردم را به رجوع به او و پذیرش حکم او ملزم کرده و او را حاکم قرار داده است.

وجود مقدس حضرت علی (علیه السلام) نقل می‌کند که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) سه بار فرمود: «اللهم ارحم خلفایی؛ خدایا! به جانشینانم رحم کن». هنگامی که درباره جانشینان پرسیدند، فرمود:

«الذین یأتون بعدی یروون حدیثی و سنتی؛ کسانی که بعد از من می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند».

معنای خلیفه، معنایی کاملاً روشن است که همان جانشین پیامبر و فردی است که بعد از آن حضرت در جایگاه آن بزرگوار قرار می‌گیرد و عهده‌دار اموری می‌شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر عهده داشت که همان رهبری و سرپرستی جامعه است. نکته مهم و قابل دقت در روایت، این است که حضرت، به مهم‌ترین ویژگی جانشین اشاره دارد که راوی «حدیث و سنت» و «آشنا به دستورهای دین» بودن است؛ بنابراین، طبق این روایات، فقیه و اسلام شناس نایب امام خواهد بود.

۲۹- نایبان خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه کسانی بودند؟

اولین نایب خاص، جناب عثمان بن سعید بود. کینه وی ابوعمر و لقبش عمری بود. او از قبیله اسد و ساکن شهر سامرا بود؛ لذا گاهی عسکری نیز به او گفته می‌شود. چون شغلش روغن فروشی بود، سَمَّان نیز خوانده می‌شد. او نایب امام هادی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) هم بود و از سوی امام عسکری (علیه السلام) در جمع چهل نفر از شیعیان به نیابت خاص امام غایب تعیین شد.

نایب دوم، محمد فرزند نایب اول بود. او در همان شهر زندگی می‌کرد و به همان شغل می‌پرداخت. او از سوی امام عسکری (علیه السلام) و پدر خویش به مردم معرفی شد، تا بعد از پدرش جانشین او باشد. علاوه بر این، در توقیعات مختلف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ایشان جانشین پدرش اعلام شد.

نایب سوم، حسین بن روح نوبختی بود. او از خاندان نوبخت و ایرانی بود و در بغداد زندگی می‌کرد. وی، از وکلای نایب دوم بود و نایب دوم به امر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعد از خود حسین بن روح را به مردم معرفی کرد.

نایب چهارم، علی بن محمد سمری بود. او نیز با معرفی نایب سوم، نیابت را عهده دار شد که این معرفی نیز به فرمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود.

و البته قرائن و نشانه‌ها و کرامت‌های فراوانی وجود داشت که شیعیان به وسیله آن‌ها یقین می‌کردند این فرد نایب واقعی امام است و راست می‌گوید.

۳۰- چگونه می‌توان نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در زمان غیبت شناخت؟

برای شناخت نایب امام زمان، معیارهایی وجود دارد که با توجه به آن‌ها می‌توان در هر زمان، فرد یا افرادی را یافت که صلاحیت این مقام را داشته باشند. البته، باید دانست که این نیابت، نیابت خاص نیست؛ یعنی، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شخصی را به صورت معین و مشخص معرفی نمی‌کند؛ بلکه این نیابت، نیابت عام است؛ یعنی هر کس دارای صفات خاصی باشد، به طور عام، از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مجاز است احکام الهی را تبیین کند و شؤونی را که امام بر عهده دارد بر عهده بگیرد. مجموعه این شرایط که از قرآن و سنت استفاده می‌شود، به شرح زیر است:

۱. عالم بودن و داشتن قوه اجتهاد و استنباط احکام الهی از منابع آن؛

۲. زهد و تقوا و پرهیز از دنیا پرستی و مفتون نشدن به آن؛

۳. داشتن بصیرت و عالم به زمان بودن.

البته هر زمان، اگر چند نفر، دارای این شرایط بودند باید اعلم آنان برگزیده شود و اگر مساوی بودند، انتخاب هر یک از آنان مجاز است. البته، در مسایل سیاسی و حکومتی، به سبب آن که نظام جامعه مختل نشود، باید یک نفر (ولی فقیه) در رأس امور قرار گیرد و اختیارات حکومتی نیز در دست او متمرکز باشد، و گرنه موجب به هم خوردن امور می‌گردد.

یک فرد شیعه که می‌خواهد به وظیفه خود عمل کند؛ یعنی نایب امام را بشناسد و تحت سرپرستی او، وظایف اجتماعی خود را به انجام برساند، از دو حال خارج نیست: یا خود توانایی شناخت نایب را دارد؛ یعنی خودش با مبانی و دستوره‌های دین آشنا است و می‌تواند با بررسی افراد، دریابد که کدام شخص، دارای شرایط نیابت است که در این صورت، به شناخت خود عمل می‌کند و یا توانایی شناخت و تشخیص را ندارد که در این صورت، باید به افرادی که تجربه بوده و توانایی تشخیص دارند، مراجعه کند و با راهنمایی آنان، نایب امام را بشناسد.

۳۱- ویژگی‌های یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

با توجه به روایات، می‌توان ویژگی‌ها و صفات یاران را چنین برشمرد:

۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش: در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

«در قلوب آنان [یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شکی به ذات خدا نیست»

یعنی چنان به خداوند معرفت دارند که ذره‌ای تردید و شک در آنان راه ندارد.

در روایت دیگری، امام سجاد (علیه السلام) در رابطه با صفات منتظران زمان غیبت فرموده‌اند:

«آنان کسانی هستند که به امامت آن بزرگوار اعتقاد دارند».

و این اعتقاد، برخاسته از عقل و درک است. حضرت، در ادامه می‌فرماید:

«خداوند متعال، عقل و فهم و معرفتی به آنان داده است که غیبت نزد آنان، به منزله مشاهده است».

۲. اطاعت کامل: نتیجه معرفت صحیح، اطاعت همه جانبه از امام است. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

«اطاعت آنان از امام، از فرمان‌برداری کنیز برابر مولایش، بیشتر است».

۳. عبادت و صلابت: آنان، کسانی‌اند که از پیشوای خود الگو می‌گیرند و روزها و شب‌ها را با یاد شیرین حق و مناجات با او

سپری می‌کنند. امام صادق (علیه السلام) درباره آنان فرمود:

شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند. و این یاد حق، در همه حالات آنان تجلی دارد.

همین ذکر دائمی و همیشگی خدا است که از آنان، مردانی آهنین می‌سازد که هیچ چیز صلابت و استواری آنان را درهم

نمی‌شکند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آنان، مردانی هستند که گویا، دل‌هایشان پاره‌های آهن است».

۴. جان نثاری و شهادت طلبی: آنان، در می‌یابند که برای کسب کمال، زندگی می‌کنند و می‌فهمند که راه تحصیل کمال،

آن است که همه وجودشان برای خدا و دین خدا باشد؛ از این رو، حاضر به هر نوع فداکاری و ایثارند. امام صادق (علیه السلام)

فرمود:

یاران مهدی (علیه السلام) [در میدان رزم، در اطراف او می‌چرخند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند.

آنان که خدا و امام را شناختند، نهایت آرزویشان، شهادت در راه خدا و در رکاب امام است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«آنان آرزو می‌کنند در راه خدا به شهادت برسند».

۵. شجاعت و دلیری: یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند مولایشان، افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند که از هیچ چیز جز خدا هراس ندارند حضرت علی (علیه السلام) در وصف آنان فرمود:

همه آنان، شیرانی هستند که از بیشه، بیرون شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا می‌کنند.

۶. صبر و بردباری: مبارزه با ظلم و تلاش برای برقراری عدالت، با رنج و مشقت‌های فراوان، همراه است. یاوران امام، در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه ناگواری‌ها را به جان می‌خورند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می‌شمارند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

آنان، گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت نمی‌گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می‌کنند به خود نمی‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند.

۷. اتحاد و همدلی: آنان، خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی را از خود دور کرده‌اند و همه چیز را برای هدف واحد می‌خواهند و زیر یک پرچم به قیام می‌پردازند حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

ایشان، یک‌دل و هماهنگ هستند».

۸. زهد و پارسایی: حضرت علی (علیه السلام) در وصف یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده است:

او، از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای پس‌انداز نکنند و گندم و جویی ذخیره نکنند».

آنان، اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته‌اند، لذا مادیات و دنیا نباید آنان را از هدف باز دارد. البته نباید فراموش کرد که این حالات و ویژگی‌ها، به یک‌باره در انسان متجلی نمی‌شود و آدمی، به آن‌ها متصف نمی‌گردد؛ بلکه باید سال‌ها برای تحصیل آن‌ها تلاش کرد؛ از این رو، یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت، به سازندگی مشغول می‌شوند.

۳۲- یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟

یاران حضرت را سه گروه تشکیل می‌دهند:

۱. ۳۱۳ نفر؛

۲. ده هزار نفر؛

۳. عموم شیعیان و مؤمنان.

توضیح آن که درباره تعداد یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سه دسته روایات وجود دارد:

دسته اول: روایات متعددی از ائمه اطهار (علیهم السلام) به ما رسیده است که یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر هستند. در منابع روایی اهل سنت نیز همین تعداد به عنوان یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان شده است.

دسته دوم: روایاتی است که یاران ایشان را ده هزار نفر ذکر می‌کند.

دسته سوم، روایاتی است که می‌گوید شیعیان در گرد حضرت جمع می‌شوند یا می‌گویند اهل شرق و غرب زمین با نهضت او همراه می‌شوند.

نتیجه جمع این روایات - با توجه به قرائن و شواهدی که از خود همین روایات استفاده می‌شود - این است که یاران خاص حضرت که هسته اصلی نیروها را تشکیل می‌دهند و فرماندهان و کارگزاران حضرت مهدی هستند، ۳۱۳ نفر به تعداد اهل بدرند. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

گویا می‌نگرم به قائم بر فراز منبر کوفه؛ در حالی که یارانش گرد او حلقه زده‌اند. آنان، پرچمداران و کارگزاران امام روی زمین هستند.

از این یاران خاص، در روایات، به «نقبا» و «خواص» نیز تعبیر شده است. این عده کسانی هستند که خداوند آنان را پیش از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سبب قابلیت و لیاقتشان برگزیده است.

یاران خاص، نخستین کسانی هستند که گرد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جمع می‌شوند و دعوت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با آنان شروع می‌شود. پس از آشکار شدن دعوت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تعداد ده هزار نفر، کسانی هستند که به امام (علیه السلام) می‌پیوندند و به عنوان هسته اولیه نیروهای حضرت، تحت فرماندهی همان ۳۱۳ نفر هستند. قیام جهانی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با این عده آغاز می‌شود. امام جواد (علیه السلام) فرمود:

زمانی که ۳۱۳ نفر از یاران خاص قائم، به خدمت آن بزرگوار رسیدند، خدا امر او را به جهانیان آشکار می‌کند. وقتی این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند، متعال خروج می‌کند.

در ادامه نهضت، توده‌های انبوه مردم از سراسر جهان که در انتظار منجی بشریت به سر می‌برند و از ظلم و ستم به ستوه آمده‌اند، به او می‌پیوندند.

اما درباره وطن اینان، باید گفت از مکان‌های مختلف هستند. در روایتی از وجود مقدس امام جواد (علیه السلام) نقل شده است: «اصحابش، اجتماع می‌کنند به سوی او به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ نفر از نقاط مختلف زمین».

البته در برخی روایات نام برخی افراد از بعضی شهرها ذکر شده است که نام این اشخاص مبهم است، مثلاً محمد از شهر طالقان که می‌تواند نام عده‌ای زیادی باشد و به علاوه نام برخی شهرها فرق کرده و برخی از نام‌ها مربوط به شهرهای متعدد در کشورهای گوناگون می‌تواند باشد. همچنین سند این روایت‌ها، قابل اعتماد نیست؛ لذا نمی‌توان گفت از کدام شهر، چه افرادی، از گروه یاران هستند؛ ولی آنچه مسلم است، این است که یاران حضرت، از مناطق مختلفند.

۳۳- آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ۳۱۳ نفر، یک نوع تبعیض نیست؟ چرا ۳۱۳ نفر؟ باید توجه داشت که یاران حضرت، منحصر در ۳۱۳ نفر نیست؛ زیرا حضرت، دارای سه گروه یار است که گروه اول آنان، ۳۱۳ نفرند. اینان، فرماندهان و بزرگان لشکر حضرت محسوب می‌شوند و موالیان اویند. طبیعی است هر لشکر، تعدادی محدود فرمانده دارد و بقیه، تحت نظر اینان در لشکر حضرت به سر می‌برند و حاکم را یاری می‌کنند. پس این نوع انحصار، تبعیض نیست، با توجه به این که یاران گروه دوم را لشکر ده هزار نفری و یاران گروه سوم را عموم مؤمنان تشکیل می‌دهند.

گفتنی است که دلیل خاصی در این که چرا یاران گروه اول ۳۱۳ نفر هستند وارد نشده است. شاید بتوان گفت: این که تعداد یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همچون یاران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ بدر ۳۱۳ نفر است برای آن است که یاد و خاطره جنگ بدر زنده شود. جنگی که مسلمانان عده کمی بودند با تجهیزات نامناسب، و فقط تکیه بر خدا داشته و با ایمان وارد معرکه جنگ شدند. هدف حفظ اسلام و دین بود. امدادهای خاص و ویژه الهی نازل شد، چنانچه در ابتدای سوره انفال (آیات ۷-۱۴) به آن اشاره شده است. جنگی که همه گروه‌های مسلمان آن زمان، در آن حضور داشتند. افراد سپاه از همه اقشار و سنین مختلف تشکیل شده بود و پیروزی قاطع مسلمانان در آن رقم خورد. بسیاری از سران مشرک و کافر سپاه مکه کشته شدند، پیروزی در این جنگ سرآغاز بسیار زیبایی برای شروع حرکت اسلام بود.

۳۴- چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرد هستند؟

بنابر آنچه از روایات استفاده می‌شود، یاران حضرت را سه گروه تشکیل می‌دهند:

۳۱۳ نفر یاران خاص که در ابتدای ظهور خدمت حضرت اجتماع می‌کنند؛

لشکر و گروه ده هزار نفری که با اجتماع آنان خروج صورت می‌پذیرد؛

عموم شیعیان و ارادت‌مندان که در طول حرکت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ایشان ملحق می‌شوند.

اگر سخنی از پنجاه زن به میان آمده، مربوط به گروه اول است. از امام باقر (علیه السلام) در روایتی بلند نقل شده است:

...قسم به خدا! ۳۱۳ تن که بین آنان، پنجاه زن هستند، در مکه اجتماع می‌کنند ...

طبیعی است وقتی شمار زنان در گروه اول به این تعداد باشد، در گروه‌های بعد، بیشتر خواهد بود. علاوه بر این که پرسش از کم بودن تعداد زنان در مقایسه با مردان، میان یاوران حضرت، حرف صحیح و پسندیده‌ای نیست؛ چرا که یآوری، نه فقط به معنای جنگیدن و سلاح برکشیدن است؛ بلکه یار و یاور واقعی، کسی است که با همه وجود، در خدمت امام و اهداف او باشد و آنچه را که حضرت از او می‌خواهد، انجام دهد. در زمان غیبت و انتظار، به وظیفه یک منتظر واقعی آگاه باشد و آنچه را در این مدت بایسته است، انجام دهد و در زمان ظهور، گوش به فرمان و مطیع دستورهای او باشد و امر او را امتثال کند. مگر فاطمه زهرا و زینب کبرا (علیهما السلام) از یاوران پیامبر و امام زمان خود نبودند؛ در حالی که جنگ ظاهری با اسلحه نیز نداشتند؟ هرکس به تاریخ بنگرد، به خوبی به نقش بارز و بی‌بدیل آنان در یاری رهبر خود پی می‌برد. یاری رهبر در رساندن پیام او و مکتبش، بسیار ارزشمند است و اصولاً حرکت فرهنگی، پایه و اساس است؛ لذا در روایت، به علم و عالم و قلم او اشاره فراوان شده است؛ چرا که اگر یاری امام در بُعد فرهنگی و تبیین معارف دین نباشد و مردم از اهداف و برنامه‌های امام آگاه نباشند، طبعاً برای کمک به گسترش فرهنگ و مکتب او، سلاح به دست نمی‌گیرند. زنان، در این عرصه مهم، به خوبی می‌توانند ایفای نقش کنند و یاری امام خود را در حدّ اعلا، اعلام و آشکار کنند.

در مواردی که یاری کردن مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید حضور فعال‌تر داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می‌دهد و ویژگی‌ها و مشکلات جنگ، به گونه‌ای است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او هم‌خوانی دارد؛ لذا وظیفه جهاد، از دوش آنان برداشته شد، مگر در زمان ضرورت.

۳۵- آیا تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همه هم عصر زمان ظهور هستند یا افرادی از سابق نیز میان آنان می‌باشند؟

تعدادی از یاران گروه ۳۱۳ نفری، از کسانی هستند که در عصر و زمان ظهور زندگی می‌کنند. در برخی روایات آمده است که اینان کسانی هستند که شب در بستر خود ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود. آیه «این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً» درباره این گروه است این گونه از روایات، متعدد است و از آن‌ها به خوبی می‌توان استفاده کرد که تعدادی از یاران، هم عصر زمان ظهورند.

البته از برخی روایات، استفاده می‌شود که برخی از بزرگان روزگار گذشته براساس مصالحی خاص، دوباره زنده شده و رجعت می‌کنند و در رکاب حضرت و از یاران آن بزرگوار می‌شوند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

خروج می‌کنند با قائم (علیه السلام) از پشت کوفه - یا کعبه - ۲۷ مرد که عبارتند از: پانزده نفر از قوم حضرت موسی (علیه السلام) و هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر؛ پس در نزد آن حضرت، از یاران و والیان هستند.

لذا از ما خواسته شده است هر روز صبح دعای عهد بخوانیم. امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود:

هر کس پیش از صبح این دعا را بخواند، از یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود و اگر پیش از ظهور بمیرد، دوباره زنده شده و از قبر خارج می‌شود.

در متن این دعا نیز ما از خدا می‌خواهیم اگر پیش از ظهور از دنیا رفتیم، دوباره زنده شویم.

بنابراین، یاران قائم (علیه السلام) هم از افرادی هستند که هم عصر زمان ظهورند و هم از افرادی هستند که پیش از زمان ظهور، زندگی کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند.

۳۶- یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، چگونه نزد آن حضرت اجتماع کرده و حاضر می‌شوند؟ آنچه درباره اجتماع یاران در روز موعود مطرح است، مربوط به گروه اول است. حضور یاران خاص (۳۱۳ نفر) در مکه به دو صورت قابل تصور است:

۱. به صورت عادی: به این معنا که با توجه به آشکار شدن علایم، یارانی که توان تهیه مقدمات سفر به مکه را دارند، خود را به میعادگاه می‌رسانند.

۲. به صورت اعجاز آمیز: به این معنا که یارانی که باید در مکه حاضر باشند و نتوانسته‌اند به صورت عادی رهسپار آنجا شوند، به قدرت الهی (مثلاً) طی الارض در مکه حاضر می‌شوند.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

هر کس در راه باشد، در آن ساعت می‌رسد و کسی که درگیر راه نباشد (نتوانسته حرکت کند)، از بستر خود ناپدید می‌شود و این، همان فرمایش امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است که فرمود: «مفقودان از بسترهایشان» و نیز قول خداوند است که فرمود: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً»؛ پس سبقت بگیرید [از یکدیگر به] خیرات [یعنی اهل بیت] هر جا که باشید، خداوند همه شما را می‌آورد [نزد امام مهدی، هنگام ظهور].

بنابراین سخن، بحث استطاعت و عدم آن مطرح نیست؛ بلکه اراده الهی و قدرت بی‌انتهای او است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ به درستی که امر او (چنین) است هنگامی که اراده چیزی داشته باشد می‌گوید باش پس (موجود) می‌شود. گفتنی است ممکن است اجتماع همگی یاران، از نوعی اعجاز برخوردار باشد؛ زیرا روایات در این باره به صورت دقیق و شفاف و جزئی به همه نکات اشاره ندارند.

۳۷- آیا با خواندن چهل بار دعای عهد، یار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌شویم؟

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که هر کس دعای عهد را چهل صبح بخواند، از یاران قائم (علیه السلام) خواهد بود. البته باید دانست که خواندن دعا به تنهایی کافی نیست؛ بلکه انسان باید قابلیت یاوری امام را در خود ایجاد کند. به بیان دیگر، یکی از راه‌های ارتباط میان انسان و خدا و حجت او دعا است. دعا راز و نیاز با محبوب و مناجات با مطلوب است؛ پس اصل دعا بسیار ارزشمند است. البته هر دعا تأثیر و خاصیت مناسب با خود را نیز دارد؛ یکی در آموزش گناه و پذیرش توبه مؤثر است و دیگری در وسعت رزق و روزی و دیگری در کسب علم و معرفت و...

در این میان، دعاهایی که از امامان (علیهم السلام) صادر شده و به دست ما رسیده است، ارزش والا و برتر دارد. در دعای عهد - که از امام صادق (علیه السلام) برای ما نقل شده است و مضمون بسیار بلندی دارد - ما عاجزانه از پروردگار خود می‌خواهیم به ما قابلیت عنایت کند که بتوانیم خود را برای یاوری امام آماده کنیم و واقعاً دست بیعت و وفاداری به او بدهیم. از خداوند ظهور او را می‌طلبیم و از او می‌خواهیم ما را در امر زمینه سازی و ظهور کمک کند.

پس یکی از بهترین راه‌های ارتباط، دعا است که مشی صحیح زندگی را نیز همراه دارد.

عدد چهل که در روایات متعددی مطرح شده است، بیانگر این مطلب است که تکرار عمل در چهل مرتبه تأثیر گزار است. برای

نمونه در روایت آمده است:

هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص کند چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌گردد. یا مناجات حضرت موسی (علیه السلام) در کوه طور که چهل شب به طول انجامید و یا شهادت چهل مؤمن برای میت که باعث مغفرت او می‌شود.

شاید مراد از چهل بار خواندن دعای عهد نیز این باشد که حقیقت دعا در انسان تجلی یابد.

۳۸- نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

بدون تردید، نقش زنان در تاریخ اسلام، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده و هست. در صدر اسلام، زنانی چون نسیه را مشاهده می‌کنیم که در جنگ احد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دفاع می‌کرد و در این راه زخمی شد. نیز در جنگ احد، بدن امام علی (علیه السلام) پر از زخم شده بود، به طوری که بدن آن حضرت از شصت جا جراحت سخت برداشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دو زن را به نام سلیم و اُمّ عطیه مأمور مداوای حضرت علی (علیه السلام) نمود، و آن‌ها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند.

همچنین نقش پر اهمیت زهرای اطهر (سلام الله علیها) در دفاع از حریم ولایت، و رسوایی غاصبان خلافت، امری است روشن و معلوم که در جای خود بحث شده است. زنان در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز دارای نقش مهمی هستند.

امام صادق (علیه السلام) به مفضل بن عمر می‌فرماید: «با حضرت قائم (علیه السلام) سیزده زن همراه است». عرض کرد: «آن‌ها چه کار می‌کنند؟» حضرت فرمود: «مجروحان را مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنند؛ همانطور که زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین بود».

نیز امام باقر (علیه السلام) فرموده است:

سوگند به خدا! سیصد و اندی مرد می‌آیند که میانشان پنجاه نفر زن هستند. در مکه اجتماع می‌کنند بی آن‌که قبلاً وعده داده باشند. آمدنشان مانند ابرهای پاییزی است.

با توجه به این مقدمه می‌توان گفت:

الف. در دیدگاه اسلام، حضور زن در امور اجتماعی یک مسئله پذیرفته شده است و می‌توان برای آن، مؤیدهایی را ذکر کرد:

۱. حضور جدی حضرت زهرا (سلام الله علیها) و زینب کبرا (سلام الله علیها) در امور اجتماعی و سیاسی.
۲. حضور زنان در میان سپاهیان پیامبر که وظایفی هم چون رساندن آب و غذا به رزمندگان، پرستاری مجروحان، تهیه دارو، رساندن مهمات، انتقال شهدا، تشویق رزمندگان و... داشتند. چنین چیزی را در سیره جنگی حضرت امیر (علیه السلام) می‌توان دید؛ مثل داستان حضور زنی به نام سوده حمدانی در جنگ صفین که رزمندگان را علیه معاویه تشویق می‌کرد.

ب. اگر سیره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ادامه سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی (علیه السلام) است، قطعاً در دولت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز زنان از یاری حضرت محروم نخواهند بود. در این باره روایات متعدد داریم؛ نظیر آن روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که حضرت فرمود: «زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انجام می‌دادند، در زمان حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز انجام خواهند داد».

در برخی روایات فقط به اجمال به حضور زن تاکید شده و نامی از تعداد آنان برده نشده است. در برخی روایات به سیزده زن اشاره دارد که هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت خواهند بود. البته این روایت، تعداد زنان رجعت‌کننده در زمان ظهور حضرت را بیان می‌کند. همچنین برخی روایات تعداد زنان را در جمع یاوران اصلی حضرت پنجاه نفر

بیان کرده‌اند؛ در دسته دیگری از روایات، تعداد یاران زن تا چند هزار نفر برشمرده شده است. البته این زنان غیر از یاوران اصلی حضرت هستند.

در نتیجه می‌توان گفت با توجه به سیره نبوی و علوی، حضور زن در حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و میان یاران آن حضرت، امری مسلم است؛ اما این که چه تعداد از آنان زن هستند یا این که در جمع ۳۱۳ نفر یار اصلی حضرت چند نفرشان زن هستند، نمی‌توان یک سخن قطعی و عدد مشخصی را بیان داشت.

باید توجه داشت که یاری رساندن زنان به حضرت (بر خلاف آنچه متبادر به ذهن است) به جبهه جنگ منحصر نیست؛ بلکه عرصه‌های مختلفی چون حوزه فرهنگ و سیاست، امور اجتماعی و تربیتی را نیز در بر می‌گیرد. حوزه‌هایی که در آن‌ها میدان یاری برای زنان با حفظ کرامت آن‌ها، باز است و زنان در حکومت حضرت می‌توانند در این عرصه‌ها نقش داشته باشند؛

دوران غیبت

دوران غیبت ۳۹- فلسفه وجود امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت چیست؟ یعنی چه آثار و فوایدی بر وجود او مترتب است؟ از زمانی که سخن از غیبت حجت خدا از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطرح شد، این سؤال نیز ذهن انسان را به خود مشغول کرد که در صورت غیبت، فلسفه وجودی امام چه خواهد بود؟ امام چه نقش و تأثیری در زندگی انسان خواهد گذاشت؟ و آدمی چگونه از امام غایب نفع می‌برد و از او کسب فیض می‌کند؟ وجود مقدس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ به سؤال جابر بن عبدالله انصاری درباره بهره‌رسانان^۱ها از امام غایب فرمود:

ای و الذی بعثنی بالنبوة انهم یستضیئون بنوره و ینتفعون بولایته فی غیبتهم کانتفاع الناس بالشمس و ان تجلّ لها سحاب؛ آری؛ قسم به خدایی که مرا به نبوت برگزید! به درستی که آنان، از نور او طلب روشنائی می‌کنند و در دوران غیبتش به ولایت او نفع می‌برند؛ مانند بهره‌مردم از خورشید، هرچند ابر، آن را پوشانده باشد.

نظیر این تشبیه و تعبیر، از خود حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز بیان شده است:

و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب؛

اما کیفیت بهره‌برداری از من در غیبتم، مانند انتفاع از خورشید است؛ زمانی که ابر، آن را از دیدگان پنهان می‌کند.

در مقام توضیح این تشبیه، گفته شده است همان گونه که خورشید، محور منظومه شمسی است و سیارات از جمله زمین، در حرکتی منظم، دور آن می‌چرخند و اگر خورشید را بردارند، این نظام درهم پیچیده می‌شود، جایگاه امام نیز چنین است و بقای عالم انسانی و به تبع آن عالم ما سوی الله، به وجود امام است. اگر حجت نباشد، نظام انسانی در هم پیچیده شده و پایان عمر جامعه انسان^۲ها فرا می‌رسد. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«لو بقیة الارض بغير امام لساخت؛ اگر زمین، بدون امام باشد، اهلش را فرو می‌برد و نابود می‌کند».

همان گونه که حرارت و نور خورشید، حتی از پشت ابر نیز به زمین می‌رسد و باعث روشنائی و گرمای مناسب زمین می‌شود و حیات موجودات، امکان‌پذیر می‌شود، برکات امام نیز به انسان^۳ها می‌رسد و جامعه انسانی از وجود شریفش بهره‌مند می‌شوند؛ هرچند او در پشت پرده غیبت است.

به نظر می‌آید، آثار وجودی امام و حجت خدا را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- آثاری که بر اصل وجود امام در عالم هستی مترتب می‌شود؛ چه امام ظاهر باشد و چه غایب؛

- آثاری که بر افعال امام مترتب می‌شود؛ چه امام ظاهر باشد و چه غایب؛

- آثاری که بر وجود امام ظاهر مترتب می‌شود.

واسطه فیض: اولین اثری که بر وجود امام مترتب است، این که امام، واسطه فیض الهی بر مخلوقات است و فیض الهی، به واسطه او بر بندگان نازل می‌شود. واسطه فیض بودن، دو گونه قابل تصور است:

الف. نظام جهان بر اساس اسباب و مسببات است و هر پدیده‌ای از راه سبب و علت، ایجاد می‌شود. در رأس این سلسله اسباب، وجود مقدس حجت خدا است.

ب. نظام جهان، بر اساس هدف و غایتی خلق شده است و تا زمانی که غایت از این نظام و هدف آن، پابرجا است، نظام نیز به حیات خود ادامه می‌دهد. هدف از خلقت عالم، امکان حیات انسان است و هدف از خلقت آدمی، عبادت و عبودیت است. عبادت و عبودیت کامل که همراه معرفت کامل است، فقط از طریق امام و حجت خدا تحقق می‌یابد؛ پس تا زمانی که امام هست، هدف از خلقت نیز باقی است؛ لذا در سایه وجود او نظام هستی پا برجا است؛ بنابراین امام، واسطه فیض است و به واسطه او، فیض به عالم هستی می‌رسد و به واسطه او، عالم وجود باقی است؛ چه امام ظاهر باشد و چه غایب.

دفع بلا: روایت معروفی از وجود مقدس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صادر شده است که فرمود:

«خداوند، ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داد و اهل بیت را امان برای اهل زمین».

نظیر این تعبیر، از وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز صادر شده است:

«من، آخرین اوصیا هستم. به واسطه من، خدا، بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می‌کند».

به نظر می‌آید مراد از بلا، عذاب‌هایی باشد که به سبب اعمال ناشایست انسان‌ها باید نازل می‌شد؛ ولی به سبب آن که وجود مقدس حجت خدا در میان مردم است، عذاب دفع می‌شود. خداوند، به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«وما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم»؛ و خداوند، آنان را عذاب نمی‌کند؛ در حالی که تو میانشان هستی».

بنابراین، یکی از آثار وجودی امام، دفع بلا است. البته از روایات استفاده می‌شود دایره دفع بلا، برای سه گروه بوده و دارای وسعت و ضیق است: دفع بلا از اهل زمین، دفع بلا از امت اسلام و دفع بلا از شیعه و نزدیکان.

از امام باقر (علیه السلام) در حدیث نسبتاً بلندی نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«النجوم أمان لأهل السماء و اهل بیتی أمان لأهل الأرض... و اذا ذهب اهل بیتی أتى أهل الأرض ما يكرهون... بهم يمهّل أهل المعاصی و لا يجعل عليهم بالعقوبة و العذاب؛... ستارگان، برای اهل آسمان و اهل بیت برای اهل زمین امان هستند... زمانی که اهل بیت بروند، اهل زمین از آنچه کراهت دارند بر سرشان می‌آید... به واسطه آنان، اهل عصیان، مهلت داده می‌شوند و مورد عقوبت و عذاب واقع نمی‌گردند».

امید بخشی: آدمی، به امید زنده است، امید به آینده‌ای سبز و روشن که در آن، اثری از پلیدی و تباهی نباشد. انسان، منتظر چنین ایام زیبایی است و بهترین عمل او نیز انتظار فرج و دمیدن صبح ظفر است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج؛ برترین عمل امت من، انتظار فرج است».

وجود امامی که منتظر إذن الهی برای ظهور است، به مردم دلگرمی می‌دهد و گام‌های آنان را در جاده انتظار استوار می‌کند. به راستی، آیا وجود رهبر در تبعید، انقلاب را ایجاد می‌کند و مردم را به جوشش و حرکت در می‌آورد یا وعده آمدن فردی در آینده که دوران حیاتی در این زمان برای او متصور نیست؟

خودسازی: از دیگر آثار وجودی امام، پیدایش و تقویت روحیه خودسازی و تهذیب نفس است. بر اساس روایات امام و حجت خدا، ناظر و شاهد بر اعمال است. هر روز و هر هفته، اعمال انسان‌ها خدمت آن بزرگوار عرضه می‌شود. کسی که دوستدار امام باشد، راضی نمی‌شود امام، ناظر بر اعمال ناپسند او باشد و با دیدن اعمال بد او، غمگین و ناراحت شود؛ لذا سعی می‌کند

دقت بیشتری در اعمال خود داشته باشد و به گونه‌ای رفتار کند که رضایت امامش را به دست آورد. در کنار این آثار، آثار دیگری هم هست؛ مانند هدایت‌گری و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و... برخی از آن آثار را انسان‌ها در زندگی خود به روشنی احساس کرده‌اند؛ مانند حفظ و نجات شیعیان. حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید نوشتند:

ما، بر اخبار و احوال شما آگاه هستیم و هیچ چیز از اوضاع شما، بر ما پوشیده نیست. ما، در رسیدگی و رعایت امور شما، اهمال نکرده‌ایم و شما را از یاد نبرده‌ایم.

در این باره، عنایات حضرت، بی‌شمار است؛ مانند داستان انار و نجات شیعیان بحرین و همچنین کمک‌های حضرت در جریان انقلاب و جنگ.

در کنار حفظ شیعه از کیدهای دشمنان، نباید عنایات حضرت به بیماران و درماندگان و در راه‌ماندگان و نیازمندان را از یاد برد. افراد متعددی از لطف او بهره برده‌اند و بیماریشان علاج شده و گم‌گشتگان در راه، به منزل رسیده‌اند و نیازمندان و محتاجان و فقرا، سامان یافته‌اند. این آثار، به افعال امام برمی‌گردد و امام، ظاهر باشد یا غایب، امکان ترتیب اثر هست. بله؛ اثری که به وجود ظاهری امام برمی‌گردد، حکومت ظاهری است؛ یعنی بشریت امروز به سبب غیبت امام (علیه السلام)، که علت این غیبت هم خود مردم هستند، از حکومت عدل الهی و رشد و تکامل بشری در حدّ اعلای آن محروم شدند و تا زمانی که ظهور امام (علیه السلام) رخ ندهد، این محرومیت ادامه دارد.

۴۰- مسجد مقدس سهله در کوفه چگونه به نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟

مسجد مقدس سهله که در کوفه واقع است، قدمتی به اندازه آغاز زندگی انسان روی زمین دارد؛ زیرا، در روایتی، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، جز آن که در مسجد سهله نماز گزارده است.

مسجد سهله، همیشه، به صورت مسجد و دارای بنا نبوده است؛ اما مکان آن، همیشه مورد توجه بوده است. ابان بن تغلب، می‌گوید:

امام صادق (علیه السلام) اطراف کوفه، در سه نقطه نماز خواند و فرمود:

«سومین محل، محل نزول قائم (علیه السلام) بود».

از این روایات معلوم می‌شود، آن نقطه، مسجد سهله بوده است.

بسیاری از پیامبران، در این مسجد، اقامت داشته‌اند؛ مانند حضرت ابراهیم و حضرت ادریس (علیهما السلام) و فضیلت‌های بسیار زیادی برای رفتن و عبادت کردن در آن مسجد، نقل شده است و اعمال خاصی دارد که در مفاتیح الجنان نیز به آن اشاره شده است. علت انتساب این مسجد به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سبب وجود روایاتی است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

- مسجد سهله، منزل و محل اقامت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعد از ظهور است.

- مسجد سهله، منزل و محل اقامت دائمی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، است.

- مسجد سهله، محل بیت‌المال و محل تقسیم غنائم خواهد بود.

- مسجد سهله، محل اقامت جانشینان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

علاوه بر موارد بالا که در روایات متعدد آمده و مسجد را منسوب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌کند، افرادی

در مسجد سهله، به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده‌اند و توفیق ملاقات آن امام را یافته‌اند یا مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته‌اند؛ بزرگانی مانند سید مهدی بحر العلوم و حاج میرزا مهدی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی آملی و آیت الله خویی و... .

سیره و روش علما، این بوده است که برای کسب فیض، شب‌های چهارشنبه، به آن مسجد می‌رفتند. البته درباره شب چهارشنبه یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست، مگر همان راهنمایی‌ها که در ملاقات‌ها صورت گرفته است.

۴۱- مسجد مقدس جمکران در قم چگونه به نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟

مسجد مقدس جمکران در قم، از مساجد منسوب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که تاریخ بنای آن، بر اساس آنچه از کتاب تاریخ قم نوشته شیخ حسن بن محمد بن حسن قمی معلوم می‌شود، به سال ۳۹۳ ق برمی‌گردد و قدمتی بیش از هزار ساله دارد. در همین کتاب، سبب بنای این مسجد را فرمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیخ حسن بن مثله جمکرانی بیان می‌کند.

جمکران، نام دهی در نزدیکی شهر مقدس قم است. شیخ حسن بن مثله، از افراد صالح و ساکن این روستا بوده است که امام به او فرمان داد زمینی را که اکنون محل مسجد جمکران است، از دست فردی به نام حسن بن مسلم که بی‌اجازه در آن جا کشت می‌کرده بگیرد و در آن محل، مسجدی بنا کند و محل هزینه آن را نیز به او نشان داد.

به این ترتیب، اولین بنای مسجد جمکران ساخته شد و خود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در همان فرمان ساخت مسجد، اعمال آن را نیز بیان داشت و فرمود:

به مردم بگویند به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز شمارند. هر کس دو رکعت نماز در آن بخواند؛ مانند کسی است که در کعبه نماز خوانده است.

به سبب دستور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این مسجد به نام ایشان معروف است و عاشقان آن حضرت ارادت خاصی به آن دارند. علمای بزرگ ما نیز در باره آن مسجد، جملات بسیار مهمی دارند. آیت الله بروجردی می‌فرماید، این جریان [= ساخت اولیه مسجد]، در زمان شیخ صدوق اتفاق افتاده است؛ یعنی، ایشان، صحت این جریان را تأیید می‌کنند.

علاوه بر نقل مذکور در کتاب تاریخ قم، سیره عالمان و بزرگان و صالحان، این بوده است که به آن مسجد بروند و افراد زیادی در این مسجد مورد عنایت حضرت واقع شده‌اند. البته در باره شب چهارشنبه رفتن یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست؛ اما سیره و روش بزرگان، چنین بوده است و احتمال دارد چنین روشی، با راهنمایی‌های خود حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده باشد.

۴۲- مراد از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست و چرا آن حضرت غایب شد؟

الف. «غیبت» یعنی پنهان بودن و مراد از غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که زندگی پنهانی دارد. با توجه به روایات می‌توان دریافت مراد از پنهان زیستی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که مردم او را نمی‌شناسند؛ یعنی آن بزرگوار، میان مردم می‌باشد و آنان او را می‌بینند؛ ولی نمی‌دانند او همان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد؛ لذا غیبت حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت یوسف (علیه السلام) تشبیه شده است که با این که برادرانش برای خرید گندم به مصر رفتند و او را دیدند؛ ولی وی را نشناختند. البته در مواردی بدن حضرت نیز دیده نمی‌شود.

ب. بیان علت حقیقی و اصلی غیبت، امری دشوار و شاید دور از دسترس باشد. درباره غیبت می‌توان، دو نگاه داشت:

۱. نگاه تاریخی: وقتی به تاریخ صدر اسلام و حتی پیش از آن می‌نگریم، به خوبی می‌بینیم که جبهه کفر و باطل برای مقابله با

جبهه حق و نابودی آن، از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده و در این راه حتی از کشتن پیشوایان دین نیز ابایی نداشته است. آنان، به خوبی می‌دانستند ادامه حکومت دنیایی و سیطره بر مردم و کسب منافع نامشروع، زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیشوایان دین و هادیان حق را از سر راه خود بردارند؛ لذا شهادت امامان (علیهم السلام) در دستور کار خلفای جور قرار گرفت. آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خودکامه را بیشتر می‌کرد، وعده ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان منجی و مصلح بود؛ از این رو خلفای معاصر امام حسن عسکری (علیه السلام) ایشان را به شدت تحت نظر داشتند، تا وقتی فرزندش به دنیا می‌آید، او را در همان ابتدای زندگی به شهادت برسانند؛ بنابراین بسیار طبیعی است که خداوند آخرین حجت خود را در پرده غیبت قرار دهد، تا جان او حفظ شود و در موعد مقرر و زمانی که مردم آمادگی ظهور داشتند، ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

۲. نگاه روایی: در روایات، به علت و حکمت‌های متعددی اشاره شده است. قبل از بیان آن‌ها ذکر این مقدمه ضروری است که: غیبت، سری از اسرار الهی است و ما ایمان داریم که خداوند متعال، هیچ کاری را جز بر اساس حکمت و مصلحت، انجام نمی‌دهد؛ خواه ما آن حکمت‌ها را بشناسیم یا نشناسیم. غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از پدیده‌هایی است که با اراده و تدبیر او رخ داده است؛ پس حتماً دارای حکمت و مصلحتی مهم است که حتی اگر ندانیم، به آن باور داریم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

ان هذا لأمْرٌ من أمر الله و سرّ من سرّ الله؛ این، امر الهی و سری از اسرار خداوند است.

در روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است، در پاسخ سوال از علت غیبت آمده است:

غیبت، به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم ... غیبت، سرّی از اسرار الهی است؛ ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است، می‌پذیریم که همه کارهای او (بر اساس) حکمت است؛ اگر چه علت کارها برای ما معلوم نباشد. بعد از بیان مقدمه به علل غیبت از منظر روایات می‌پردازیم:

الف. آزمایش مردم: امتحان کردن مردم، از سنت‌های حتمی خداوند است. او بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید تا میزان استواری آن‌ها در مسیر حق، آشکار شود. نتیجه امتحان، برای خداوند معلوم است؛ ولی در گذر از سختی‌ها، بندگان خدا پخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند. امام علی (علیه السلام) فرمود:

«به خدا قسم! من و دو فرزندم شهید می‌شویم. خداوند در آخر الزمان مردی از فرزندانم را به خونخواهی ما بر خواهد انگيخت. او مدتی غایب می‌شود، تا مردم آزمایش شوند و گمراهان جدا گردند، تا جایی که افراد نادان می‌گویند: خداوند، دیگر به آل محمد کاری ندارد».

امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مراقب دین خود باشید، تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای صاحب این امر، غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او، از اعتقاد خود دست برمی‌دارند و این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن، بندگان را امتحان می‌کند.

ب. ستم پیشه بودن انسان‌ها: امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود:

زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و زیاده‌روی انسان‌ها، آنان را از وجود [ظاهری] حجت خود محروم می‌سازد.

ج. حفظ جان امام: یکی از عوامل کناره‌گیری پیامبران از قوم خود، حفظ جان خویشان بوده است، تا بتوانند در وقتی دیگر رسالت خود را به انجام رسانند؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برای حفظ جان خود، از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. البته همه این‌ها، به خواست خدا و اراده او تحقق می‌یافت. در روایات متعدّد آمده است که علت غیبت

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حفظ جان آن حضرت است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم غایب خواهد شد. راوی، از علت غیبت سوال کرد. حضرت فرمود: بر جان خویش بیمناک است.

البته ترس حضرت بر جان خود، برای آن است که او، آخرین ذخیره الهی است که باید برای تحقق عدالت جهانی که وعده حتمی خداوند است، بماند و گرنه، او نیز مانند پدران بزرگوارش، از شهادت در مسیر تحقق اهداف الهی، استقبال می‌کند.

د. تأدیب مردم: وقتی امت، برابر پیامبر و امام، وظایف خود را به درستی انجام ندهد و وجود آنان را قدر نداند، روا است که خداوند، پیشوای ایشان را برای مدتی از آنان جدا کند تا به خود آیند. امام باقر (علیه السلام) فرموده است:

وقتی خداوند، همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد، ما را از میان آنان برگیرد.

ه. استقلال و بیعت نکردن با حاکمان: اگر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیش از فراهم شدن زمینه‌های ظهور، ظاهر شود یا کشته خواهد شد یا برای حفظ جان خود باید با دشمنان خدا و ظالمان عصر خود پیمان ببندد تا مورد هجوم آنان قرار نگیرد و دشمن نیز او را رها نمی‌کند، تا مبدا امام و پیروان او بر آنان بشورند و برضد ظالمان قیام کنند؛ همچنان که بسیاری از امامان پیشین، به بیعت ظاهری با حاکمان جور زمان خود مجبور شدند. چون رسالت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام برضد همه ظالمان و ستمگران است و این امر، با بیعت با آنان سازگاری ندارد، او غایب شد، تا از بیعت با حاکمان جور، رها شود و هر زمان، خداوند اراده کرد، آزادانه با ستمکاران برخورد کند. امام رضا (علیه السلام) در بیان علت غیبت، چنین فرموده است:

برای این که آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او بیعتی نداشته باشد.

البته برخی بر اساس روایت اول می‌گویند: علت اصلی غیبت، روشن نیست و آنچه از علت‌ها گفته شده (مانند حفظ جان)، از آثار غیبت است، نه علت اصلی. برخی دیگر با توجه به تاریخ و روایات، علت اصلی غیبت را حفظ جان، و بقیه موارد را از آثار آن می‌دانند.

۴۳. اگر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بین مردم بود و مردم را به راه راست راهنمایی می‌کرد بهتر نبود؟ خداوند بر همه چیز قادر است و می‌تواند او را از شر کافران حفظ کند.

روشن است اگر امام در میان مردم ظاهر بودند و به صورت آشکار مردم را راهنمایی و هدایت می‌کردند، بسیار بهتر بود؛ ولی آیا دشمنان چنین اجازه‌ای را به او می‌دادند؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) در موارد متعدد، گفته بودند دستگاه ظلم، به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برچیده می‌شود؛ از این رو وجود مقدس او، مورد توجه دو دسته از مردم واقع می‌شد:

۱. مظلومان به امید نجات به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

۲. ظالمان که چون وجود مقدس امام را سد راه منافع خود می‌دیدند، حضرت را به قتل می‌رساندند. در تاریخ، نمونه‌های متعددی از شهادت اولیای خدا و راهنمایان دین حق به دست ستمگران وجود دارد که از جمله آن‌ها شهادت امامان بزرگوار شیعه (علیهم السلام) است.

قدرت خداوند محدود نیست؛ ولی نظم هستی، به گونه‌ای است که کارها، از طریق اسباب و از مجرای عادی انجام شود. اگر خداوند، بخواهد برای حفظ جان انسان‌های مقدس، از جریان عادی حاکم بر جهان دست بردارد و برخلاف آن عمل کند، بدان معنا است که با تغییر در نظام آفرینش، دیگر دنیا، محل تکلیف و اختیار و امتحان نباشد؛ زیرا خداوند، با اعمال قدرت، جلوی اختیار افراد را در این زمینه می‌گیرد. به علاوه، اگر امام، میان مردم به صورت آشکار حاضر بود یا باید با ظالمان وارد جنگ و پیکار می‌شد یا باید برابر آن‌ها سکوت می‌کرد. راه اول، به تحقق شرایط و اذن الهی مشروط است و بدون آن، قیام و نبرد نتیجه بخش

نیست. اگر امام، راه دوم را برگزینند و مؤمنان ببینند حضرت، برابر تمام جنایات و ستم‌ها سکوت کرده و این سکوت، سالیان طولانی ادامه پیدا کرده است، از اصلاح جهان مایوس می‌شوند و در بشارت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و قرآن، شک می‌کنند؛ بنابراین، گزینه غیبت تا آماده شدن شرایط و مهیا شدن مردم برای پذیرش قیام و عدالت گستری حضرت، بهترین انتخاب و روش است.

۴۴- غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارای چه مراحل بود؟ چرا؟

غیبت امام عصر (علیه السلام) دارای دو مرحله است: غیبت کوتاه مدت (صغرا)، غیبت بلند مدت (کبرا).

غیبت کوتاه مدت از زمان شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در سال ۲۶۰ ق آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ق - حدود هفتاد سال - ادامه یافت. ویژگی این دوره، وجود چهار نایب خاص بود که از طرف حضرت منصوب شده بودند و دیگری محدود بودن زمان آن و همچنین امکان دیدار حضرت توسط برخی از افراد با اجازه امام (علیه السلام).

غیبت بلند مدت از سال ۳۲۹ ق آغاز شد و تا زمان ظهور ادامه پیدا می‌کند.

رخدادها و پدیده‌های اجتماعی، نیازمند مقدمه و آماده سازی است و باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که قابل تحمل و پذیرش عموم مردم شود. پدیده غیبت نیز در همین راستا قابل بررسی است. شیعیانی که در دوران گذشته هرگاه می‌خواستند امام خود را ملاقات کنند، محضر او شرفیاب شده و از وجودش بهره می‌بردند، اینک امام و مقتدای خود را در پس پرده غیبت می‌بینند. این حادثه، بدون زمینه‌سازی، مشکل و غیره منتظره بود؛ از این رو امامان قبلی آرام آرام، شیعیان را با این پدیده آشنا کردند.

از زمان امام جواد (علیه السلام) به بعد به صورت‌های مختلفی مانند توجه به نهاد و کالت که از زمان امام باقر (علیه السلام) و صادق (علیه السلام) شکل گرفته بود، انجام ملاقات‌های پشت پرده، برقرار کردن ارتباط از طریق نایب خاص، مسأله غایب شدن امام به شکل جدی‌تری مطرح شد، تا طبعی جلوه کند. این کارها، پذیرش و قبول مسأله غیبت را بین شیعیان تقویت می‌کرد؛ لذا آنان دیگر با یک پدیده غریب رو به رو نمی‌شدند. از این رو دوران غیبت در دو مرحله صورت گرفت:

غیبت صغرا (مرحله مقدماتی)؛ امام عصر (علیه السلام) امر هدایت و رهبری را مدت هفتاد سال، از طریق نایبان خاص انجام می‌داد. این گونه اداره کردن امور، اولاً- موقتی و جهت آماده سازی مردم برای غیبت کامل بود، ثانیاً برای تثبیت وجود و حقانیت امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودو ثالثاً تعلیم مردم به رجوع به عالمان دین بود. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتى عليكم؛ ... اما در حوادثی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمايند...».

بنابراین ازجمله دلایل مرحله غیبت صغرا می‌تواند موارد زیر اشاره کرد:

۱. اثبات وجود حضرت (با توجه به ولادت مخفیانه ایشان).

۲. آماده شدن مردم برای ورود به غیبت کبرا.

۳. تمرین برای رجوع کامل به نایبان و علما.

بعد از پایان یافتن دوران غیبت صغرا و آمادگی مردم، به امر الهی دوران غیبت کبرا آغاز شد.

۴۵- آیا امامان در گذشته برای وقوع غیبت و آماده کردن شیعیان برای این امر زمینه‌سازی کرده‌اند؟

غیبت، امری است که سیر حرکت انسان‌ها، آن را ناگزیر کرده است و در این فرایند باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شد تا جامعه شیعه، با کمترین مشکل بتواند پذیرای آن باشد؛ از این رو امامان (علیهم السلام) از یک سو، راه‌های فهم احکام را به شاگردان می‌آموختند تا بتوانند احکام دین را در حد توان از منابع، استنباط و استخراج کنند و مردم را نیز به آموختن از عالمان و رجوع به

آن‌ها فرامی‌خواندند و از سوی دیگر با برقراری نهاد و کالت، مردم را به رجوع به وکیلان دعوت کردند. در همین راستا، امام هادی و عسکری (علیهما السلام) ارتباط مستقیم خود را کمتر کردند و در مواردی از پشت پرده، پرسش‌ها را پاسخ می‌دادند، تا مردم به ندیدن امام عادت کنند. به دنبال آن غیبت کوتاه مدتی (صغرا)، پیش بینی شد تا مردم به واسطه نواب خاص، برخی مسائل مورد نیاز را بپرسند و در ضمن آن، رجوع همیشگی به نایبان را فرابگیرند.

۴۶- عده‌ای از شیعیان، اعتقاد دارند مثلث برمودا، پایگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

آیا اسناد و شواهدی وجود دارد تا آن را به اثبات رساند؟

درباره این مسأله، به نکاتی توجه داده می‌شود:

در شمال غربی اقیانوس اطلس (نزدیک قاره آمریکا) جزایر کوچکی (حدود ۳۶۰ جزیره که بیست جزیره آن مسکونی است) وجود دارد. این جزایر، به برمودا معروف هستند. برمودا، نام یکی از جزایر بزرگ آن مجموعه است. مثلث برمودا، به منطقه‌ای مثلث شکل می‌گویند که یک رأس آن، جزیره برمودا (۳۳ درجه شمالی و ۶۴ درجه غربی) است و یک رأس آن، بندر میامی در ساحل شرقی ایالت فلوریدا از مهم‌ترین بنادر ایالات متحده است و رأس دیگر آن نیز سن-خوان (سن ژوان) پایتخت پورتوریکو، یکی از جزایر بزرگ دریای کارائیب است که در شرق کشور دومینیکن قرار دارد.

از آنچه در بالا- گفتیم، وجود محلی به نام جزیره برمودا و ناحیه‌ای به نام مثلث برمودا، ثابت می‌شود. این جزایر، از لحاظ جغرافیایی، محل مشخصی دارد و در نقشه‌ها ثبت شده است.

اصل نکته درباره این جزیره و مثلث برمودا، اخباری است که مخابره و ثبت شده است. در حدود سال ۱۳۵۵ش، یعنی دو سال پیش از انقلاب اسلامی در ایران، در تمام مطبوعات و رادیوها، اخباری عجیب و غریب از حوادث دردناک و اسرارآمیز از این جزیره و منطقه، نوشته و اعلام شد و به تبع آن، در مجلات داخلی ایران نیز چیزهایی ترجمه و بیان گردید؛ اما اینک دیگر اثری از آن خبرها نیست و در سال‌های اخیر، دیگر از چنین حادثه‌هایی سخن گفته نمی‌شود، در حالی که با گسترش ارتباطات، باید اخبار، بیشتر و دقیق‌تر از گذشته، ارائه می‌شد.

بعضی، درباره پخش گسترده این اخبار، استدلال کرده‌اند که چون کشور کوبا، رابطه خوبی با شوروی سابق داشت و از طرفی، نزدیک بودن آن به ایالات متحده آمریکا، خطر جدی برای آمریکا محسوب می‌شد و می‌توانست جایی برای نصب ابزار جاسوسی و جنگی و در واقع پایگاهی برای شوروی در نزدیکی آن کشور باشد، آمریکا به این فکر افتاد که در نزدیکی کوبا (مثلث برمودا) با شایعه کردن این اخبار، منطقه خطرناک و ناامنی را ایجاد کند و آن‌جا، پایگاهی بسازد که کوبا را از نزدیک زیر نظر بگیرد و اگر کسی خواست نزدیک شود، او را از بین ببرد و آن را به نیروهای اسرارآمیز منتسب سازد؛ بنابراین، اخبار مخابره شده، همه، جنبه سیاسی و امنیتی داشت و در واقع، ساختگی بوده است. البته، امکان دارد برای واقعی جلوه کردن، چند هواپیما و کشتی را نیز از بین برده باشند.

متأسفانه بعضی، با شنیدن این اتفاقات و مشخصات ادعا کردند یا احتمال دادند که آن منطقه، همان جزیره خضرا و محل زندگی اهل بیت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، در حالی که این، احتمالی بیش نیست و عقیده‌ای شخصی است که ابراز گردیده است و می‌تواند نشان از کج سلیقه گوی افراد باشد؛ زیرا وقتی اخبار دردآور و غم‌انگیز کشته شدن عده‌ای افراد بی‌گناه که بعضاً راه را گم کرده‌اند یا سوار بر کشتی تجاری بوده‌اند دنیا را فرا گرفت - بر فرض واقعیت داشتن این جریان‌ها- همه را به تأسف و تأثر واداشت اگر کسی ادعا کند که آن‌جا جزیره امام ما است و حضرت و یارانش چنین کارهایی را انجام داده‌اند، اثر منفی بر اذهان همه مردم خواهد داشت.

به راستی، این ادعا، به شنوندگان و خوانندگان، چه پیامی را القا می‌کند؟ آیا جز این است که خشونت طلبی و خون‌ریزی

دین اسلام و پیشوایان دین را تبلیغ می‌کند؟

وقتی از مدعیان وجود جزیره خضرا می‌پرسند: چرا تا به حال آن را کسی ندیده است؟ می‌گویند: از قدرت خدا دور نیست که آن را به حالت معجزه آسا و خارق العاده، از چشم‌ها دور کند و کسی آن را نبیند.

باید از اینان پرسید: اگر خدا چنین کاری را می‌کند، چه لزومی برای نابود کردن هواپیماها و کشتی‌ها در آن منطقه هست و چرا باید این افراد بی‌گناه کشته شوند؟ در حالی که می‌شود آن‌جا را نبینند و رد شوند؟ در حالی که آنچه در حدیث جزیره خضرا آمده است، با فرض صحت آن، به کشته شدن دشمنان اشاره دارد. آیا کسی که راه را گم کرده و اتفاقاً به آن‌جا رسیده، دشمن و مستوجب قتل است؟ آیا ارائه چنین تصویری از اسلام و امام، صحیح است؟ خلاصه این‌که:

۱. مثلث برمودا، وجود دارد؛ اما اخبار نقل شده درباره آن، ساختگی و برای مقاصد سیاسی بوده است.

۲. تطبیق آن، بر جزیره خضرا، ادعایی شخصی است و فقط از سوی یک فرد ناشناخته، به نام ناجی النجار ابراز شده است. به نوشته خود او، فقط به سبب تشابهاتی که بین جریان جزیره خضرا و اتفاقات نقل شده درباره مثلث برمودا وجود داشته، به این نتیجه‌گیری رسیده است و طبیعی است چنین نتیجه‌گیری‌ای، ارزش علمی ندارد.

۳. پذیرش چنین چیزی، خدشه دار کردن چهره دین و خشن و خطرناک جلوه دادن امام رحمت و رأفت است که با قوانین مسلم دین، سازگاری ندارد.

۴۷- مراد از سرداب غیبت چیست؟

سرداب، به طبقه زیرین ساختمان اطلاق می‌شود که در مناطق گرمسیری برای حفاظت از گرمای شدید، زیر ساختمان ساخته می‌شود. این شیوه ساختمان‌سازی در بسیاری از مناطق عراق، از جمله شهر سامراء که دارای آب و هوای گرم و خشک می‌باشد، مرسوم است. خانه امام هادی (علیه السلام) در شهر سامراء نیز دارای چنین سردابی بود. این خانه پس از شهادت امام هادی (علیه السلام) در اختیار امام حسن عسکری (علیه السلام) قرار گرفت.

بر اساس شواهد تاریخی، ولادت با سعادت خاتم الاوصیا و منجی عالم بشریت، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این منزل رخ داد. آن بزرگوار، به علت شرایط حاکم بر زمان و وجود خلفای جور، مخفیانه به دنیا آمد و پس از شهادت پدر گرامی‌اش، غیبت او از آن خانه آغاز شد.

با توجه به حضور و عبادت سه امام بزرگوار شیعه در این خانه و اقامت ایشان در سرداب برای مدتی، این خانه و سرداب آن، نزد شیعه مکانی مقدس شمرده می‌شود. به علاوه برخی بر این باورند که غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز از همین سرداب آغاز شده است؛ لذا به آن «سرداب غیبت» می‌گویند. البته برخی دیگر این امر را مطلبی مسلم نمی‌دانند.

گفتنی است به علت تولد و زندگی مخفیانه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان حیات پدر و همچنین آغاز غیبت با شهادت پدر و به امامت رسیدن ایشان، اظهار نظر درباره محل شروع غیبت مشکل است. به علاوه که این امر مسأله‌ای فرعی است. آنچه مهم است، این است که ما یقین داریم حضرت در طول دوران غیبت، میان مردم بوده و در مجامع شرکت می‌کند، نه این که امام، تا زمان ظهور در سرداب مخفی شده است.

۴۸- در روایتی خواندم که، هر حکومتی پیش از قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وجود بیاید، حکومت طاغوت است. این حدیث را در رابطه با نظام فعلی ما توضیح دهید.

بشر، موجودی اجتماعی است. زندگی مطلوب در جامعه، به قانون و مقرراتی کامل و مجری آگاه و توانمند در اداره جامعه نیاز دارد، تا در سایه مدیریت او، مقررات اجرا شود و حقوق کسی پایمال نگردد. دین مقدس اسلام نیز از این مهم غافل نیست و علاوه

بر دستورهایی که به زندگی شخصی انسان مربوط است؛ مانند نماز و روزه، حاوی مقررات و قوانین اجتماعی است و برای اداره کننده جامعه، صفاتی مانند عقل، درایت، ایمان، آشنایی با دستورهای دین، قناعت، مناعت را برمی‌شمرد. روشن است زندگی فردی انسان، از زندگی اجتماعی او قابل انفکاک نیست؛ لذا برای نیل به کمالات، باید هر دو بُعد زندگی مورد توجه و اهتمام قرار گیرد؛ بنابراین هم دستورهای فردی باید عمل شود و هم مقررات اجتماعی لازم‌الاجراء است.

نکته دیگر آن که برنامه‌ها و آموزه‌های دین، مربوط به دوره و عصر زمانی خاصی نیست؛ بلکه برای عموم مردم در هر عصر و زمان است؛ بنابراین، مردم در هر زمان، مکلف به اجرای فرمان‌هایی؛ مانند «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة» یا «و لتكن منكم امة يدعون الى الخير يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» یا «و السارق و السارقة فاقطعوا ايديهما» هستند. اجرای این‌ها نیازمند برقراری حکومت و ایجاد تشکیلات نظام‌مند است. در نتیجه، از دید اسلام باید حکومت اسلامی تشکیل شود و حاکم اسلامی، اداره جامعه را بر عهده بگیرد.

با توجه به این مقدمه، به بررسی روایت نفی حکومت در زمان غیبت می‌پردازیم. روایتی، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: «کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یبعد من دون الله؛ هر پرچمی که پیش از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است که به جای خدا، پرستش می‌شود». شبیه این مضمون، از امام باقر (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمود: «هر پرچمی که پیش از پرچم مهدی برافراشته شود، صاحبش، طاغوت است». سند روایت اول، خوب و قابل اعتبار است؛ ولی سند روایت دوم، این گونه نیست. برای فهم روایت، باید به دو نکته توجه کرد: الفاظ روایت، چه محتوایی را بیان می‌کند؟ ۲. آیا روایات دیگری نیز در این باره صادر شده است، تا با توجه به آن‌ها معنای صحیح آن روشن شود؟

«رایة» به معنای پرچم است و «رفع رایة» کنایه از اعلان جنگ با نظام موجود حاکم است. «صاحب پرچم» همان رهبر قیام است که مردم را به یاری می‌طلبد. طاغوت، یعنی فرد ستمگر و متجاوز است که به حریم خدا تجاوز می‌کند و مردم را به خود می‌خواند که حاکمیت او را بپذیرند. منظور از «قبل قیام القائم» دوران عصر غیبت است.

با توجه به الفاظ روایت، می‌توان دریافت، پیش از قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عده‌ای با شعار نجات انسان، مردم را به سوی خود فرا می‌خوانند. اینان، بدون آن که اعتقاد کامل و صحیح به دین داشته باشند، و حاکمیت را فقط برای خدا و خلیفه خدا بپذیرند و تنها راه نجات و سعادت مردم را حرکت در مسیر دین تحت رهبری حجت خدا بدانند، با پی‌ریزی مکتب‌های مختلف، خود و اندیشه خود را تنها راه نجات بشریت می‌دانند. اینان، طاغوتند که مردم را از راه الهی به سوی خود منحرف می‌کنند؛ از این رو، اگر فرد عادل و پرهیزکاری که نور ایمان و تقوا در تمام زندگانی‌اش نورافشانی کرده، به پاخیزد و مردم را به سوی دین خدا و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت فرا خواند، اصلاً از موضوع روایت خارج است.

شاهد بر این بیان، روایت دیگری، با سند صحیح از وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: اگر یک نفر از ما [= خاندان پیامبر] آمد و شما را به قیام و خروج دعوت کرد، خوب بیندیشید که به چه منظور قیام کرده است [و برای توجیه قیام او] نگوئید: «زید بن علی» = فرزند امام سجاد (علیه السلام) [هم پیش‌تر قیام کرد]؛ زیرا زید، مردی دانشمند و راستگو بود و شما را به امامت خودش دعوت نمی‌کرد؛ بلکه به شخصی دعوت می‌کرد که مورد توافق و رضایت اهل بیت قرار گیرد [= امام معصوم]. او اگر پیروز می‌شد، حتماً به وعده‌اش عمل می‌کرد و حکومت را به اهلش می‌داد. زید، برابر دستگاه سلطنت قیام کرد، تا آن را سرنگون سازد؛ اما آن کس که امروز قیام کرده است، شما را به چه امری دعوت می‌کند؟ آیا شما را به سوی شخصی دعوت می‌کند که مورد توافق و رضایت آل محمد قرار گیرد؟ نه؛ چنین نیست. شما را گواه می‌گیریم که ما به قیام این شخص راضی نیستیم. او، اکنون که به قدرت نرسیده است، با ما مخالفت می‌کند؛ پس در صورتی که قدرت یافت و پرچمی برافراشت، به طریق اولاً، از ما اطاعت نمی‌کند».

با توجه به این روایت، به خوبی می‌توان دریافت که اگر قیام^۱ کننده، دعوت^۲ کننده به خود باشد، طاغوت است؛ ولی اگر هدف او، دعوت مردم به خدا و زمینه^۳ سازی برای حاکمیت حجت حق باشد، قیام او نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه در راستای اراده خداوند است که می^۴ خواهد با حاکمیت حاکم اسلامی، به مقررات عمل شود؛ لذا امامان (علیهم السلام)، مردم را به سوی عالمان فرا خواندند و آنان را مرجع امور قرار دادند.

امام صادق (علیه السلام) درباره رجوع به فقیه فرمود: «فانی قد جعلته علیکم حاکماً؛ من، او [= فقیه] را بر شما حاکم قرار دادم». به راستی آیا زندگی تحت سیطره حکومت ظلم، مطلوب خدا و عقل است یا زیر چتر عالم عادل مسلمان و کدام یک به زمینه^۵ سازی برای ظهور کمک می^۶ کند؟

خلاصه آن که قوانین سیاسی و اجتماعی اسلام که بخش وسیعی از دین را شامل می^۷ شود، برای پیاده شدن و عمل کردن، در هر عصر و زمان است و اجرای این قوانین، به حکومت اسلامی نیاز دارد؛ چه در زمان وجود معصوم که میان مردم ظاهر است و چه در زمان غیبت. امام حسین (علیه السلام) فرمود: «مجاری امور و احکام، به دست عالمان است». و وظیفه هر مسلمان، - به ویژه عالم دین - مخالفت با حاکم جور است. امام حسین (علیه السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و عهد خدا را شکسته و با سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مخالفت کرده و میان بندگان خدا به ظلم رفتار کرده است و او، برابر چنین حاکمی با عمل و گفتار مخالفت نکند، بر خدا است که او را در جایگاه همان ستمگر [جهنم] وارد کند.

لذا قیام برای حق، طاغوت نیست.

ارتباط و ملاقات

ارتباط و ملاقات ۴۹- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می^۸ فرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که از شخصیت^۹ های بزرگ نقل شده است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیده^{۱۰} اند. این تناقض را حل کنید؟

برای آن که بتوان به درستی در این باره گفت و گو کرد و به قضاوت نشست، ابتدا لازم است متن کلام حضرت را به دقت مرور کرد، تا روشن شود مراد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست. حدیثی که بحث «مشاهده و دروغگو بودن مدعی مشاهده» را مطرح می^{۱۱} کند، آخرین توقیع و نامه^{۱۲} ای است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به چهارمین و آخرین نایب خاص خود، چند روز پیش از مرگ او نوشته است. متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمری! خداوند، اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند. به درستی که تو تا شش روز دیگر از دنیا می‌روی. پس به کارها^{۱۳} ی خود رسیدگی کن و به احدی وصیت مکن که پس از وفات، جانشین تو شود. به تحقیق، دومین غیبت (غیبت کامل) واقع شده است. پس ظهوری نیست؛ مگر بعد از اذن خدای عزوجل و آن، بعد از مدتی طولانی و قساوت دل^{۱۴} ها و پرشدن زمین از ظلم خواهد بود. به زودی نزد شیعیان من می^{۱۵} آید، کسی که ادعای مشاهده می^{۱۶} کند. بدانید کسی که ادعای مشاهده کند، پیش از خروج سفیانی و ندا، او دروغگو و افترا زننده است. و لاحول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم.

این حدیث، در بردارنده نکاتی است، از جمله:

۱. مدعیان مشاهده، در این دوره، وجود خواهند داشت.
۲. مدعی مشاهده، پیش از خروج سفیانی و ندا (دو علامت حتمی ظهور) هم دروغگو است و هم افترازننده

افترا یا تهمت، آن است که فردی به شخص دیگر، عملی یا قولی را نسبت دهد، در حالی که او چنین نکرده باشد؛ بنابراین، بین دروغگو بودن و تهمت زدن، تفاوت است. هر دروغگویی، تهمت زنده نیست. اگر کسی فقط مدعی دیدن باشد؛ ولی به حضرت، نسبتی ندهد، ممکن است دروغگو باشد؛ ولی تهمت زنده نیست. امام، در این نامه هر دو صفت ناپسند را به مدعی مشاهده، وارد کرده است؛ یعنی، مدعی مشاهده، نسبتی نیز به حضرت می‌دهد.

این نکات در نامه بزرگان را بر آن داشت، تا با تأمل و تدبّر دقیق‌تر، به محتوای نامه بنگرند و سپس اظهار نظر کنند. عده‌ای با توجه به این که نامه، در آخرین روزهای عمر نایب چهارم صادر شده و در آن، به پایان نیابت خاصه تصریح شده است، چنین گفته‌اند که مراد از مدعی مشاهده، ادعای نیابت خاصه و ارتباط با حضرت است؛ زیرا نیابت خاص یعنی حضور نزد حضرت، همراه شناخت آن بزرگوار و رساندن سؤالات مردم و ابلاغ پاسخ‌ها و پیام‌ها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آنچه می‌گوید را از جانب حضرت بیان می‌کند و حرف‌ها را پیام حضرت اعلام می‌کند. حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) می‌گوید:

مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی، مدعی ملاقات باشد؛ ولی شاهد و دلیلی نداشته باشد. شهید صدر می‌گوید:

مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط، بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مردم القا کند.

برخی نیز گفته‌اند: مراد از تکذیب مدعی مشاهده، تکذیب مدعی ظهور است. بنابراین می‌توان دریافت که در روایت، صرف دیدار، منتفی نشده است و عالمان نیز نفی اصل دیدار را استفاده نکرده‌اند. به علاوه، روایت، مدعی مشاهده را کذاب می‌داند؛ حال اگر کسی امام را ببیند و به دیگران نگوید، تحت این روایت قرار نمی‌گیرد؛ لذا اصل دیدار، امر ممکن خواهد بود. نکته آخر این که علمای ما که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند؛ بلکه اطرافیان و خواص آنان، از روی شواهد و قراینی یا در زمان‌های بعد، متوجه وقوع دیدار آن عالم با امام می‌شدند؛ لذا عالمان تحت عنوان «مدعی مشاهده» قرار نمی‌گیرند و این روایت، با داستان ملاقات برخی بزرگان تنافی ندارد.

۵۰. روایاتی می‌گوید: «هر کس در غیبت کبرا، ادعای رؤیت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را کرد، او را تکذیب کنید»؛ آیا این روایت، بر خلاف لطف کامل پروردگار نیست و آیا برخی عالمان و صلحا، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نکرده‌اند؟

آنچه در این سؤال، قابل توجه و دقت است، تنافی بین نفی دیدار و لطف کامل پروردگار است. در پاسخ به این سؤال، باید توجه داشت که:

۱. اگر خود انسان‌ها، به سبب اعمال و کردار ناصحیح نعمتی را از دست بدهند، خودشان باید جوابگوی عملکرد غلط خود باشند و تاوان آن را نیز بدهند. خداوند مهربان، الطاف و نعمات خود را از مخلوقات خویش دریغ نمی‌دارد؛ بلکه این انسان‌ها، ایند که ناسپاسی می‌کنند و با ناشکری و کفران نعمت، آن را از دست می‌دهند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس»؛ فساد، در خشکی و دریا آشکار شد؛ به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند.

در دعای عهد که مناسب است هر روز صبح خوانده شود، نیز این مطلب اشاره شده است. بنابراین، اگر از نعمت دیدار امام محروم شدیم، به سبب آن بود که قدر امام دانسته نشد. حال، اگر بخواهیم دوباره از ظهور، فیض ببریم، خود باید بخواهیم. در نامه‌ای که از وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای شیخ مفید صادر شده

است، حضرت چنین می‌فرماید:

و لو أنَّ اشياعنا وفقهم الله لطاعته، على اجتماع من القلوب فى الوفاء بالعهد عليهم لما تأخَّر عنهم اليمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة و صدقها منهم بنا، فما يحبسنا عنهم إلَّا ما يتصل بنا ممَّا نكرهه؛ اگر شیعیان ما - که خداوند، آنان را به طاعتش موفق بدارد - بر اجتماع قلوبشان در وفای به عهدی باشند، که بر عهده - آنان است، از آنان، مبارکی دیدار ما به تأخیر نمی‌افتد، و هر آینه، سرعت می‌گرفت برای آنان، سعادت دیدار ما با شناخت و معرفت حقیقی و تصدیق آنان نسبت به ما. پس چیزی ما را از آنان منع نکرده، مگر آنچه به ما می‌رسد از آنچه کراهت داریم ما [= کردار ناپسند مردم].

۲. دیدار ظاهری امام، نعمتی بسیار ارزشمند است و یکی از الطاف خداوند مهربان، توفیق دیدار و شرف - یابی به خدمت حجت حق و ولی خدا است؛ ولی اگر بنابر مصالح و شرایطی، لازم شد امام غایب شود و طلب دیدار، به حادثه نامطلوبی منجر شود و برای مثال، خطری را متوجه امام یا فرد خواهان دیدار بکند، آیا باز نیز چنین دیداری می‌تواند لطف الهی باشد؟ باید توجه داشت که خداوند، الطاف بی‌کران خود را بنابر مصالح و شرایط، بر مردم فرو می‌ریزد. به عبارت دیگر، باید زمان و موقعیت مناسب برای هر نعمت فراهم باشد.

۳. در روایت، دیدار، به صورت کلی و مطلق نفی نشده است؛ بلکه با توجه دقیق به متن روایت، روشن می‌شود که «مدعی مشاهده»، آن هم با توجه به شرایطی، دروغگو و افترا زننده است؛ بنابراین، ممکن است دیدارهایی نیز رخ بدهد و یکی از الطاف خدا (دیدار امام تحقق یابد).

۴. تکذیب مدعی مشاهده، در مواردی، عین لطف است، تا کسی نتواند با ادعای دروغین مشاهده و دیدار، دیگران را بفریبد و آنان را متوجه خود کند و به نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دگانی باز کند و حرف‌های خود را از جانب امام به مردم بگوید.

زیارت آن عزیز، امری است که نه تنها ممکن است؛ بلکه واقع شده و انسان‌های وارسته و عالم و حتی انسان‌های عادی نیز به این فیض عظیم، نائل گردیده‌اند که داستان‌های آن‌ها در کتب معتبر نیز آمده است و علمای بزرگ ما، در طول تاریخ، به این امر تصریح کرده‌اند. مرحوم شیخ صدوق و شیخ طوسی که از علمای قدیم ما هستند، در کتاب‌های خود، کمال الدین و تمام النعمه و الغیبه بابی را گشوده‌اند درباره افرادی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیده‌اند.

۵۱. آیا می‌توان به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نامه نوشت؟ چه شرایطی باید رعایت شود؟

نامه یا به اصطلاح عریضه نویسی، یکی از راه‌های توسل و بیان حاجت به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یا هر امام دیگر است. در نحوه عریضه نویسی بیان شده است که حاجت خود را در کاغذی نوشته و آن را در چاه پاک یا آب جاری بیندازید (فرقی نمی‌کند چاه کجا باشد). افراد با این روش، حاجت خود را به امام بیان می‌کنند و امام، با احاطه و علم فراوانی که دارد از خواسته‌های آنان مطلع می‌شود؛ همان گونه که هنگام زیارت یا بعد از نماز یا هر وقت دیگر، هر حاجتی به طور شفاهی از امام می‌خواهیم، اطلاع می‌یابد و حتی اگر از قلب خویش بگذرانیم، امام (علیه السلام) اطلاع می‌یابد. پس گفتن شفاهی یا نوشتن کتبی فرقی نمی‌کند و امام در هر صورت اطلاع می‌یابد. و نوشتن نامه یکی دیگر از راه‌های بیان حاجت است.

با توجه به آموزش‌هایی که امامان معصوم (علیهم السلام) برای رُقعہ نویسی به پیروان خود داده‌اند و همچنین نامه‌ها و عریضه‌هایی که برای امامان بزرگوار (علیهم السلام) توسط شیعیان نوشته شده است، عریضه باید شامل دو بخش عمده توفیقی و اختیاری باشد: منظور از بخش توفیقی، محتوایی است که از ناحیه امامان معصوم (علیهم السلام) به نوشتن آن امر شده است و شیعیان، در همه عریضه‌های خود، استفاده کرده‌اند. این قسمت، غالباً شامل اذکار و اسمای الهی و توصیف و مدح و ثنای حضرت حق و کلماتی برای توجه و توسل به حضرات معصومان (علیهم السلام) و ذکر اسامی مبارک آن‌ها است. شیعیان، هم می‌توانند برای این قسمت، با

قلم خود، خداوند متعال را بستانند و به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) متوسل شوند و هم می‌توانند از مدح و ثنایی که در ادعیه معصومان (علیهم السلام) وارد شده یا عریضه‌های مختلفی که بزرگان دینی نگاشته‌اند، استفاده کنند.

بخش اختیاری عریضه، شامل مطالبی است که نویسنده عریضه برای عرض حاجت شخصی، بیان حالات و راز و نیاز با خداوند متعال و امامان (علیهم السلام) به انتخاب و قلم خود می‌نویسد.

تذکر این نکته لازم است که در جامعه اسلامی، همچنان که بر فرهنگ گفت‌وگو با خدا و امامان معصوم (علیهم السلام) تبلیغ و تاکید می‌شود، لازم است بر فرهنگ نوشتن نیز تاکید گردد و سعی شود نوشتن نیز مانند گفتن، جایگاه خاص خود را پیدا نماید. این مسأله به خصوص برای نسل جوان، امری ضروری است تا با استفاده از ابزار مقدس نوشتن؛ یعنی قلم، مأنوس شده و راه دومی را برای ارتباط‌های معنوی با خدا و امامان (علیهم السلام) برای خود تعریف نمایند.

برای دعا، شرایط و مقدماتی ذکر شده است که رعایت کردن آن‌ها برای استجابت دعا لازم و ضروری است. از آن‌جا که نوشتن عریضه، نوعی دعا و نیایش است، رعایت آداب دعا، هنگام نوشتن عریضه نیز لازم است. علاوه بر این، در بعضی حالات و مکان‌های خاص به نوشتن عریضه توصیه شده است که رعایت ادب آن زمان‌ها و مکان‌های مقدس، علاوه بر آداب دعا باید مورد توجه قرار گیرد. بعضی از آداب دعا کردن و عریضه نویسی به شرح زیر است:

۱. خلوص نیت؛

۲. وضو داشتن و خواندن دو رکعت نماز؛

۳. روزه گرفتن روز پنجشنبه و نوشتن عریضه در صبح روز جمعه؛

۴. انداخته عریضه، در حالی که انسان رو به قلبه ایستاده است؛

۵. در حال انداختن عریضه، نواب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را صدا بزند؛

۶. در حالی که رُقع را به دست دارد بکا (گریه) یا تباکی (حالت گریه به خود گرفتن) کند؛

۷. در حالی که رُقع را به دست دارد، دست‌های خود را به سوی آسمان بگشاید و مشغول دعا و مناجات با خداوند متعال شود.

معمولاً برای نوشتن عریضه، باید از مقدس‌ترین مکان‌ها و معنوی‌ترین زمان‌ها بهره گرفت؛ چرا که استفاده از دو عنصر مکان و زمان در استجابت دعاها و تاثیر گذاری آن‌ها توصیه شده است، برای مثال:

۱. در جلد ۹۹ بحار الانوار، ص ۲۴۴ روایت هفتم، توصیه شده است عریضه روز جمعه نوشته شود.

۲. در جلد ۹۹ بحار الانوار، ص ۲۳۶، روایت سوم توصیه شده است عریضه نزدیک طلوع خورشید نوشته و در چاه انداخته شود.

۳. در جلد ۹۹، ص ۲۴۰، روایت ششم توصیه شده است نوشتن عریضه بعد از ادای نماز شب یعنی در سحر باشد.

۵۲. آیا شخصی که گناه کرده است، می‌تواند با امام زمان (علیه السلام) ارتباط داشته باشد؟

خداوند بزرگ، راه برگشت را به روی هیچ کس نبسته است. هر کس توبه کند و از گناه دست بکشد و به راه صحیح باز گردد، قطعاً مشمول رحمت حق قرار می‌گیرد. خداوند، در آیات متعدّد، به این مطلب اشاره دارد؛ مانند:

«قل یا عبادي اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمۃ الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم»؛ بگو ای بندگان من که بر خود، اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا، همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او، بسیار آمرزنده و مهربان است.

امام معصوم و حجت خداوند که تجلّی رحمت بی‌انتهای الهی است نیز با آغوش باز، فرد توبه‌کننده را می‌پذیرد. نمونه زیبای آن، حرکت حرّ بن یزید ریاحی در صبح روز عاشورا به سمت خیمه‌گاه حسینی و پذیرش وی از سوی امام حسین (علیه السلام) است.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز چنین است و طبق حدیث شریف لوح که کلام خداوند است، یکی از ویژگی‌های امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رحمت بر عالمیان ذکر شده است:

...إني لم أبعث نبياً فأكملت أيامه و انقضت مدته الا جعلت له وصياً... ثم أكمل ذلك بابنه رحمه للعالمين؛ به درستی که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آن که وقتی ایامش کامل و مدتش سپری شد، برای او وصی‌ای قرار دادم... سپس کامل کردم آن [سلسله اوصیا را به فرزندش] = فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) [رحمت بر عالمیان]....

بنابراین، برگشت گناهکار از راه اشتباه و پذیرش وی در بارگاه ربوبی و نزد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امری مسلم است.

این که سؤال شد: «آیا می‌تواند ارتباط داشته باشد؟ باید دید منظور از ارتباط چیست؟ اگر مراد، این است که بتواند حضرت را ببیند، در پاسخ باید گفت، امکان دیدار به صورت کلی نفی نشده است؛ بنابراین ممکن است حتی گناهکاری نیز حضرت را ببیند؛ هر چند نشناسد.

اگر مراد، ارتباط قلبی است، به این معنا که فرد، احساس بکند به حضرت نزدیک است و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او توجه دارد، در پاسخ باید گفت، امامان بزرگوار (علیهم السلام) که تجلی رحمت خداوند هستند، همیشه به احوال مردم و شیعیان نظر دارند و به یاد آنان هستند و خواهان سعادت و نیک بختی آنانند. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در توقیعی به مرحوم شیخ مفید می‌فرماید:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم؛ ما، هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم. لذا هر فرد معتقد به امام (علیه السلام) حتی شیعه گناهکار، مورد توجه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. حال اگر از گناه پشیمان شد و برگشت، حتماً مورد پذیرش قرار می‌گیرد و حضرت به او توجه بیشتری می‌کند. او می‌تواند و باید یقین داشته باشد که می‌تواند با امام، درد دل کند و یقیناً، حضرت کلام او را می‌شنود و آنچه به خیر و صلاح او است، در حق او انجام می‌دهد.

۵۳. عشق و محبت دو سویه درباره‌ی ما و امامان (علیهم السلام) چگونه است؟

روابط انسان‌ها، انواع مختلف دارد. برخی از رابطه‌ها، اعتباری و قراردادی است و تنها برای حل مشکلات و سهولت در امور زندگی ایجاد شده است. رابطه یک مسئول و افراد زیردست او این گونه است؛ یعنی امری قراردادی است و از نظر وجودی، در ذات طرفین تأثیری ندارد. به عبارت دیگر، فردی که رئیس یک اداره یا مؤسسه می‌شود، این عنوان بر واقعیت وجودی و مایه‌های درونی‌اش، چیزی نمی‌افزاید. حتی گاه، جای طرفین در این رابطه عوض می‌شود و رئیس، زیردست و زیردست، رئیس می‌گردد.

گاه، رابطه، واقعی و تکوینی است و قرار داد دو طرف، هیچ تأثیری در آن ندارد. این نوع رابطه، تحت اختیار و انتخاب دو طرف نیست؛ بلکه رابطه‌ای وجودی است که سهم وافر از حقیقت و واقعیت دارد. رابطه بین پدر و مادر و فرزندان، از این قبیل است؛ یعنی در تکوین ریشه دارد و منشأ آثار بسیاری مانند محبت و علاقه و ظهور عواطف و احساسات است. این گونه رابطه‌های حقیقی، سرچشمه بسیاری از زیبایی‌ها و خلاقیت‌ها و صفات عالی انسانی و خدایی است. دختری که شاید در منزل پدر چندان احساس مسؤولیتی نداشته باشد و بسیاری اوقات، خود را میهمان دائمی خانواده تصور کند، پس از ازدواج، هنگامی که در نیمه شب، صدای گریه نوزاد دل‌بندش را می‌شنود، سراسیمه از خواب می‌پرد و سختی بی‌خوابی را از یاد برد.

رابطه میان انسان و خالق هستی، از نوع رابطه‌های اصیل و استوار است و در اعماق جان و فطرت، ریشه دارد و بر قلب و روح انسان، خیمه زده است. اساس این رابطه، شوق خالق متعال به مخلوق و احتیاج بنده ضعیف به خدای غنی و عزیز است.

در حدیث قدسی آمده است:

لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لماتوا شوقاً؛ اگر کسانی که [به من] پشت کرده‌اند می‌دانستند چقدر مشتاق آنان هستم، از شدت شوق، جان می‌سپردند.

البته رابطه خداوند و همهٔ بندگان، یکسان نیست و در برخی موارد، قوی‌تر و محکم‌تر است؛ یعنی خداوند، به بندگان که بیش از دیگران، آداب بندگی و رسم تقوا و عبودیت را مراعات می‌کنند، لطف و عنایت دارد؛ با آن که لطف او، گسترده و فراگیر است و همه مخلوقات، زیر چتر لطف و رحمت او قرار دارند. رابطه اولیای خداوند و پیروان و شیعیان آنان نیز سایه‌ای از همان رابطه عمیق بندگان و خداوند است. این رابطه معنوی و استوار، برای کسانی که از چارچوب این رابطه بیرون هستند، به خوبی قابل درک نیست.

در فرهنگ شیعه، رابطه امام معصوم و شیعیان، ازلی است و عمقی به ژرفای دریا، لطافتی به نرمی نسیم بهار و ثمری به شیرینی شهد بهشت دارد. در حدیثی از حضرت صادق (علیه السلام)، می‌خوانیم:

رحم الله شیعتنا! خلقوا من فاضل طینتنا و عجنوا بماء ولایتنا، یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا؛ خداوند، شیعیان ما را مورد رحمت خویش قرار دهد! آنان، از زیادی سرشت ما خلق شده‌اند و با آب ولایت ما عجین گشته‌اند. در شادی ما، شاد و در اندوه ما، غمناکند.

این رابطه، رابطه‌ای بس عمیق و دقیق است که روح امامان (علیهم السلام) را به روح شیعیانشان پیوند می‌زند؛ به گونه‌ای که غم و شادی هر کدام، در دیگری اثر می‌گذارد. یکی از شیعیان حضرت علی (علیه السلام) به نام «رمیله» چنین می‌گوید: من، دچار تبی شدید شدم. هنگامی که از شدت آن کاسته شد، غسل کردم و برای رسیدن به ثواب نماز جمعه و درک فضیلت نماز با مولایم علی (علیه السلام) به مسجد آمدم. زمانی که حضرت به منبر شتافت و مشغول سخنرانی شد، دوباره تبم شدت یافت. بعد از نماز، به دیدار علی (علیه السلام) رفتم. حضرت، علت بیماری و ناراحتی‌ام را پرسید و من توضیح دادم. حضرت فرمود: ای رمیله! هر مؤمنی که بیمار می‌شود، ما نیز بیمار می‌شویم و حزن و اندوه او، ما را محزون و غمناک می‌سازد و هر دعایی که می‌کند، ما به دنبال آن «آمین» می‌گوییم و اگر دعا نکند، ما برایش دعا می‌کنیم.

این ارتباط مقدس و عمیق، ارواح اولیای الهی و شیعیانشان را به منزله روح واحد قرار می‌دهد و چنان آنان را به هم می‌پیوندد که ابوبصیر، از یاران حضرت صادق (علیه السلام) می‌گوید:

در مجلسی از حضرت پرسیدم: «گاهی بدون علت خاص، دچار غم و غصه یا سرور و خوشحالی می‌شوم؛ علت چیست؟» حضرت در پاسخ فرمود:

«انّ ذلک لحزن و فرح یصل الیکم منّا إذا دخل علینا حزن او سرور کان ذلک داخلاً علیکم لأنّنا و انتم من نور الله عزّوجلّ»؛ این حزن و شادی که گاه سراغ شما می‌آید، اثر آن غم و سروری است که در ما ایجاد می‌شود؛ و چون ما و شما، هر دو از نور خداوند متعال خلق شده‌ایم، این حالات ما، در شما نیز اثر می‌گذارد.

بنابراین می‌توان گفت هنگامی که ما به یاد اولیای الهی و عظمت و بزرگواری آنان می‌افتم یا مصیبت‌ها و غم‌های آنان را به یاد می‌آوریم و قلبمان متوجه آنان می‌شود و دریای دل‌مان به موج می‌افتد و آسمان قلبمان ابری می‌شود و چشممان از گوهرهای پربهای اشک، سرشار می‌گردد، در اثر همان پیوند شدید روحی میان ما و آنان است. در واقع، عنایت و مهر آنان را به ما نشان می‌دهد؛ یعنی، با لطف و توجه آنان، آن رابطه عمیق که شاید مورد غفلت ما قرار گرفته و قدری مخفی شده است، دوباره خود را آشکار می‌سازد و حالات ما واکنشی برابر لطف و عنایت و فقیرنوازی آنان است.

البته باید زمینه این لطف و عنایت را خود فراهم سازیم و با شخم‌زدن زمین سخت دل، موقعیتی مناسب برای رشد بذر محبت آنان

پدید آوریم، تا این بذر به درختی تناور تبدیل گردد، به بار نشیند، میوه‌های شیرین محبت و ولایت و اطاعت به ما ارزانی دارد. آنچه لطیف‌تر است، این است که یاد شدن ما توسط حضرت، فقط مربوط به زمانی نیست که ما به یاد آن بزرگوار هستیم؛ بلکه حتی زمانی که از آن حضرت غافلیم، باز آن عزیز، به یاد ما است و آنچه به خیر و صلاح است، در حق ما انجام می‌دهد؛ همان گونه که در نامه‌ای فرمود:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم؛ ما، رعایت امور شما را مهمل نگذاشته‌ایم و یاد شما را فراموش نکرده‌ایم. این کلام حضرت هم شامل زمانی است که ما به یاد آن بزرگوار هستیم و هم زمانی را در برمی‌گیرد که ما از او غافل هستیم.

آخرالزمان

آخرالزمان ۵۴- آخرالزمان یعنی چه؟ آیا ما در آخرالزمان هستیم؟

الف. اصطلاح «آخرالزمان» در گفتارهای ادیان آسمانی و روایات اسلامی مطرح شده است و مراد از آن، روز پایانی عمر دنیا (معنای لغوی) نیست؛ بلکه مراد از آن، دوره زمانی ویژه‌ای است که به گونه‌ای معنای آخر بودن را دارد. اصطلاح آخرالزمان به سه دوره اطلاق شده است:

۱. دوره پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) که از بعثت آن حضرت تا قیامت را شامل می‌شود. در این صورت، آخرالزمان، به این معنا است که بعد از آن بزرگوار، پیامبر و شریعت دیگری نخواهد آمد و این دوره، دوره آخرین شریعت است.

۲. دوره غیبت و سال‌های پیش از ظهور که آخرالزمان طبق این معنا، پایان دوره ظلم‌ها و فسادها و حکومت‌های غیر الهی است و با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همه مظاهر شرک و ظلم و فساد از بین می‌رود.

۳. دوران ظهور و زمان تشکیل دولت عدل الهی که این حاکمیت، تا آخر عمر دنیا برقرار می‌ماند و دیگر از بین نمی‌رود. در روایتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دختر بزرگوارش فرمود:

إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض ... فبعث الله عزوجل عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين ... يفتح حصون الضلالة ... يقوم بالدين في آخر الزمان؛ وقتی دنیا هرج و مرج شود و فتنه‌ها آشکار گردد و راه‌ها بسته شود و عده‌ای، عده دیگر را فریب دهند، خداوند کسی را که دژهای گمراهی را فتح می‌کند، برمی‌انگیزد و او، در آخرالزمان، دین را برپا می‌کند.

ب. با مراجعه به روایات، معلوم می‌شود یکی از معانی آخرالزمان، دوران غیبت امام دوازدهم (علیه السلام) است؛ به ویژه سال‌های پیش از ظهور آن حضرت که فتنه‌ها و مشکلات، به اوج خود می‌رسد.

از روایات فراوانی که از قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان خبر می‌دهد، نیز روایاتی که در وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۴ و بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۵ و مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۶۷ آمده است، می‌توان این نکته را فهمید. در روایتی، با صراحت، به دوران غیبت اشاره شده است:

يا علي اعجب الناس ايماناً و اعظمهم يقيناً قوم يکونون في آخرالزمان لم يلحقوا النبي و حجب عنهم الحجة فآمنوا بسواد علي بياض؛ ای علی! عجیب‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، گروهی هستند که در آخرالزمان هستند، پیامبر را ندیده‌اند، امام آنان نیز در غیبت است و آنان به نوشته‌ای ایمان می‌آورند.

با توجه به این روایات می‌توان گفت روایاتی هم که نشانه‌های مختلفی برای آخرالزمان بیان کرده است، به دوران غیبت و ما قبل ظهور اشاره دارد؛ مانند روایتی که می‌فرماید: «در آخرالزمان، مردم، امر به معروف و نهی از منکر را ترک می‌کنند و اهل ریا می‌شوند و نماز و روزه‌شان ظاهری است.» یا «آخرالزمان، زمان بدی است. زنان، بی‌حجاب و بزک کرده ظاهر

می‌شوند».

بعضی از ویژگی‌های این دوره چنین است:

وضع حکومت‌ها: افراد، فاسد و ظالمند و حکومت‌ها، ضعیف، استبدادی، زودگذر و متزلزل هستند.

وضع دین: از اسلام و قرآن، فقط اسمی می‌ماند و مساجد، زیبا؛ اما بدون جمعیت است و مردم از دین خارج می‌شوند.

وضع اخلاق: عواطف انسانی ضعیف می‌شود و ترحم به یک دیگر وجود ندارد. انواع فسادهای اخلاقی، علنی و بدون نهی و جلوگیری در جامعه انجام می‌شود.

وضع امنیت: ترس و اضطراب، فراگیر و راه‌ها ناامن است. جنایت‌های هولناک صورت می‌گیرد و مردم، آرزوی مرگ می‌کنند. مرگ‌های ناگهانی، زلزله، جنگ، فتنه، بیماری و مرگ زیاد می‌شود.

وضع اقتصاد: باران و محصولات کشاورزی کم می‌گردد و رودها و چشمه‌ها خشک می‌شوند. گرانی، فقر، گرسنگی و عدم رونق تجارت و بازار، غوغا می‌کند.

ج. چون در روایات، دوران غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «آخرالزمان» نامید شده است، می‌توان گفت ما در آخرالزمان هستیم؛ به ویژه این که بعضی از علائم یاد شده، در زمان ما وجود دارد؛ اما اگر کسی منظور از آخرالزمان را فقط چند سال پیش از ظهور حضرت در نظر بگیرد، چون وقت ظهور مشخص نیست، نمی‌توان گفت در آخرالزمان هستیم یا نه. البته چون امر ظهور، به عملکرد و خواست مردم نیز بستگی دارد - بدین معنا که هر زمان آنان آماده ظهور بودند، ظهور تحقق می‌یابد - هر زمان می‌تواند آخرالزمان باشد و زمان ظهور فرا برسد.

۵۵. مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در آخرالزمان و پیش از ظهور چیست؟

درباره مفهوم و چستی فراگیری ظلم و ستم، دو دیدگاه اصلی و مهم مطرح است:

۱. فراگیری ظلم و ستم به معنای غالبیت: طبق این دیدگاه، در آستانه ظهور، ظلم و ستم در جهان غالب شده و چهره جهان، چهره ظلم و ستم خواهد بود. البته همراه غالبیت ظلم و ستم، صلاح و رستگاری نیز میان مردم مطرح می‌باشد. نکته قابل ذکر این که در روایات از فراگیری ظلم و ستم خبر داده شده است نه فراگیری ظالم و ستمگر. با این نگاه، اگر در جهان یک ظالم باشد و از او ظلم‌های متعدد و متنوع سرزند و بقیه مردم، مظلوم و ستم‌دیده باشند، باز «ملت ظالماً و جوراً» (پرشدن زمین از ستم و جور) تحقق پیدا خواهد کرد.

۲. فراگیری ظلم و ستم به معنای کامل و تمام؛ این عده قائلند فراگیری ظلم و ستم در جهان به طور کامل و تمام صورت می‌پذیرد و جهان، به صورت یکپارچه پر از ظلم و ستم خواهد شد و از صلاح و رستگاری هیچ خبری نیست.

البته دیدگاه صحیح همان دیدگاه اول است.

اینک به نمونه‌هایی از روایات که به ظلم و جور قبل از ظهور اشاره دارند، اشاره می‌کنیم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

لا تقوم الساعة حتى يملك رجل من اهل بيتي، يواطى اسمه اسمي، يملأ الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً؛ قیامت، برپا نمی‌شود، تا این که مردی از اهل بیت من حکومت کند، نام او هم نام من است. ...

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

...الحادی عشر من ولدی، هو المهدی الذی یملأ الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً؛ یازدهمین از فرزندان من، مهدی است؛ کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:

لولم یبق من الدنیا الیوم واحد لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یخرج رجل من ولدی فیملأها عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را طولانی کند، تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند، پس از آن که از ستم و بی‌داد پر شده باشد.

از مجموع روایات موجود، نوعی همسانی میان واژگان عدل و داد و ظلم و جور دیده می‌شود؛ یعنی همان طور که در جامعه بعد از ظهور، عدل و داد فراگیر و همه جانبه می‌شود، در جامعه پیش از ظهور نیز ظلم و جور فراگیر و همه جانبه خواهد شد؛ نه این که همه ظالم باشند.

در نگاه ابتدایی و بدون تعمق، چنین برداشت می‌شود که فراگیری ظلم و ستم، پیش زمینه و از شرایط تحقق ظهور عدل و داد توسط امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و تا شرط، تحقق نیابد، تحقق مشروط محال است؛ پس برای تحقق مشروط که همان جامعه مهدوی و عدالت مهدوی است، باید به دنبال تحقق پیش زمینه‌های آن رفت که همان فراگیر شدن ظلم و جور است، با نگاه ژرف و دقیق معلوم خواهد شد اصل این نظریه و تفکر، غلط و حاکی از سوء برداشت یا عدم اطلاع کافی از فرهنگ و تعالیم روح بخش اسلام است. اثبات این مدعا بدین گونه است:

الف. فراگیری ظلم و ستم شرط ظهور نیست: با مراجعه به احادیث و روایات مهدویت، این مطلب به خوبی روشن می‌شود که در هیچ یک از آن‌ها فراگیری ظلم و ستم، شرطی از شرایط ظهور دانسته نشده است؛ بلکه فراگیری ظلم و ستم، در واقع به نوعی، نهایت آمادگی و احساس نیاز شدید مردم به منجی را می‌رساند.

ب. فراگیری ظلم و ستم از علائم حتمی ظهور نیست: نشانه یک پدیده، همانند آینه و ابزاری است که به وسیله آن، می‌توان آن را شناخت؛ ولی در تحقق آن پدیده تأثیر گذار نیست. علائم و نشانه‌های ظهور نیز به حتمی و غیر حتمی تقسیم شده‌اند و فراگیری ظلم و ستم پیش از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از علائم ظهور نمی‌باشد.

از سوی دیگر، طبق روایات، یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیش از ظهور حضرت، در آن جامعه رشد کرده، تربیت یافته و در زمان ظهور حضرت در رکاب حضرت به جان‌فشانی می‌پردازند؛ پس بی‌شک، جامعه‌ای که توان پرورش و تربیت یاران آن چنانی را داشته باشد، باید در آن، زمینه‌ها و بستر مناسب نیز وجود داشته باشد. معلوم است این تربیت و پرورش قهری نیست؛ بلکه در سایه تلاش و زحمت و استفاده از بستر مناسب است که به این لیاقت می‌رسند. بر این اساس، اگر در جامعه عصر ظهور، ظلم و ستم، همه جای عالم را فرا گرفته باشد، بستر و زمینه‌های مناسب رشد و تربیت از بین خواهد رفت و دیگر پرورش یاران حضرت (علیه السلام) ممکن نخواهد بود.

نتیجه آن که فراگیری ظلم و ستم به معنای ظالم بودن همه نیست؛ بلکه عده‌ای به وسیله ظلم و زور می‌خواهند بر توده مردم مسلط شوند و در این میان، برخی انسان‌ها نیز در جاده صلاح گام برمی‌دارند و سعی می‌کنند خود و مردم را برای تحقق ظهور آماده کنند.

۵۶ در روایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است. چرا دینداری در آخرالزمان، سخت‌تر از زمان‌های دیگر است؟

برای سختی دینداری در آخرالزمان، به نکات مختلفی می‌توان اشاره کرد که مهم‌ترین آن‌ها، دو عامل زیر می‌تواند باشد:

الف. تشخیص وظیفه: وظیفه یک مسلمان معتقد، آن است که وظایف دینی خود را به خوبی بشناسد و به آن‌ها عمل کند. هنگام حضور ظاهری امام در جامعه و میان مردم، امر تشخیص وظیفه، راحت‌تر است؛ چرا که فرد به خدمت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رسد و کسب تکلیف می‌کند؛ ولی در زمان غیبت، این امر نیز به صورت کامل، بر عهده خود شیعیان است. طبیعی است که وظیفه، دوچندان می‌شود و کار مشکل‌تر می‌گردد؛ چرا که خود تشخیص وظیفه، مسأله بسیار مهمی است

که امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد. البته امامان (علیهم السلام) شیعیان را به حال خود واگذار نکرده‌اند؛ بلکه از آنان خواسته‌اند که به عالمان و کارشناسان دین و اسلام شناسان فقیه مراجعه کنند و برای تشخیص وظیفه، از آنان مدد جویند. در توقیعی که از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شده است، حضرت می‌فرماید:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا؛ فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ و اما حوادثی که واقع می‌شود، پس در آن‌ها به راویان حدیث ما (علما و فقهای اسلام - شناس) رجوع کنید که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنان هستم.

بنابراین، یکی از مشکلات دینداری، تشخیص وظیفه صحیح است.

ب. ظواهر فریبده دنیای امروز: شاید به جرأت بتوان گفت، عامل اصلی و مهم - تر در سختی دینداری در دوره آخرالزمان، وضعیت فرهنگی دنیای مادی است. غول - های ارتباط جمعی و رسانه - ای از یک طرف به شدت با اسلام درگیر شده - اند و با انواع تخریب - ها و تحریف - ها و سیاه - نمایی - ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطنت - آمیز واقعیت - ها را تحریف و تخریب می - کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می - شوند و گاه از دین خود شرمند می - شوند. از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبده و زیبا جلوه می - دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می - کنند؛ به گونه - ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان بکنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می - شود که برخی همه چیز را به فراموشی می - سپرند و حتی انسانیت را نیز زیر پا قرار می - دهند و سخن از حیوان مدرن می - گویند و معتقد می - شوند که انسان، یکی از اقسام حیوانات است نه بیشتر. روشن است با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.

البته هرچند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است، پاداش انسان - های متدین و دین - مدار نیز افزون است. در روایتی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «به زودی گروهی بعد از شما می - آیند که یک نفر از آنان، اجر پنجاه نفر از شما [صحابه] را دارد». اصحاب گفتند: «یا رسول الله! ما با تو در بدر و اُحد و حُنین شرکت داشتیم و قرآن، میان ما نازل شد». پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «اگر آنچه آنان تحمّل می - کنند بر شما وارد می - شد، مانند صبر آنان، صبر نمی کردید».

مؤمنان آخرالزمان، به فرموده امیر مؤمنان، در کارها و فداکاری - های نیک و بزرگ مسلمانان صدر اسلام شریکند. اینان، کسانی هستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، آنان را برادر خود خوانده و دیدار آنان را آرزو کرده است. افرادی هستند که خداوند، آنان را اولیای خود خوانده و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حق آنان فرموده است: «خوشا به حال صابران در غیبت که اینان، حزب - الله هستند».

۵۷. معنای این جمله چیست که می - گویند: «هنگام ظهور، از اسلام و قرآن، چیزی جز نام باقی نمانده است؟

منظور از این که در پیش از زمان ظهور، از اسلام و قرآن، جز اسمی نمی - ماند این است که مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن، دور می - شوند. این دور شدن، به چند شکل اتفاق می‌افتد.

۱. توجّه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام: مردم، به جای آن که به دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش می‌دهند؛ امّا هرگز برای ترجمه و تفسیر و فهم پیام قرآن، زمانی را اختصاص نمی‌دهند. چنین افرادی، جز اسمی از قرآن نمی‌دانند و نزد آنان، قرآن، همان صداهای زیبا است. یا تمام همت افراد، نوشتن قرآن به خط - های زیبا و چاپ انواع قرآن در خط - ها و اندازه - ها و رنگ - های مختلف است؛ اما در معنا - ی قرآن، فکر نمی‌کنند. نزد این گروه، قرآن جز خطی خوش نیست.

۲. تفسیر به رأی توسط افراد غیر متخصص و گم‌شدن هدف اصلی قرآن: به قدری معانی مختلف و برداشت‌های غیر معقول از قرآن عرضه شود و به قدری اختلاف قرائت‌ها و تکثرگرایی‌ها رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن، بین مردم گم شود و کسی نداند منظور خداوند، از نزول فلان آیه یا سوره یا کل قرآن و اسلام، چیست. در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند؛ زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد. علاوه بر این که این تعابیر، حالت غالبی دارد؛ یعنی، غالب مسلمانان از حقیقت اسلام و قرآن، فاصله می‌گیرند؛ ولی در همان حال، گروهی هستند که عمل به دستورهای قرآن و اهداف اسلام را در متن زندگی خود قرار می‌دهند؛ به ویژه شیعیان که تحت تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

۵۸- منظور از «آرماگدون» چیست؟

کلمه «هَرَمَجْدُن»؛ در اصل واژه‌ای است یونانی که بنا به تعریف واژه‌نامه‌های آمریکایی همچون فرهنگ «وبستر» به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخر الزمان است. همچنین این واژه، نام شهری در منطقه عمومی شام است که بنا بر آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، آن‌جا، جنگی عظیم رخ می‌دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می‌یابد. به عبارتی نبرد مذکور، مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد. حادثه شریف ظهور، حادثه‌ای بزرگ است و قدرت‌های بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می‌دهد، جهت داده و نقشه‌های نظامی خود را به شکلی سامان داده‌اند که آمادگی‌های لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند. این، در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه‌های این دولت‌ها نیز مردم خود را برای پیشباز این حادثه آماده می‌سازند. این مؤسسات دینی همراه رسانه‌های دیداری و شنیداری این دولت‌ها، از سال‌های دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی، به وقوع حادثه‌ای بزرگ در سرزمین شام توجه داده‌اند که به نبردی هسته‌ای خواهد انجامید. این مؤسسات، پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می‌خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن، از میلیون‌ها نظامی تشکیل یافته است، از عراق حرکت می‌کند و پس از گذشتن از رود فرات که در آن زمان، به خشکی گراییده است، به سوی قدس رهسپار می‌شود. اما نیروهای مؤمن به مسیح، راه این لشکر را سد کرده و همگی در «آرماگدون» با یکدیگر برخورد خواهند کرد. در این مکان است که درگیری اتفاق خواهد افتاد. صخره‌ها ذوب می‌شوند... دیوارها بر زمین فرو می‌غلطند... پوست تن انسان‌ها در حالی که ایستاده‌اند، ذوب شده و میلیون‌ها نفر از بین می‌روند... این، نبردی نهایی و هسته‌ای است. سپس مسیح برای بار دوم، از جایگاه بلند خود بر زمین فرود می‌آید و پس از چندی، زمام رهبری جهان را در دست گرفته و صلح جهانی را برقرار می‌کند. او، دولت صلح را بر زمین نو و زیر آسمانی تازه بنا می‌کند و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می‌سازد.

یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه «تلسن» که در اکتبر سال ۱۹۸۵م به نشر رسیده است، نشان می‌دهد در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون به سر می‌برند. این، در حالی است که ذکر مؤسسات دینی و ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی که به این مهم پرداخته‌اند، در این مجال میسر نیست.

مؤسسات دینی آمریکایی، این نکته را روشن ساخته‌اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد، بنا بر پیشگویی حرقیال در کتاب مقدس (فصل ۳۸ و ۳۹) از نظامیانی از عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می‌شوند. مدارس انجیلی در آمریکا، بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد... و این، واقعه‌ای بسیار نزدیک است، به تبلیغ این دیدگاه پرداخته‌اند....

به هر حال مؤسسات دینی انجیلی آمریکا و اروپا آنچه را روانشناسان گفته‌اند - اینکه بی‌گمان ایمان یک نفر به یک قضیه و پافشاری و ایمان او به لزوم به کرسی نشاندن آن، عهده‌دار به کرسی نشستن آن قضیه خواهد بود - در قضیه بازگشت دوباره مسیح

به زمین پس از حادثه آرماگدون، به کار بسته و به این گفته فائلد که بی گمان امکان تحقق هر نوع پیشگویی ابتدا به ایمان مردم به آن و به پافشاری آن‌ها بر ضرورت وقوع آن و همچنین به شمار نفرات آن‌ها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیشگویی را بر عهده دارند.

۵۹. درباره فیلم‌هایی که امریکایی‌ها (هالیوود) درباره تسخیر جهان می‌سازند و این که کسی می‌آید و جهان را به هم می‌ریزد توضیح دهید؟

از اوضاع و حوادث عمومی، می‌توان حدس زد که بشر، در آینده نزدیک، بر سر یک دو راهی بسیار حساس واقع خواهد شد؛ یا چشم‌بسته تسلیم مادی‌گرایی و قوانین حاکم بر طبیعت شود و یکسره به احکام الهی پشت پا زند یا توحید خالص را انتخاب کند و به قوانین و احکام الهی، برای اصلاح و علاج بحران‌های جهانی گردن نهد.

سیر تاریخ زندگی بشر - به‌ویژه در قرون اخیر - نشان داده است که تمایل عمومی انسان‌ها بر اساس حس فطری خدا جویی به سوی عدالت‌طلبی و حاکمیت قوانین و ارزش‌های انسانی و الهی در حرکت است. در این نوشتار، به تشریح این دو تفکر و اهداف آن می‌پردازیم.

۱. حاکمیت قدرت و علوم مادی

طرفداران این نظریه، چند دسته‌اند: گروهی معتقدند شر و فساد و بدبختی لازمه جدانشدنی زندگی بشر است؛ لذا هر چه زودتر باید به زندگی بشریت خاتمه داده شود. این گروه، برای تحقق این نظریه از قدرت‌های استثمارگر در جهت نابودی نهایی جهان حمایت می‌کند و به نهیلیست یا پوچ‌گرا معروف می‌باشد.

گروهی دیگر می‌گویند: با پیشرفت حیرت‌آور علوم و تکنیک و فراهم شدن سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی، جامعه بشری به نقطه انفجار نزدیک شده است و به زودی با دست خود، به زندگی خود خاتمه خواهد داد؛ لذا باید راه چاره‌ای اندیشید.

در این بیان، عده‌ای تنها راه را تشکیل یک حکومت واحد جهانی می‌دانند، تمام بشریت تحت یک نظام و سیستم مدیریتی واحد قرار گیرد و به اصطلاح، دهکده‌ای جهانی با یک رییس به وجود آید، تا دیگر تضاد منافع بین سران قدرت، باعث جنگ‌های تکنولوژیک نابود کننده نشود. در این باره تلاش قدرت‌های جهانی برای کسب سلطه برای اداره جهان بسیار چشمگیر است. پس از فروپاشی ابر قدرت شرق، هم اکنون غرب خود را قدرتی بلامانع برای رسیدن به ریاست جهان می‌پندارد و برای کسب این مقام، از انواع ابزارهای تبلیغاتی استفاده می‌کند.

قدرت‌های غربی، از طرفی با ایجاد یأس و ناامیدی از آینده جهان، بشریت را به لزوم داشتن یک پناهگاه و نقطه امید برای تسکین دلهره و ناآرامی‌های روانی متقاعد می‌سازند و از طرف دیگر، با در اختیار گرفتن ابزارهای تبلیغی و نفوذ در افکار عمومی جهان، تنها غرب را قادر به حل این مشکل جهانی معرفی می‌کنند.

آمریکا با کمک سرمایه‌داران صهیونیسم و با در دست داشتن بزرگ‌ترین مرکز فیلم سازی جهان (هالیوود)، سالانه حدود هفتصد فیلم تولید می‌کند و نزدیک به ۸۰ درصد شبکه‌ها و سینماهای جهانی را تغذیه رسانه‌ای می‌نماید. تمام این فیلم‌ها، در مسیر اهداف غرب برای حکومت بر جهان قرار گرفته است و پیوسته این هدف را دنبال می‌کند.

۲. حاکمیت احکام الهی و مدیریت انسان‌های موحد بر جهان

این نظریه که بر اساس پیشگویی‌های ادیان الهی ارائه شده و سیر تحول روحی در نوع بشر و گرایش به ارزش‌های انسانی و الهی در قرون اخیر، آن را به منزله یک نظریه و طرح قابل اجرا کرده است، تنها راه برای نجات بشریت را بازگشت به دین و احکام الهی می‌داند و معتقد است این مهم با تشکیل حکومت جهانی به دست رهبری الهی امکان پذیر خواهد بود. ادیان الهی، هر کدام بر اساس آموزه‌های خود، این نظریه را ارائه کرده‌اند. دین یهود، به رسالت و ظهور مسیح حقیقی برای نجات بشریت معتقد است.

مسیحیت نیز به بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام) به دنیا برای نجات بشریت معتقد است. دین اسلام، با ارائه کامل‌ترین برنامه با عنوان مهدویت و حکومت جهانی، تنها راه نجات انسان‌ها را برقراری حکومت واحد جهانی بر اساس احکام اسلام می‌داند. لازمه این طرح و نظریه دینی برای جهان، مبارزه با هر گونه استثمار، قدرت طلبی و بی‌عدالتی در جامعه جهانی است؛ لذا صاحبان قدرت جهانی به مقابله رو در رو با این تفکر الهی و دینی پرداخته‌اند و به صورت‌های گوناگون به تحریف مهدویت مشغول شده‌اند. یکی از راه‌های تحریف و تضعیف، ایجاد یأس و ناامیدی در مردم جهان از روحیه خداجویی و کارآمدی دین در زندگی است؛ نشان دادن آینده تاریک و ترسناک و القای این نکته که آموزه‌های ادیان هرگز نمی‌تواند مشکلات امروز و آینده جهان را برطرف کند و تنها نجات‌بخش جهان، قدرت و تفکر غرب است. این هدف با انواع فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری و ایجاد بحران‌ها و جنگ‌های مصنوعی در جهان به جوامع انسانی القا می‌شود. برای نمونه مواردی را ذکر می‌کنیم.

۱. فیلم «نوستر آداموس»: این فیلم، بر اساس پیشگویی‌های یک پزشک فرانسوی، ساخته شد؛ اما محتوای فیلم، مطابق اهداف غرب برای سلطه بلامنازع بر جهان، تهیه شده است. در این فیلم، نجات دهنده جهان (امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) با نام‌های «پادشاه وحشت»، «خدای جنگ بر ضد غرب»، «ضد مسیح بزرگ» معرفی می‌شود. آینده جهان، وحشتناک تلقی شده و تنها راه نجات را اتحاد با ابرقدرت غرب می‌داند. در نهایت، غرب را پیام‌آور صلح جهانی و اسلام و مسلمانان را ضد صلح و امنیت معرفی می‌کند. در این فیلم، درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است: «او، مردی خونریز و بی‌رحم است و با جنگ‌های خود، تعداد زیادی زنان را بیوه و بچه‌های یتیم بر جای می‌گذارد». آن حضرت را با لباس عربی نشان می‌دهد و در حالی که با فشار دادن یک کلید هر کار بخواهد، انجام می‌دهد، این مطلب را به بیننده القا می‌کند که «ما باید متحد شویم و مانع قیام او گردیم؛ زیرا چیزی جز مصیبت و ناامنی برای مردم جهان نمی‌آورد. باید مردم جهان از او متنفر شوند و از او فاصله بگیرند».

۲. فیلم «روز استقلال»: این فیلم محتوایی تخیلی دارد و آمریکا را نجات دهنده بشریت برابر حمله فضایی به زمین نشان می‌دهد. سرانجام با پیروزی نیروهای مدافع زمین در روز استقلال آمریکا، دشمن شکست می‌خورد و آمریکا بر سکوی نجات می‌ایستد.

۳. بازی کامپیوتری «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی»: در این فیلم، خلیج فارس - به ویژه ایران - را مرکز حرکت‌های تروریستی جهان می‌شمارد و آمریکا با حضور نظامی در منطقه، سردمدار مبارزه با این گونه حرکت‌ها می‌شود.

۴. کنفرانس تل آویو: در این کنفرانس، نظریه پردازان غربی در تحلیل انقلاب اسلامی ایران، اعتراف می‌کنند که شیعه دارای دو نگاه است: نگاه سرخ و نگاه سبز و معتقدند شیعه به اسم امام حسین (علیه السلام) قیام را شروع و به اسم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن را حفظ می‌کند. تصمیم نهایی در این کنفرانس، نشان دادن تصویری سیاه از انتظار سبز شیعه، به جهان است.

پس از این کنفرانس، کتاب‌ها و فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای زیادی برای این هدف تهیه و به جهان عرضه شد؛ مانند فیلم صهیون، فیلم آرماگدون و بازی‌های کامپیوتری ماتریکس، نفرین‌شدگان، سام ماجراجو، شیطان مقیم، بازگشت به قلعه ولفن‌اشتاین، دلتا فورس، قیام ملت‌ها و طوفان صحرا (حمله به عراق) و همچنین کتاب‌هایی نظیر: جنگ بعدی، اثر کاسپار واین برگر (وزیر دفاع سابق آمریکا)، زمین، سیاره بزرگ مرحوم، جهان نوینی در حال فرا رسیدن است، شما و سال ۲۰۰۰، چه بر سر ما می‌آید، آمادگی‌های فردی برای بحران سال ۲۰۰۰، تدارک جنگ بزرگ.

به طور خلاصه می‌توان سیاست‌های فیلم‌سازی آمریکا (هالیوود) را بر این اهداف استوار دانست:

۱. حاکم کردن تفکر لیبرالیسم و بی‌توجه نمودن جامعه انسانی به ارزش‌های دینی و الهی؛
۲. بحرانی جلوه دادن وضعیت سیاسی و مدیریتی جهان و القای نیاز جهان به یک حکومت و دهکده جهانی به ریاست غرب؛
۳. انحصاری کردن نجات بخشی جهان در راه کارهای ارائه شده توسط دکتربین غرب؛
۴. القای این نکته که آینده جهان، بسیار ترسناک و ناآرام خواهد بود و ساختن فیلم‌های تخیلی برای انجام این هدف؛

۵. مخالفت و مبارزه رو در رو با حرکت‌های عدالت‌طلبانه جهانی برضد استعمارگران غربی که در جهان شروع شده است (مانند افغانستان، عراق، بوسنی، ایران و...)؛...
۶. تهاجم و شیخون به فرهنگ‌ها و ارزش‌های دینی و دور کردن دین‌گرایان، خداپرستان و مسلمانان از توجه به ارزش‌های راستین الهی؛
۷. القای این که تنها راه حل بحران کنونی و آینده در تبعیت از سیاست‌های غربی و مدیریت جهان بر اساس قدرت علمی و تکنولوژی برتر است و این قدرت، فقط در اختیار غرب - به ویژه آمریکا - است.
۸. همسو و هماهنگ نشان دادن مجامع بین‌المللی (مانند سازمان ملل، تجارت جهانی، صلح جهانی، کنفرانس‌های جهانی و رسانه‌های جهانی) با دکرین غرب برای آینده جهان.

ظهور، علایم و شرایط آن

ظهور، علایم و شرایط آن ۶۰- اساس و بنیان حرکت و نهضت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آیا بر پایه معجزه است یا روندی عادی و طبیعی مانند انقلاب‌های دیگر جهان دارد؟

نهضت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد، الف: تفسیری اعجاز‌آمیز و مافوق طبیعی ب: تفسیری عادی و در چارچوب نوامیس طبیعت که از سوی خداوند، بر هستی حکم می‌راند.

بر اساس تفسیر نخست که گاه از آن، با عنوان «نظریه حصولی بودن ظهور» یاد می‌شود، نهضت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پدیده‌ای است که با اراده مستقیم الهی و به کمک عوامل غیبی آغاز می‌شود و به انجام می‌رسد و اقبال و ادبار مردم و نیز توجه و تلاش یا غفلت و سستی آن‌ها، هیچ تأثیری در تقدیم یا تأخیر این حادثه بزرگ ندارد. اما طبق دیدگاه دوم که با عنوان «نظریه تحصیلی بودن ظهور» شناخته می‌شود، حرکت جهانی آن حضرت، روالی عادی و طبیعی دارد و از این رو نیازمند فراهم شدن بسترها و شرایط، توسط توده مردم است. از میان این دو دیدگاه، دیدگاه دوم، به طریق صواب، نزدیک‌تر است؛ چرا که دیدگاه نخست، از اشکالات متعددی برخوردار است که در ادامه، پاره‌ای از آن‌ها را به اختصار خواهیم گفت:

۱. اعتقاد به اعجاز‌آمیز بودن نهضت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اعتقادی بر خلاف اصل و روال طبیعی است. اصولاً در جهان هستی که جهان اسباب و مسببات است، هیچ پدیده عادی ای را نمی‌توان نشان کرد که بدون اسباب و علل عادی، تحقق یافته باشد؛ برای نمونه، برای سیر شدن، باید غذا میل کرد و برای سیراب شدن باید آب نوشید. همچنان که برای تحصیل یک گیاه، باید دانه‌اش را کاشت و نهال آن را پرورش داد و آب و نور کافی را برایش فراهم کرد. این توقع که گرسنگی و تشنگی، بدون خوردن غذا و نوشیدن آب، بر طرف شود یا بدون فراهم کردن شرایط رشد یک نهال، آن نهال به بار نشیند، توقع بی‌جایی است؛ چرا که به تعبیر امام صادق (علیه السلام):

أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا؛ خداوند، ابا دارد از این که پدیده‌ها را جز به واسطه اسباب، تحقق بخشد.

بر این اساس، طبیعتاً نهضت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز مشمول همین قانون خواهد بود و اگر کسی مدعی باشد که این مهم، با دخالت عوامل فوق طبیعی و بدون فراهم شدن بسترهای عادی، شکل خواهد گرفت، باید بر مدعای خود دلیلی قاطع اقامه کند.

۲. این دیدگاه، با محتوای پاره‌ای از آیات قرآن کریم نیز ناسازگار است؛ برای نمونه آیه شریف «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»، به روشنی تغییر سرنوشت جوامع را از رهگذر تحولاتی می‌داند که می‌بایست در درون آن جوامع شکل گیرد. به تعبیر دیگر، سنت الهی بر این است که سرنوشت جوامع، نه با دخالت عوامل غیبی و نامرئی، که بر اساس شایستگی‌ها و لیاقت‌های خود

آن‌ها رقم بخورد. تغییری که در آخر الزمان به دست امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عالم انسانی تحقق خواهد یافت نیز مصداقی از آیه مورد اشاره است؛ از این رو، برای ایجاد چنین تحولی که از نظر وسعت و عمق، بی‌نظیر است، نباید منتظر دخالت عوامل فوق طبیعی نشست؛ بلکه می‌بایست در توده مردم، زمینه چنین تحولی شکل بگیرد.

۳. سومین اشکالی که به دیدگاه نخست وارد است این است که؛ اگر ما به اعجازی بودن حرکت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معتقد باشیم، برای این سؤال اساسی که چرا غیبت آن حضرت، صدها سال به طول انجامیده است، پاسخی نخواهیم داشت؛ چون اگر بنا است کار آن بزرگوار، به وسیله اعجاز به سامان برسد، بسیار منطقی است که بپرسیم چرا این اعجاز، صدها سال به تأخیر افتاده است؟! حال که قرار نیست برای ساخته شدن دنیایی سرشار از خوبی‌ها و تهی از رنج‌ها و حرمان‌ها، در مردم تحولی به وجود آید و به رشد و بلوغ برسند و این مهم، تنها به یک اشاره خداوند توانا و به امدادهای غیبی، شدنی است، چرا این اشاره خداوندی، قرن‌ها به تأخیر افتاده است و از همان نخست، کارها به سامان نرسید؟!!

دیدگاه دوم به سادگی به این سؤال پاسخ می‌دهد که اگر ظهور، فرایندی است عادی، برای تحققش نیز باید مردم مهیا شوند و شرایط و زمینه‌های آن را فراهم کنند و چون تاکنون چنین نکرده‌اند، ظهور نیز به تأخیر افتاده است.

از آنچه گذشت، روشن شد که دیدگاه درست، همان نظریه دوم است؛ البته تذکر این نکته ضروری است که عادی دانستن نهضت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). به معنای نفی امدادهای غیبی نیست؛ چرا که بی‌گمان، آن حضرت از آغاز تا سرانجام حرکت الهی خود، به وسیله امدادهای ویژه الهی، تأیید و مساعدت خواهند شد و این موضوع، از روایات متعددی به دست می‌آید. همچنان که نهضت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز پدیده‌ای کاملاً عادی و طبیعی به شمار می‌رود؛ با وجود آن که دست غیبی خداوند، همواره یاریگر آن بود. در آیه ۱۲۴ سوره آل عمران، آمده است:

...أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ؛ آیا این شما را کفایت نمی‌کند که خدا، سه هزار فرشته به یاری شما فرو فرستد؟

لزوم تأیید حرکت‌های الهی، توسط امدادهای غیبی و عوامل فوق طبیعی خود، یکی از قوانین حاکم بر هستی است. خداوند، اراده کرده است افراد یا اجتماعاتی را که با نیاتی زلال در مسیر کمال، گام بر می‌دارند، در شرایط بحرانی با نیروهای پیدا و پنهان خود یاری کند؛ از این رو نمی‌توان به استناد احادیثی که از تأیید شدن امام مهدی به وسیله فرشتگان و سایر نیروهای فوق طبیعی سخن می‌گویند، غیرعادی و معجزه‌آسا بودن نهضت آن حضرت را برداشت کرد؛ چرا که این احادیث، ناظر به موارد خاصی و جزئی‌اند. تفاوت، بسیار است میان این که نهضت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از اساس، معجزه‌گونه تفسیر کنیم یا این که معتقد باشیم جریان انقلاب جهانی آن حضرت، از روال عادی و طبیعی برخوردار است و امدادهای غیبی، در موارد خاص، آن را تأیید می‌کنند.

۶۱- مراد از شرایط ظهور چیست؟ با علایم ظهور چه تفاوتی دارد؟

خداوند، جهان هستی را بر پایه اسباب و مسببات آفریده است؛ بنابراین، برای پیدایش یک پدیده باید زمینه‌ها و اسباب آن فراهم آیند تا تحقق آن پدیده امکان پذیر گردد. آیات متعدد قرآن کریم که به نقش آفرینی اشیا در پیدایش یکدیگر اشاره دارد و روایت «ابی الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب؛ ابا دارد خداوند این که امور را جاری کند (به وجود آورد) مگر به واسطه اسبابش» که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است ناظر به این مطلب می‌باشند.

بر اساس آنچه گفته شد شرایط یک پدیده، به اموری گفته می‌شود که آن پدیده، به آن‌ها وابستگی وجودی دارد و تا آن‌ها نباشند، آن شیء به وجود نمی‌آید. طبق این تعریف، شرایط ظهور به اموری اطلاق می‌شود که امر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وجود آن‌ها وابسته بوده و تا آن‌ها محقق نشوند، ظهور رخ نخواهد داد. اما علایم ظهور، به اموری گفته می‌شود که

بیانگر نزدیکی امر ظهور می‌باشند و تحقق هر یک از آنها، نشانه نزدیک‌تر شدن فرج و ظهور امام عصر (علیه السلام) است. با توجه به تعریفی که از شرایط و علایم ظهور ارائه شد، تفاوت‌هایی که بین این دو موضوع وجود دارد نیز روشن می‌شود. تفاوت اصلی و اساسی این است که وابستگی ظهور به شرایط، یک ارتباط و وابستگی وجودی تام و حقیقی است؛ ولی علایم برای ظهور، فقط حالت کاشفیت دارند. البته کنار این اختلاف، می‌توان به تفاوت‌های دیگر نیز اشاره کرد؛ از جمله:

نشانه‌های ظهور، به صورت پراکنده و جدا از هم می‌تواند رخ دهند و در نهایت، ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حادث شود؛ ولی شرایط باید با هم و کنار یک‌دیگر، تحقق یافته و موجود باشند، تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند. به علت عدم ارتباط وجودی بین علایم با ظهور، امکان دارد یک علامت یا برخی از علایم اتفاق نیفتند یا در یک زمان حادث شوند و پایان پذیرند و بعد از آن ظهور واقع شود؛ ولی برای تحقق ظهور، باید همه شرایط (با هم) موجود باشند؛ لذا در صورت نبودن حتی یک شرط، ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محقق نمی‌شود. این، به علت رابطه وجودی بین شرط و مشروط (ظهور) است.

علایم، چون حالت نشانه بودن را دارند، لذا ممکن است یک علامت، بعد از ظهور (مثلاً روز بعد) اتفاق بیفتد؛ ولی شرایط، باید پیش از ظهور موجود باشند.

تحقق یک علامت، در صورت وجود قرائن و شواهد قطعی، قابل شناسایی است؛ ولی پیدایش برخی شرایط برای افراد و اشخاص، قابل شناسایی و تشخیص نیست، برای نمونه آیا یاران فداکار که از جمله شرایط است به اندازه کافی موجود هستند؟

۶۲- برای آن که ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع شود، چه شرایطی باید موجود باشند؟
مراد از شرایط یک انقلاب که ظهور و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمونه کامل و بارز آن است، اموری است که پدیده انقلاب به آنها وابستگی وجودی دارد و تحقق آن، متوقف و مشروط به وجود این امور است. برای انقلاب جهانی و بزرگ امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند هر انقلاب دیگر، چهار شرط متصور و لازم است:
الف. قانون جامع

یک انقلاب، برای درهم‌شکستن وضع موجود و برقراری وضع مطلوب، به دو نوع برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه برای نابودی وضع موجود (دوران انقلاب)؛

۲. قانون مناسب برای حرکت جامعه به طرف وضعیت مطلوب و رسیدن به حالت آرمانی (دوران تثبیت).

قیام جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز این دو نوع برنامه را لازم دارد. برنامه آن حضرت در قسمت اول، بر اساس روایات، پس از دعوت به راستی، حرکت مسلحانه تا نابودی کامل شرک و کفر و فساد است. به عبارت دقیق‌تر، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، ابتدا مردم را دعوت به دین حق و امامت خویش می‌کند و اگر کسی مخالفت کرد و خواست به راه شرک و کفر و تباهی ادامه دهد، حضرت با وی مقابله می‌کند. این روش بر گرفته از قرآن است.

برنامه حضرت در بخش دوم نیز بر اساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر است. قانونی که از طرف خالق و پروردگار انسان فرستاده شده و تضمین‌کننده سعادت دنیایی و آخرتی او است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیانی فرمود:

سیره و سنت او، سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند.

ب. رهبری

شرط دیگر برای پیدایش یک انقلاب، وجود رهبر و پیشوایی آگاه و توانمند، شجاع و قاطع، دلسوز و فداکار است، تا با آشنایی کامل از اهداف و برنامه‌ها، امکانات و زمینه‌ها، موانع و مشکلات، با مدیریتی صحیح و هوشمندانه، حرکت انقلاب را رهبری کند و تا آخرین نفس ادامه دهد.

انقلاب عظیم امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز دارای این شرط است. رهبر این انقلاب، بزرگ مردی از دودمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سلسله نورانی امامت است که در دامان ولایت پرورش یافته و وارث علوم انبیا و آگاه به قرآن و معارف دین است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیانی فرمود:

«منا - والذی نفسی بیده - مهدی هذه الامه الذی یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ مهدی این امت از ما است، کسی که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده است».

ج. یاران

شرط دیگر یک انقلاب، وجود یارانی فداکار است که با آشنایی با رهبر و برنامه‌ها و اهداف او و اعتقاد راسخ به آن‌ها، تا آخرین لحظه، از رهبر و انقلاب دست برندارند و آماده هرگونه فداکاری باشند. قیام جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز به یارانی نیاز دارد که ضمن آشنایی و اعتقاد به امام و دین، تا آخرین لحظه فداکاری کنند.

از امام جواد (علیه السلام) ضمن حدیثی نقل شده است:

اصحاب او [= حضرت مهدی (علیه السلام)] به سوی او اجتماع می‌کنند که ۳۱۳ نفرند، به تعداد اهل بدر، از نقاط مختلف زمین... وقتی این عده جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می‌کند و چون عقد کامل شد - که ده هزار نفرند - به اذن خدا خروج می‌کند

د. آماگی و پذیرش عمومی

یکی دیگر از شرایط یک انقلاب و تحقق آن، پذیرش مردمی است. باید مردم خواستار تغییر حاکمیت و وضع موجود بوده و رهبر انقلاب و برنامه‌های او را واقعاً پذیرا باشند. در غیر این صورت، حرکت انقلاب به سرانجام مطلوب نخواهد رسید.

انقلاب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز این شرط را لازم دارد. مردم باید به حدی از رشد و آگاهی رسیده باشند که پذیرای حرکت اصلاحی و قیام بزرگ منجی عالم بشریت باشند، تا هنگام قیام، او را پذیرفته و برای تحقق اهداف و برنامه‌های او همکاری کنند. تاریخ، نمونه‌های متعددی را از آمادگی و عدم آمادگی مردم در سینه خود انباشته است؛ برای نمونه اعلام آمادگی مردم مدینه در هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن شهر و استقرار حکومت اسلامی نقش اساسی داشت. نیز خواست عمومی مردم مدینه و شهرهای دیگر که در مدینه اجتماع کرده بودند، حکومت عدل گستر امام علی (علیه السلام) را در پی داشت. همچنین عدم همراهی عموم مردم با امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و شهادت آن دو امام بزرگوار، توسط دشمنان اسلام.

۶۳- با توجه به این که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نمی‌کند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسان‌ها به آماده‌سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟

برخی بر این باورند که بین فراوانی ظلم و ستم با ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، رابطه‌ای تمام وجود دارد؛ به گونه‌ای که ظهور، زمانی است که ظلم و ستم فراگیر شده باشد؛ پس هر چه ظلم بیشتر شود، ظهور نزدیک‌تر می‌گردد؛ لذا حق‌طلبی و اصلاح، امری برخلاف ظهور و جریانی مخالف فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ در حالی که فراوانی ظلم و ستم، نه یکی از علایم ظهور است (با توجه به روایات علایم ظهور) و نه یکی از شرایط آن (با توجه به بحث شرایط ظهور). نهایت حرفی که می‌توان زد، این است که ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با فراگیری ظلم و ستم، مقارن است؛ بنابراین، شرط قرار دادن ظلم برای ظهور، امر صحیحی نیست. برای درک کامل مطلب، توجه به چند نکته لازم است:

الف. این که بین سرنوشت انسان‌ها و اعمال اختیاری آنان رابطه است، جای هیچ تردیدی نیست. هم آدمی وجود این رابطه را در زندگی خود مشاهده می‌کند و هم در قرآن کریم بر این مطلب تأکید شده است. قرآن، هم آینده‌هر شخص را در دست خودش می‌داند و هم سرنوشت جامعه را با خواست و عملکرد مردم پیوند زده است؛ یعنی تعیین سرنوشت خوب یا بد جامعه، در

دست مردمان آن جامعه است. اسلام، از انسان می‌خواهد دربارهٔ مسائل اجتماعی ساکت نباشد و برابر ظلم و ستم، تا برقراری عدالت بایستد و حتی در این راه، به پیکار و مبارزه برخیزد؛ و کوتاهی در این باره را نمی‌پذیرد و مؤاخذه می‌کند. بر همین اساس، امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات دین شمرده شده است و خداوند به اجرای این دو فریضه بزرگ، امر کرده است.

ب. به طور کلی، هیچ‌گاه یک آموزه دین نمی‌تواند برخلاف سایر آموزه‌های دین باشد، وگرنه این، خود نشانه باطل بودن آن دین است؛ لذا یکی از ویژگی‌های قرآن، عدم اختلاف در آن است؛ از این رو، معنا ندارد خداوند در آیات متعدد، مردم را به توبه و ترک گناه امر کند و جایی دیگر، برای تحقق وعده خدا (ظهور حق و حجت خدا) به گناه امر نماید. در دین که به توحید و یکتاپرستی امر شده است، معنا ندارد بخشی از دین، شرک را تأیید کند و بپذیرد.

ج. پرشدن زمین از ظلم و ستم، هرگز به معنای آن نیست که همه افراد باید اهل ظلم و فساد باشند و همه اعمال و کردارشان، بر اساس ظلم و ستم به یکدیگر و فساد کردن جامعه باشد؛ بلکه ممکن است عده‌ای ظلم کنند و ظلم آنان، نقاط فراوانی از زمین را بگیرد و همه جا گسترده شود. آیا برای آن که یک اتاق، سرشار از دود سیگار شود، باید همه افراد داخل اتاق سیگار بکشند؟ علاوه بر این که فراگیری ظلم، امری نسبی و کنایی است و مراد از آن، شیوع ظلم است؛ به گونه‌ای که جریان عدالت به چشم نمی‌آید، نه این که هیچ عدالتی نباشد.

د. در این که قیام حضرت، بدون یار و یاور تحقق‌پذیر نیست، نباید تردید کرد. آیات و روایات نیز به وجود یاوران اشاره دارد. یاری کردن، یعنی حرکت برای اجرای برنامه‌ها و اهداف انقلاب و تبلیغ آن‌ها میان مردم. یاوران، مردم را با انقلاب آشنا و همراه می‌کنند و در حین انقلاب، انواع فداکاری‌ها را انجام می‌دهند و بعد از انقلاب، از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کنند. چنین افرادی، وقتی می‌توانند موفق باشند که خود را همرنگ انقلاب و رهبر آن کرده باشند، تا مردم جلوه‌های انقلاب را در رفتار آنان ببینند و بپذیرند. آیا حرکت در مسیر گناه و ظلم، مردم را به طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سوق می‌دهد؟ بر همین اساس، خداوند بر ایمان و عمل صالح تکیه دارد:

«ما در زبور، بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح من ارث می‌برند». جای دیگر می‌گوید:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که خلافت زمین را به آنان واگذارد». ...

شرط تحقق انقلاب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که ایمان و عمل صالح در پرونده افراد باشد، تا انقلاب رخ دهد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «کونوا دعاة الناس بغير ألسنتكم؛ دعوت کننده مردم باشید به وسیله غیر زبانتان». امام صادق (علیه السلام) فرمود: «برای ما زینت باشید، نه مایه آبروریزی». آیا گناه و ظلم، دعوت به مهدی و مایه زینت و افتخار امامان (علیهم السلام) است؟

ه. وظیفه انسان، حرکت به سوی کمال و کسب آن از طریق عبودیت و بندگی است. عبودیت و بندگی نیز جز در پرتو عمل به تکالیف الهی که وظایف فردی و اجتماعی انسان را در بردارد، امکان‌پذیر نیست. خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»؛ تنها کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و یک‌دیگر را به حق و راستی سفارش بکنند، از خسران و ضرر به دورند.

خداوند، از انسان می‌خواهد در گناه نماند و به سوی او رجوع کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! توبه کنید، توبه‌ای خالص.

کوتاه سخن آن که خداوند، انسان را در تعیین سرنوشت خود و جامعه، دارای تأثیر می‌داند و از او می‌خواهد برای اصلاح گام بردارد و خسته نشود. در چنین نگرشی، وعده ظهور را مطرح می‌کند. بنابراین انتظار منجی، به معنای صحیح آن، نه سکوت و تن دادن به ظلم است و نه کمک به فراگیر شدن ظلم؛ بلکه باید خواستار ظهور باشد و در این راه، تمام تلاش خود را به کار گیرد و اگر در این مسیر، به تشکیلات و حکومتی نیاز است که حرکت برای زمینه‌سازی را سامان دهد، برای تشکیل آن اقدام کند. طبیعی است ظالمان و مفسدان نیز بی‌کار نخواهند نشست و به مقابله بر می‌خیزند؛ لذا جبهه ظلم، در نهایت درجه ظلم حرکت می‌کند و جبهه حق، به اوج تلاش می‌رسد. در این زمان است که خداوند، به مدد انسان‌های حق طلب می‌آید و با ظهور مهدی عزیز (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کار ظالمان را یکسره می‌کند.

۶۴- آیا با توجه به شرایط کنونی جهان، زمینه‌ها و شرایط برای ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آماده است؟
بیان شد که برای تحقق امر فرج حضرت ولی عصر (علیه السلام) باید دست کم چهار شرط فراهم باشد، تا خداوند اذن ظهور را صادر فرماید. دو شرط از شروط چهارگانه تحقق یافته است. دین مقدس اسلام که دربردارنده طرح و برنامه حرکتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، بر وجود مقدس پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد. همچنین وجود مقدس امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که رهبر قیام بزرگ جهانی است، در سال ۲۵۵۵ ق به دنیا آمد.

اما تشخیص این که آیا سایر شرایط فراهم شده و جهان، آماده پذیرش و ظهور حضرت هست، امری مشکل و به بیان دقیق‌تر، از دسترس علم بشری بیرون است. حقیقتاً، ما نمی‌دانیم که شمار یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کامل شده است یا نه؟ ما در شرایط کنونی جهان، امیدوار ظهور و نجات مظلومان هستیم؛ ولی نمی‌دانیم آیا مردم، به راستی آمادگی پذیرش حضرت و عدل فراگیر او را دارند و در راه اعتلای دین و برقراری احکام نورانی آن، حاضر به همکاری و فداکاری هستند یا نه؟ به نظر می‌آید اظهار نظر قطعی در این باره، صحیح نباشد.

گفتنی است آنچه برای ما بسیار مهم و کاربردی است، شناخت وظیفه و حرکت صحیح در جاده انتظار است. ما باید کردار خود را اصلاح کنیم و در وفای به عهده‌ای که با خدا بسته‌ایم، ثابت قدم باشیم. حضرت در نامه خود به شیخ مفید نوشته است:
اگر شیعیان ما، در اجتماع به وفای عهد خود پایدار باشند، ظهور به تأخیر نمی‌افتد.

نیز برای ظهورش دعای فراوان، بکنیم؛ چرا که آن حضرت فرمود:
«فاکثروا الدعاء بتعجیل الفرج؛ برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید».

۶۵- دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کنند؟

شاید بتوان در یک جمله گفت که مردم باید با همه وجود، خواستار و پذیرای منجی باشند. توضیح آن که:

۱. مردم باید بفهمند برپایی عدالت واقعی و امتیت و آرامش برای همگان و ایجاد سعادت برای جامعه انسانی و نجات بشریت از تباهی و نابودی، از عهده مکاتب و ایسم‌های بشری و حکومت‌های غیر الهی خارج است و فقط در سایه دین و رهبری آسمانی، می‌توان صبح روشنی را برای بشریت به انتظار نشست.

۲. علاوه بر معرفت، مردم واقعاً باید خواستار عدالت باشند و حاضر باشند برای برپایی عدالت تلاش و کوشش کنند. آنان باید بدانند که خداوند سرنوشت انسان‌ها را به نوع اختیارشان مرتبط کرده و فرموده است:

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم»؛ به درستی که خداوند، آنچه را برای قومی است تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان خودشان را تغییر دهند.

در ابتدای سوره مائده، آیات ۲۰ - ۲۶ به یکی از حوادث مربوط به قوم بنی‌اسرائیل در این زمینه اشاره می‌کند. وقتی حضرت موسی (علیه السلام) به بیان نعمات الهی پرداخت و به آنان فرمود: «خداوند ارض مقدس را برای شما نوشته است. بجنگید که به

پیروزی می‌آید. قوم او حاضر به تلاش و جنگ نشدند. حضرت موسی (علیه السلام) هم، چنین دعا کرد: «خدایا! میان من و برادرم با قوم فاسق، جدایی بینداز». خداوند هم فرمود: «سکونت در این شهر، چهل سال برای آنان حرام شد». بنابراین، مردم دنیا باید خواستار واقعی حضرت و عدالت گستره او باشند و حق و عدالت و بهره‌وری از منافع و مواهب دنیا را برای همه بخواهند و در راه مبارزه با ظلم و پیاده کردن عدالت، تا آخر بایستند. در این صورت است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می‌کند.

۶۶- به نظر شما، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمدنی است یا آوردنی؟

پاسخ به این پرسش که تقدیر مهدوی و رهایی بشر از بن‌بست جهانی، آیا خارج از اختیار آدمی قرار دارد یا آن که در حیطه اراده و جامعه انسانی است، منوط به پرسش از اراده انسانی و نقش آن در سرنوشت فردی و اجتماعی انسان است. به این معنا که آیا انسان در تعیین سرنوشت خود، دارای اختیار و آزادی است یا نمی‌تواند دخالتی در آن داشته باشد؟ آنچه از متن دین در باره اختیار و اراده آدمی به دست می‌آید، این است که انسان، بی‌شک، در زندگی فردی و اجتماعی خود، اختیار دارد. خداوند می‌فرماید:

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم»؛ خداوند، سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان، آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.

اراده الهی با خواست انسان همراه است. البته شکی نیست که در فرایند رفتاری انسان، علم و آگاهی خود انسان به خوبی یا بدی عمل، همین طور اختیارات دیگر انسان‌ها در جامعه و همین طور مسایل خانوادگی و نوع تربیتی که در گذشته انسان درباره او اعمال شده است، همه و همه، در نوع گزینش آدمی اثرگذار است؛ ولی در نهایت، این انسان است که پس از بررسی‌های اجمالی یا تفصیلی و مطالعات ذهنی یا فطری و بالاخره با توجهی آگاهانه یا ناخودآگاهانه در نهایت امر، دست به گزینش می‌زند.

حال که تا حدی معلوم شد نقش اراده انسانی در زندگی فردی یا جمعی او چیست، پاسخ به این پرسش نیز آسان خواهد بود که «آیا مهدویت را باید عینیت بخشید یا باید دست روی دست گذاشته با انتظاری مخرب و ویرانگر، چشم به راه ماند تا خود مسأله موعود، عینیت پیدا بکند؟ باید گفت، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امامی آوردنی است؛ همان‌طور که امام زمان، حقیقتی آمدنی و ظهور یافتنی است. از این رو که تا زمانی که شرایط برای جنبش جهانی فراهم نشود، او هرگز ظهور نخواهد کرد. در این بین، ما انسان‌ها مسؤولیت آماده‌سازی جنبش مهدوی را داریم، تا با کسب معرفت درباره امام و دوره مهدوی، و با آگاهی‌دهی به جامعه انسانی برای ایجاد بستر توحیدی لازم، اراده جمعی و فردی خود را به کار بگیریم. امام، آوردنی است؛ چرا که این بخش از مقدمات، بی‌شک در اختیار ما انسان‌ها نهاده شده است و بلکه از ما خواسته شده است در این راه گام برداریم و هرگز سستی و کاهلی از خود نشان ندهیم؛ اما این که به حکم ضرورت، مسأله مهدویت در زندگی انسانی براساس حکمت الهی، نهاده شده و امری است که به طراح نظام هستی باز می‌گردد و اختیار انسانی در آن نقشی ندارد، امام آمدنی است؛ یعنی پس از آن که تمام اراده‌های انسانی، دست به دست هم داد و مردم، از سر اضطرار و آمادگی، در جست‌وجوی آن مهدی موعود برآمدند، آن گاه خدای متعال، براساس حکمت و مصلحتی که همواره در کار نظام هستی و تدبیر الهی بوده است، اراده می‌فرماید و ظهور را رخصت می‌دهد.

البته شکی نیست که زمینه اذن ظهور از سوی خدای متعال، در اختیار انسانی است؛ ولی اصل اذن الهی، از اختیار آدمی بیرون است و باید دعا و ندبه کرد، تا خدای متعال امر به ظهور کند. بر اساس سنت قرآنی، هر گاه که اضطرار آدمی به غایت خود رسید، بدون تردید، اجابت الهی به دنبال آن خواهد آمد.

۶۷- چرا حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نمی‌کند؟ آیا مانع عمده ظهور، نبودن یاران صدیق است؟

همان گونه که یک رشته علل و عوامل باعث غیبت شد و مردم از نعمت وجود امام ظاهر، محروم شدند، همچنین ظهور امام نیز مشروط به تحقق زمینه‌ها و شرایط آن است و تا این شرایط فراهم نشود، ظهوری نخواهد بود. یکی از شرایط عمده، وجود یاورانی است که همراه امام، بار قیام را بر دوش بکشند و تا آخر، از همراهی و یاری رهبر خود دست برندارند و او را تنها نگذارند. سدید صیرفی در گفت‌وگویی با امام صادق (علیه السلام) درباره عدم قیام می‌گوید:

حضرت، مرا به خارج مدینه برد تا آن که وقت نماز، در محلی پیاده شدیم. امام صادق (علیه السلام) به جوانی که در آن نزدیکی بز می‌چراند، نگاهی کرد و فرمود: «ای سدید! به خدا قسم! اگر پیروان من، به تعداد این بزها بودند، بر جای نمی‌نشستم [و قیام می‌کردم] سدید گوید: بعد از تمام شدن نماز، حیوانات آن گله را شمردم و یافتم که عدد آن‌ها از هفده تجاوز نمی‌کند.

تحقق این شرط، لازم است؛ ولی کافی نیست؛ بلکه باید زمینه‌های دیگر نیز فراهم شود. از جمله آن شرایط، قابلیت مردم برای پذیرش دولت حق است، به این معنا که عموم مردم و جامعه بشری (نه گروهی خاص و در منطقه‌ای خاص) باید به درجه‌ای از معرفت برسند که دریابند حکومت‌ها و مکاتب ساخته بشر، جوابگوی نیاز مردم نیست و به وسیله این‌ها، سعادت و عدالت واقعی به بشر هدیه نمی‌شود.

خلاصه آن که مردم، خود باید ظهور عدالت را بخواهند و جهانیان را با زیبایی‌های دوران ظهور آشنا کنند و روحیه عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی را همه جا گسترش دهند. مرحوم خواجه طوسی، در کتاب تجرید الاعتقاد، علت غیبت امام را کوتاهی مردم می‌داند؛ چرا که اعمال و کردار مردم، باعث شد امام از میان مردم برود؛ بنابراین، مردم باید از راه غلطی که رفته‌اند، برگردند و امام را بخواهند، تا ظهور صورت گیرد؛ از همین رو، شیخ صدوق در مقدمه کتاب کمال الدین و تمام النعمه می‌گوید:

ظهور حجت‌های الهی در مقام پیشوایی خود، بر سبیل امکان و تدبیر، نسبت به مردم زمان خودشان است. اگر حال (مردم) طوری باشد که امام بتواند تدبیر و رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد - یعنی مردم حاضر باشند حرف او را بپذیرند، و او بتواند اراده خدا را پیاده کند - ظهور آن حجت، لازم خواهد بود و اگر وضع به گونه‌ای باشد که امام نتواند تدبیر در رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد و حکمت الهی، موجب پنهانی او گردد و تدبیر نیز آن را اقتضا کند، خداوند او را در پشت پرده غیبت، نهان می‌سازد، تا زمانی که وقت مناسب فرا رسد.

۶۸- انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی در امر قیام و ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است:

يُخْرِجُ نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ [يُمَهِّدُونَ] لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ گروهی از مردم از طرف مشرق خروج می‌کنند پس آماده می‌کنند برای مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومتش را.

هر انقلاب و نهضت، برای رسیدن به اهداف عالی خود، به مقدمات و آمادگی‌هایی نیاز دارد. اساساً به ثمر رسیدن هر پدیده و حرکت اجتماعی، به زمینه سازی و برنامه ریزی قبلی محتاج است. در غیر این صورت، آن رخداد و حرکت یا شروع نمی‌شود یا به پایان و نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

در این میان، روشن است هرچه آن انقلاب، بزرگ و گسترده‌تر باشد، اهمیت آمادگی و مقدمه‌چینی برای آن، بیشتر احساس می‌شود. دعوت و قیام جهانی و فراگیر حضرت ولی عصر (علیه السلام) نیز به زمینه‌ها و شرایطی نیاز دارد که بخشی از آن‌ها را افراد جامعه بشری آماده می‌کنند. این جا است که یک حکومت و انقلاب برخاسته از متن جامعه که بر احیای ارزش‌های فراموش شده مبتنی است و در راستای اهداف و شعارهای بلند حضرت بقیه الله الاعظم (علیه السلام) حرکت می‌کند، می‌تواند شرایط و زمینه را برای ظهور حضرت در جهات مختلف، مانند آمادگی روحی و روانی، آمادگی جسمانی و نظامی، بالا بردن سطح معرفت و شناخت نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ... ایجاد کند.

در این راستا، امام راحل، معمار بزرگ انقلاب و بنیانگذار این نظام الهی فرمود:

این کشوری که کشور امامان هدی و کشور صاحب الزمان (علیهم السلام) است، باید کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه دهد؛ قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را - ان شاء الله - به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد، جلوگیری کند.

نیز در جای دیگر می‌فرماید:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان (علیهم السلام) هموار می‌کنیم.

امام خمینی در بخشی دیگر، انقلاب ایران را شروع انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌داند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت (علیه السلام) است که خداوند، به همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

مقام معظم رهبری نیز فرمود:

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر (علیه السلام) همان طوری که با این انقلاب ما یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می‌تواند نزدیک‌تر شود؛ یعنی همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک‌تر کنند.

آن رهبر فرزانه - جایی دیگر - انقلاب را زمینه ساز حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌داند:

... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.

مقام معظم رهبری رابطه این دو انقلاب را به روشنی تبیین می‌فرماید:

انقلاب ما، در راه آن هدفی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر (علیه السلام) به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیده‌اند، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! بدانید - که بهتر از ما می‌دانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سر منزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر (علیه السلام) شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید. با این انقلاب که مانع را که همان دستگاه و نظام پلید در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موزی و آزار دهنده‌ای بود، این را کندید و قلع و قمع کردید.

آری؛ انقلاب اسلامی ایران، همچنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه ساز قیام و حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز است.

۶۹- هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ایران اسلامی ما، در چه شرایط و موقعیت اجتماعی است؟

با توجه به روایات، می‌توان شرایط ایران را تاحدودی این گونه ترسیم کرد: دانش و معارف دین اسلام و مکتب تشیع، از ایران و قم، به جهانیان صادر می‌شود؛ لذا موقعیت علمی ایران ممتاز است و اصلی‌ترین مرکز نشر مذهب اهل بیت (علیهم السلام) خواهد بود. در روایتی از وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

به زودی کوفه، از مؤمنان خالی می‌گردد و دانش، مانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود، از آن شهر رخت می‌بندد. سپس علم ظاهر می‌شود در شهری به نام قم. آن شهر، معدن علم و فضل می‌گردد [و از آن جا به سایر شهرها پخش

می‌شود؛] به گونه‌ای که در زمین، ناآگاهی در دین باقی نمی‌ماند، حتی زنان در خانه‌ها. این قضیه نزدیک ظهور قائم (علیه السلام) واقع می‌شود... علم، از قم به سایر شهرها در شرق و غرب پخش می‌شود و حجت بر جهانیان تمام می‌شود؛ به گونه‌ای که در تمام زمین، فردی پیدا نمی‌شود که دین و علم به او نرسیده باشد. بعد از آن، قائم (علیه السلام) قیام می‌کند و سبب انتقام خدا و غضب او بر بندگان [ظالم و معاند] می‌شود؛ زیرا خداوند، انتقام [و عذاب] بر بندگان را روا نمی‌دارد، مگر وقتی که حجت را انکار کنند.

در ایران خیزش و جنبشی بزرگ برای دعوت مردم به طرف دین، روی می‌دهد. از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است: «مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند. گروهی، گرد او اجتماع می‌کنند که مانند پاره‌های آهنند و بادهای تند [حوادث] نمی‌تواند آنان را از جای برکند. از جنگ خسته نمی‌شوند و کناره‌گیری نمی‌کنند و بر خدا توکل می‌کنند. سرانجام، پیروزی برای متقین و پرهیزکاران است».

شاید این حرکت، همان حرکتی است که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: گویا می‌بینم گروهی از مشرق زمین، خروج می‌کنند و طالب حق هستند؛ اما به آنان پاسخ داده نمی‌شود. مجدداً، بر خواسته خود تأکید می‌کنند؛ ولی جواب نمی‌شنوند. پس چون چنین دیدند، شمشیرها را به دوش می‌کشند و مقابل دشمن می‌ایستند، تا حق به آنان داده می‌شود، اما این بار قبول نمی‌کنند؛ بلکه قیام می‌کنند و نمی‌دهند آن را [= پرچم قیام را] مگر به صاحب شما [امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)]

۷۰. با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاح‌های مدرن، آیا جنگ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با شمشیر خواهد بود؟ این که سلاح حضرت و یارانش هنگام ظهور چه خواهد بود، امری است که حقیقت آن، برای ما روشن و آشکار نیست؛ چرا که سخن از آینده‌ای است که ترسیم صحیح و دقیقی از آن، برای ما قابل پیش‌بینی نیست؛ لذا تعیین و مشخص کردن نوع سلاح، امکان ندارد. البته در این میان، چند نکته قابل دقت و تأمل است:

الف. روایاتی که در آن‌ها به شمشیر اشاره شده است، لزوماً به معنای آن نیست که نوع سلاح حضرت، شمشیر است؛ بلکه معنای اولی و درست آن، این است که قیام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مسلحانه است. اگر مراد روایات، واقعاً شمشیر باشد، معنای دوم خواهد بود؛ یعنی علاوه بر این که قیام مسلحانه است، با شمشیر خواهد بود. این معنای دوم، البته محل تردید است.

ب. هر چند در دوران حضرت، علم شکوفا می‌شود و مردم به کمک آن، به درستی از مواهب الهی استفاده می‌کنند؛ این شکوفایی، لزوماً به معنای تأیید و تکمیل شکوفایی و پیشرفت صنعتی مردم در دوران غیبت نیست. به بیان دیگر، هر پیشرفتی، قابل پذیرش و ادامه نیست؛ از جمله پیشرفت در صنایع جنگی که روح حاکم بر آن، بر اساس تسلط بیشتر عده‌ای قلیل بر منافع طبیعی و عمومی دنیا و استثمار آن به نفع خود است. طبیعی است این پیشرفت، در نظام مهدوی که بر اساس صلح و عدالت است، جایی ندارد و حضرت نیز به استفاده از سلاح‌های مدرن و فوق مدرن نیازی ندارد.

ج. پیروزی در جنگ و غلبه بر دشمن، تنها با تکیه بر سلاح و ادوات جنگی نیست؛ بلکه درایت و فرماندهی درست نیز شرط است. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از درایت و فرماندهی خود که از علم الهی سرچشمه گرفته است، بهره می‌برد. همچنین آن حضرت، علاوه بر امدادهای غیبی و فرشتگان، به لشکر «رُعب» مجهز است و خداوند، وحشتی در دل دشمنان او می‌افکند که توان درست فکر کردن و درست بهره‌بردن از تجهیزات را از دست می‌دهند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در جنگ‌های بدر و احزاب، به این ابزارها مؤید بود.

د. نوع حرکت جنگی و ابزارها، به گونه‌ای است که فقط دشمنان نظامی را از پای در می‌آورد، نه آن که به مردم عادی آسیب برساند. به عبارت دیگر، عدالت رعایت شده و فقط کسانی که به جنگ برخاسته‌اند، کشته می‌شوند، نه آن که خوب و بد و

مردم غیرنظامی نیز به قتل برسند؛ چنان که در سلاح‌های متعارف امروزی، چنین است.

ه. آنچه از روایات استفاده می‌شود، این است که بین حضرت با دشمنان، جنگ و درگیری رخ می‌دهد و طرفین کشته می‌دهند؛ یعنی علاوه بر آن که لشکریان دشمن تار و مار می‌شوند، عده‌ای از یاران امام نیز به شهادت می‌رسند؛ بنابراین، نوع سلاح‌ها باید به گونه‌ای باشد که برای طرفین، استفاده جنگی از آن امکان پذیر باشد.

سخن آخر آن که بررسی سلاح، از مسایل مهم مهدویت نیست و لذا دانستن آن، اهمیت چندانی ندارد و کنکاش در آن نیز نتیجه چندانی نمی‌دهد.

۷۱- مراد از علایم ظهور چیست؟ نشانه‌های ظهور کدامند؟

«علامت» در لغت عرب، به معنای نشانه است؛ بنابراین منظور از علایم ظهور، نشانه‌هایی است که نزدیک شدن ظهور را خبر می‌دهند. با تحلیل ماهیت این علایم در می‌یابیم نشانه‌های ظهور، در مقایسه با ظهور رابطه سببی ندارند؛ یعنی این گونه نیست که به محض تحقق نشانه‌ها و علایم، بگوئیم ظهور حتماً تحقق خواهد یافت؛ بلکه تنها جنبه اعلام و کاشفیت دارند؛ یعنی تحقق آن‌ها کاشف از این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است.

علایم را از جهات مختلفی می‌توان تقسیم بندی کرد؛ از جمله:

۱. تقسم علایم به نشانه‌های عادی و علایم غیر عادی (معجزه آسا)؛

۲. تقسم علایم به نشانه‌های حتمی و غیر حتمی؛

۳. به لحاظ فاصله زمانی بین وقوع علامت و تحقق روز موعود، تقسیم علایم به نشانه‌های قریب (نزدیک) و بعید (دور).

آنچه بیشتر از ظاهر روایات به دست می‌آید تقسیم علایم به غیر حتمی و حتمی است. علایم غیر حتمی یا موقوف نشانه‌هایی است که رخ دادن آن‌ها قطعی نیست و ممکن است به دلیل عدم تحقق شرایط یا ایجاد مانع به وقوع نپیوندند؛ اما علایم حتمی، آن‌هایی است که رخ دادن آن‌ها حتمی و قطعی است.

در منابع و متون روایی، به بسیاری از رخداد‌های طبیعی و غیر طبیعی و دگرگونی‌های سیاسی و حوادث اجتماعی به عنوان نشانه‌های ظهور، اشاره شده است. بدیهی است روایات مربوط به این مسأله؛ مانند سایر مسائل دیگر، همه از جهت درستی و اعتبار، یکسان نیستند. بلکه میان این روایات، برخی از جهت سند غیر قابل اعتمادند و برخی هم از جهت مضمون و مطالبی که در آن مطرح شده، جای بحث و تأمل دارند؛ بنابراین، نمی‌توان به صرف دیدن یک روایت - بدون بررسی کارشناسانه از جهت سند و دلالت - به آن اعتماد کرده و آن را پذیرفت.

میان نشانه‌هایی که در احادیث، از آن‌ها به عنوان «علایم حتمی ظهور» نام برده شده است و دارای سند معتبر بوده و در مواردی، کنار یک‌دیگر از آن‌ها سخن به میان آمده است، علایم معروف و حتمی پنجگانه زیر است:

عن عمر بن حنظله: قال سمعت ابا عبد الله (عليه السلام) يقول: قبل قيام القائم خمس علامات محتومات: اليماني و السفیاني و الصیحه و قتل النفس الزكية و الخسف بالبيداء؛ عمر بن حنظله گوید: از امام صادق (عليه السلام) شنیدم که فرمود: پیش از قیام قائم (عليه السلام) پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه (آسمانی)، قتل نفس زکیه، فرو رفتن در (زمین) بیدا. اشاره کوتاه این که:

۱. خروج سفیانی: پیش از قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردی از نسل ابوسفیان، در منطقه شام، خروج می‌کند و با تصرف بخش‌هایی از سرزمین اسلام، برای یافتن و کشتن شیعیان جایزه تعیین می‌کند.

۲. خسف در بیدا: «خسف»، یعنی فرو رفتن و «بیدا» نام سرزمینی بین مدینه و مکه است. سفیانی که در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج می‌کند، هنگامی که از ظهور ایشان با خبر می‌شود سپاهی عظیم به مدینه و مکه می‌فرستد و

چون به سرزمین پیدا می‌رسند، خداوند آنان را در کام زمین فرو می‌برد و هلاک می‌شوند.

۳. خروج یمانی: سرداری از یمن قیام می‌کند و مردم را به حق و عدل دعوت می‌کند. خروج یمانی، اجمالاً از نشانه‌های ظهور است؛ هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی، روشن نیست.

۴. قتل نفس زکیه؛ نفس زکیه، یعنی انسان پاک و بی‌گناه. در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جوانی بی‌گناه، مظلومانه در مسجد الحرام به قتل می‌رسد.

۵. صیحه آسمانی: منظور از آن، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از آسمان به گوش می‌رسد و همه مردم آن را می‌شنوند. محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

ندا کننده ای از آسمان، نام قائم ما را ندا می‌کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می‌شنود.

البته در برخی روایات، به نشانه‌های دیگری نیز اشاره شده است؛ مانند خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن یا طلوع خورشید از مغرب.

۷۲- کدام یک از علایم ظهور واقع شده است؟

عده‌ای بر این باورند که بسیاری از علایم ظهور اتفاق افتاده است و فقط علایم حتمی نزدیک ظهور، باقی مانده است. به نظر می‌آید در این باره سخن قطعی و کاملی نمی‌توان گفت؛ زیرا منابع اصلی و قدیمی شیعه، معمولاً از نشانه‌های خاص و محدود نام برده‌اند و بسیاری از این نشانه‌هایی که به عنوان علایم اتفاق افتاده، مطرح می‌شوند یا اصولاً در این منابع ذکر نشده یا بسیار کم رنگ بیان شده است. این امر، نشانه آن است که اخباری که این گونه نشانه‌ها را بیان کرده‌اند، چندان مورد اعتنای علمای گذشته نبوده است. همچنین اسناد برخی از روایات، اشکال دارد و نقل آن‌ها در کتب روایی جامع؛ مانند بحارالانوار به دو علت می‌تواند باشد:

۱. حفظ اصل نقل‌ها برای تأمل و تدبیر دیگران درباره آن‌ها؛

۲. روشن شود که همه گروه‌ها - چه موافق و چه مخالف اهل بیت (علیهم السلام) - در اصل ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اتفاق نظر دارند. مرحوم مجلسی در ذیل روایتی می‌گوید:

این روایت را که متن آن تغییر یافته و اشتباه دارد و سند آن به بدترین خلق خدا؛ یعنی عمر بن سعد منتهی می‌شود، آوردم تا دانسته شود همه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قبول دارند.

در مواردی که سخن از یک علامت و فرج بعد از آن مطرح شده است، گویا مراد، ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست؛ بلکه یک گشایش و راحتی برای مؤمنان است. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

منتظر صدایی باشید که از طرف دمشق، ناگهان به شما می‌رسد. در آن، گشایش بزرگ برای شما خواهد بود.

در برخی روایات، سخن امام، به گونه‌ای است که خبر از یک اتفاق و واقعه می‌دهد، نه این که بخواهد آن واقعه را یکی از علایم ظهور معرفی کند؛ مانند وقوع گرمای شدید.

برخی نشانه‌ها و بیان‌ها، به گونه‌ای است که می‌تواند معنای دیگری غیر از معنای ظاهری داشته باشد. مانند طلوع خورشید از مغرب که شاید کنایه از ظهور حضرت از مکه باشد به علاوه معلوم نیست حادثه‌هایی که اتفاق افتاده است واقعاً همان نشانه‌ای باشد که در روایت ذکر شده است؛ بلکه شاید پدیده‌ای مشابه آن باشد.

بنابراین، این سؤال زمانی قابل پاسخ است که ما تطبیق را بپذیریم. مراد از تطبیق آن است که علامتی را با حادثه خارجی تطبیق داده و بگوییم این حادثه همان نشانه گفته شده در روایات است؛ اما باید توجه داشت که اولاً ما از لحاظ علم محدود می‌باشیم، و

نمی‌دانیم آیا واقعاً این حادثه، همان نشانه است یا نه، و ثانیاً بعضی از علامت‌ها، دارای سند معتبر و قابل قبولی نیست، تا خود نشانه را بپذیریم و بخواهیم از وقوع آن سخن بگوییم.

بله؛ اگر قراین و شواهد قطعی وجود داشته باشد، می‌توان گفت نشانه‌ای از نشانه‌ها واقع شده است و این، بسیار مشکل است. البته، باید توجه داشت که شباهت حادثه با یک علامت، این احتمال را ایجاد می‌کند که شاید این واقعه، همان علامت ظهور باشد؛ لذا حالت آمادگی را در فرد منتظر ایجاد می‌کند.

۷۳- آیا به نظر شما، نشانه‌های ظهور نزدیک است یا این، صرف تصوراتی است که ما داریم؟

با توجه به این که زمان ظهور مشخص نیست، زمان نشانه‌های مرتبط نزدیک به آن نیز مشخص نیست؛ بنابراین، سخن از نزدیکی یا دوری ظهور، امری پسندیده نیست.

البته عده‌ای با توجه به اوضاع و شرایط فعلی حاکم بر جهان، به این باور رسیده‌اند که دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، همان دوره آخرالزمان است که در روایات به آن اشاره شده است؛ زیرا برای آخرالزمان نشانه‌هایی گفته شده؛ مانند گسترش فساد و تفسیر دین بر اساس هوا و هوس و ... که این نشانه‌ها در دوره زمانی ما به وقوع پیوسته است. پس زمان کنونی، آخرالزمان است و ظهور نیز در این دوران محقق می‌شود. به علاوه، با وجود انقلاب اسلامی ایران و زنده شدن نام و یاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و معرفی آن حضرت به دنیا، آمادگی و اقبال مردم به پذیرش او، بیشتر شده و امید به ظهور هم فزون‌تر شده است.

به هر حال، ما در عین آن که باید به تعجیل در فرج امید داشته باشیم و آمادگی برای ظهور را در خود تقویت بکنیم، نباید فکر خود را متوجه اموری بکنیم که از محدوده علم ما فراتر است و راهی برای دسترسی به آن نداریم؛ لذا سخن از نزدیکی علایم، امری قابل قبول نیست.

۷۴- دجال کیست؟

دجال، از ریشه «دجل» به معنای «دروغگو و حيله‌گر» است اصل داستان دجال، در کتاب‌های مقدس مسیحیان آمده است در انجیل، این واژه، بارها به کار رفته است و از کسانی که منکر حضرت مسیح هستند یا «پدر و پسر» را انکار کنند، با عنوان «دجال» یاد شده است. به همین سبب، در ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی، واژه آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته شده است. اما در کتب روایی شیعه، تنها دو روایت در باره خروج دجال، در جایگاه یکی از علائم ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است که هیچ کدام از این دو روایت، از نظر سند، معتبر و قابل قبول نیست؛ بنابراین از نظر منابع شیعی دلیل معتبری بر این که خروج دجال یکی از علایم ظهور باشد، وجود ندارد؛ امّا در عین حال، با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنت آمده است، احتمال دارد اصل قضیه دجال، به طور اجمال، صحت داشته باشد؛ اما بدون تردید بسیاری از ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است، افسانه‌هایی بیش نیست. حال به فرض پذیرش، این سؤال مطرح است که مقصود از دجال چیست؟

دو احتمال اساسی در این باره وجود دارد:

۱. با توجه به معنای لغوی دجال مقصود از آن، نام شخص معینی نباشد؛ بلکه هر کس که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با تمسک به انواع اسباب حيله‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس، دجال‌ها متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن، سخن از دجال‌های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می‌کند. مانند: این حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمود:

«یکون قبل خروج الدجال ثیف علی سبعین رجلاً؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال، خروج خواهد کرد».

با توجه به این احتمال، قضیه دجال، نشانه این است که در آستانه انقلاب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) افراد فریب کار و حيله گری، برای نگهداشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار می گیرند و با تزویر و حيله گری، مردم را از اصالت و تحقق انقلاب جهانی منجی، دلسرد یا مردد می کنند.

این که در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجال بر حذر داشته است»؛ خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجال، هر شخص حيله گر و دروغگویی است که پیش از خروج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در صدد فریب مردم است.

۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. استکبار، با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی و صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند. بر این اساس این که پیامبران، امت های خود را از فتنه دجال بیم داده اند. به این معنا است که آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی بر حذر داشته اند؛ پس احتمال می رود، منظور از دجال - با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده است - همان استکبار جهانی باشد. در اوصاف دجال گفته شده: «کوهی از طعام و شهری از آب، همراه دارد». این، کنایه از امکانات عظیم و گسترده ای است که استکبار در اختیار دارد.

۷۵- خراسانی کیست؟

درباره شخصیت خراسانی و فرمانده نظامی او سؤال های زیادی مطرح شده است. ظاهر روایات مربوط به خراسانی که از طریق اهل سنت و همچنین در منابع متأخر شیعه وارد شده است. دلالت دارد بر این که آن شخص، از ذریه امام حسن مجتبی (علیه السلام) یا امام حسین (علیه السلام) است و از او با عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است.

اما بنا بر روایاتی که در منابع اصلی و اولی حدیث شیعه مانند غیبت نعمانی، کتاب غیبت طوسی و الارشاد مفید درباره این شخص وارد شده است، احتمال دارد او را یاور خراسانیان یا رهبر اهالی خراسان یا فرمانده لشکر خراسان تفسیر کرد؛ زیرا این روایات تعبیر به «خراسانی» کرده است. مجموعه قرائن موجود درباره شخصیت او دلالت دارد وی همزمان با خروج سفیانی و یمانی ظاهر می شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام می کند.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

خروج سفیانی و خراسانی و یمانی، در یک سال و یک ماه خواهد بود.

آنچه از روایات مربوط به وی به دست می آید، این است که او رهبری و هدایت حرکت بزرگ از طرف مشرق زمین را به عهده دارد.

البته بعضی از پژوهشگران مباحث مهدویت بر این باورند که عنوان خراسانی که میان نشانه های ظهور شهرت زیادی یافته، کمترین اخبار را به خود اختصاص داده و اثبات علمی نشانه بودن آن دشوار است.

۷۶- منظور از قتل نفس زکیه چیست؟

پس از آن که اراده خداوند بر ظهور حضرت قرار گرفت، بر اساس روایات، پانزده روز پیش از آن، شخصی در مسجد الحرام کشته می شود. قتل وی که به قتل نفس زکیه مشهور است، یکی از پنج علامت حتمی ظهور شمرده شده است.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

لیس بین قیام قائم آل محمد و بین قتل النفس الزکیه الا خمسۃ عشر لیلۃ ؛ ... بین قیام قائم و کشته شدن نفس زکیه، [فاصله] نخواهد بود، مگر پانزده شب.

از برخی روایات استفاده می‌شود این شخص، جوانی است از فرزندان پیامبر به نام محمد بن الحسن که گویا چون انسان پاک و وارسته‌ای بوده و بدون گناه کشته می‌شود، به نفس زکیه معروف شده است. وی در مسجد الحرام به شهادت می‌رسد. در فرازی از روایت امام باقر (علیه السلام) که درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آن بزرگوار نقل شده چنین آمده است:

و جوانی از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که نام او محمد بن حسن - نفس پاک - است بین رکن و مقام کشته می‌شود. درباره علت و کیفیت کشته شدن وی در روایتی از وجود مقدس امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده است:

[حضرت قائم] (عجل الله تعالی فرجه الشریف) [به اصحاب خود می‌گوید: «ای قوم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند؛ ولی من کسی را به سوی آنان می‌فرستم، تا برایشان اتمام حجت کند به آنچه سزاوار است، مانند من بر آن‌ها احتجاج کند». پس مردی از اصحاب خود را می‌خواهد، و به او می‌فرماید: «به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهل مکه! من فرستاده از طرف فلان [امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سوی شما، و او [امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌گوید به شما: «به درستی که ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم و ما از فرزندان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و از تبار و سلاله پیامبرانیم و به درستی که ما مورد ظلم و ستم واقع گردیده و مقهور شدیم. از زمانی که پیامبران از دنیا رفت، تا امروز، حق ما از ما گرفته شده است، پس اکنون ما شما را به یاری می‌طلبیم؛ پس یاری کنید».

چون آن جوان این کلام را بگوید، مردم به سوی او بروند و او را بین رکن و مقام ذبح کنند و او است نفس زکیه».

۷۷- درباره سید حسنی توضیح دهید.

درباره سید حسنی و خروج او، در اخبار، مطالبی وارد شده و این حسنی غیر آن است که هنگام ظهور امام (علیه السلام) در مکه کشته می‌شود و سر او را به شام می‌فرستند و غیر آن است که در شام با اموی می‌جنگد و سفیانی بر هر دو غالب می‌شود؛ بلکه حسنی، آن است که خروج او از بلاد شرق است و در کوفه با حضرت صاحب (علیه السلام) بیعت خواهد کرد.

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

و ظاهر شود سفیانی و یمانی و حرکت کند حسنی؛ آن‌گاه صاحب این امر خروج کند.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داخل کوفه می‌شود؛ در حالی که سه رایت [= پرچم] درباره او در اضطرابند در ما بین خود، پس صاف می‌شود برای او (یعنی آن سه تسلیم حضرت می‌شوند) پس می‌آید و بر منبر بالا می‌رود و خطبه می‌خواند و از شدت گریه، مردم نمی‌فهمند که او چه می‌گوید.

سپس فرمود:

«این است فرموده پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که: گویا می‌بینم حسنی و حسینی را و هر دو صاحب رایتند؛ پس حسنی رایت را تسلیم می‌کند، به حسینی [یعنی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)]». مراد از سه رایت، یکی همان حسنی است و دیگری خراسانی و یمانی اند.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

بعد خروج می‌کند حسنی؛ آن جوانمرد خوشرو، آن که به جانب دیلم صیحه می‌زند [یعنی دیالمه را دعوت می‌کند]، به صدای فصیح می‌گوید: «ای آل احمد! اجابت کنید غمگین محزون و نداکننده از اطراف ضریح را [یعنی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را که از مکه ندا کرده است]»، پس اجابت می‌کند او را گنج‌های طالقان، چه گنج‌هایی که نه از نقره است و نه از طلا؛ بلکه مردانی‌اند مانند پاره‌های آهن، بر اسب‌های ابلق سوار و حربه‌ها در دست و همواره ستمگران را می‌کشند تا وارد کوفه

می‌شوند. آن هنگام، بیشتر از زمین صاف شده، کوفه را قرارگاه خود می‌نماید. پس خبر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اصحاب او، به او می‌رسد [بعد از ورود آن حضرت به کوفه] پس اصحاب او می‌گویند: «یا بن رسول الله! کیست که به ساحت ما نازل شده است؟»

پس می‌گوید: «بیرون شویم به سوی او تا ببینیم او کیست و چه می‌طلبد. به خدا قسم! او خود می‌داند که او مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و او را می‌شناسد و از این سخن، غرضی ندارد جز این که او را به اصحاب خود بشناساند». پس حسنی با سپاه خود نزد او می‌آید و می‌گوید: «اگر تو مهدی آل محمدی، کجا است آثار جدت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عصا، انگشتر... و مصحف امیر المؤمنین (علیه السلام)؟»

آن حضرت همه را به او ارائه می‌دهد. حسنی، عصا را به دست می‌گیرد و او را در سنگ سختی فرو می‌برد؛ پس سبز می‌شود و برگ می‌آورد و غرضی ندارد جز این که به اصحاب خود فضل مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نشان دهد، تا با او بیعت کنند. حسنی می‌گوید: «الله اکبر یا بن رسول الله! دست خود را بده تا با تو بیعت کنم»، پس او و سایر سپاهیان بیعت می‌کنند. ۷۸- درباره یمانی توضیح دهید.

از روایات استفاده می‌شود یکی از علایم حتمی ظهور آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قیام شخصی معروف به یمانی است. در روایات، قیام او همزمان با خروج سفیانی عنوان شده است. او که از دوستان امام علی (علیه السلام) می‌باشد، مردم را به حق و راستی دعوت کرده و فردی هدایتگر می‌باشد. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال است. ... و در پرچم‌ها پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست. ۷۹- سفیانی کیست؟ درباره او توضیح دهید.

در برخی روایات، یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، خروج فردی معروف به سفیانی شمرده شده است. از جزئیات حرکت وی نمی‌توان به روشنی و با قطعیت چیزی گفت؛ اما به صورت کلی می‌توان بیان کرد او که گویا از نسل بنی امیه و ابوسفیان است چند ماهی پیش از ظهور، خروج و قیام خود را از منطقه وادی یابس (احتمالاً جنوب غرب سوریه واقع است) شروع می‌کند و بر منطقه عراق، سوریه، اردن و این نواحی مسلط می‌شود. او، مردی خون ریز است که در زمان تسلط و حکومت او عده زیادی کشته می‌شوند. او با احساس خبر ظهور، لشکری را برای مبارزه و کشتن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به طرف مدینه و مکه روانه می‌کند. لشکر وی در منطقه «بیدا» بین مکه و مدینه به اراده خداوند به زمین فرو می‌رود. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور و حرکت به سمت عراق، سفیانی به دست حضرت کشته می‌شود.

۸۰- خواستار اطلاعاتی درباره چگونگی ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستم. وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آن گاه که ستمگران، گستره زمین را جولانگه بدی‌ها و نامردی‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دست‌های یاری‌خواهی را به آسمان گشوده‌اند، ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را می‌درد و در ماه خدا، رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می‌دهد. قلب‌ها به تپش می‌افتد و چشم‌ها خیره می‌گردد. شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره‌ای هستند و منتظران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از هر کسی، سراغ کوی یار می‌گیرند و برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او، سر از پا نمی‌شناسند.

آن زمان، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه، اردن و عراق سلطه دارد، سپاهی را تجهیز می‌کند، تا با امام مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است، در محلی به نام بیدا به کام زمین می‌رود و نابود می‌شود.

پس از شهادت نفس زکیه، به فاصله کوتاهی، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سیمای مردی جوان در مسجدالحرام ظهور می‌کند، در حالی که پیراهن مبارک پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر تن دارد و پرچم پیامبر را به دست

گرفته است. او، به دیوار کعبه تکیه می‌زند و بین رکن و مقام، سرود ظهور را زمزمه می‌کند. پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می‌فرماید:

ای مردم! ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد، به یآوری می‌خوانیم. آن‌گاه خود و خاندانش را معرفی می‌کند و ندا می‌دهد:

قَالَ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَانْصُرُونَا يَنْصُرَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى؛ درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت گسری و ستم ستیزی] تنها نگذارید و یاریمان کنید تا خدا شما را یاری کند.

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می‌گیرند و فرشتگان، گروه گروه فرود می‌آیند و با امام بیعت می‌کنند؛ در حالی که پیشاپیش آن‌ها فرشته وحی، جبرئیل با امام دست همراهی می‌دهد. آن‌گاه ۳۱۳ ستاره زمینی که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده‌اند بر گرد خورشید تابناک امامت، حلقه زده و پیمان وفاداری می‌بندند. این جریان سبز، جاری است، تا آن که ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام (علیه السلام) حضور می‌یابند و با آن فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیعت می‌کنند.

امام (علیه السلام) با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می‌شود و سرزمین پیامبر را از وجود نااهلان، پاک می‌کند. آن‌گاه راهی مدینه می‌شود، تا سایه عدالت و مهر را بر آن بگستراند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشاند. سپس عازم عراق می‌شود. در عراق، با دو مشکل روبه‌رو می‌شود:

۱. گروهی به ظاهر دیندار، مقابل او قرار می‌گیرند وقتی نصایح حضرت و موعظه‌اش در دل آنان اثر نمی‌گذارد، کار به جنگ می‌کشد و همه آنان کشته می‌شوند.

۲. با لشکر سفیانی مقابله می‌کند. این، زمانی است که حضرت، کوفه را نیز به تصرف خود درآورده است. گفت‌وگوها و اندرزهای حضرت، در دل چون سنگ آنان نیز اثر نمی‌گذارد و جنگ، شعله‌ور می‌شود که به هلاکت سفیانی و یاران او می‌انجامد.

حضرت، شهر کوفه را مرکز حکومت جهانی خود برمی‌گزیند و از آن‌جا به مدیریت قیام می‌پردازد و برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می‌کند. امام (علیه السلام) یک به یک سنگرهای کلیدی جهان را فتح می‌کند؛ زیرا علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از لشکر رعب و وحشت مدد می‌گیرد. خداوند توانا، چنان ترسی از او و یارانش در دل‌های دشمنان می‌افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

قائم از ما به وسیله رُعب [وحشت در دل دشمنان] یاری می‌شود.

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می‌شود، بیت المقدس است و پس از آن، واقعه بسیار مبارکی اتفاق می‌افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی (علیه السلام) سرنوشت‌ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می‌کند و آن، فرود آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان است. حضرت مسیح (علیه السلام) که به فرموده قرآن، زنده است و در آسمان‌ها به سر می‌برد، به زمین می‌آید و پشت سر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نماز می‌ایستد. بدین وسیله، فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی (علیه السلام)، به همگان اعلام می‌کند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم، اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز،

خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا فرزندم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن قیام کند، پس از آن عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود می‌آید و پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می‌خواند.

به دنبال این اقدام حضرت عیسی (علیه السلام)، بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می‌دهند، به آخرین ذخیره الهی و پیشوای شیعیان، ایمان می‌آورند. گویی خداوند، عیسی (علیه السلام) را برای چنان روزی حفظ کرده است، تا چراغ هدایتی برای حق طلبان باشد.

البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت، از برنامه‌های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می‌کند. در همین راستا، امام، الواح تورات تحریف نشده (کتاب مقدس یهود) را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است، خارج می‌کند و بسیاری از یهودیان که نشانه‌های امامت او را در الواح می‌بینند، به آن حضرت ایمان می‌آورند. پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می‌پیوندند. این گونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می‌شود و اسلام عزیز، همه عالم را زیر پرچم خود می‌گیرد.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ؟ و او خدایی است که پیامبرش را با (دلایل) هدایت و دین حق فرستاد تا (سرانجام) آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند اگرچه کافران را خوش نیاید.

با توجه به تصویری که ترسیم شد، تنها سرکشان و ظالمان می‌مانند که حاضر به تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت نیستند. این عده، مقابل جریان غالب و اکثریت مؤمنان تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به کیفر اعمال ننگین خود خواهند رسید و زمین و اهل آن، برای همیشه از شر و فساد آن‌ها ایمن خواهد شد.

۸۱- آیا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زمان ظهور خود اطلاع دارد؟

عده‌ای بر این باورند که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زمان ظهور، اطلاعی ندارد. اینان، برای اثبات ادعای خود، به احادیث عدم توقیت (وقت تعیین نکردن) تمسک کرده‌اند؛ مانند «كذب الوقتون؛ تعیین کنندگان وقت دروغگویند» یا روایت «فلسنا نوقت لأحدٍ وقتاً؛ ما برای هیچ کس وقتی را معین نکردیم» یا روایاتی که ظهور را به قیامت تشبیه کرده است: «مثله مثل الساعة التي لا يجليها لوقتها الا هو؛ مثل [ظهور] او مثل ساعت [روز قیامت] است که هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد». در مقابل، عده‌ای دیگر دلالت این احادیث را تمام نمی‌دانند؛ زیرا این که گفته می‌شود: «تعیین وقت کنندگان دروغگویند» یا «ما اهل بیت تعیین وقت نمی‌کنیم» به معنای عدم علم نیست.

حتی روایتی که ظهور را به قیامت تشبیه کرده نیز قابل توجیه کردن است؛ زیرا بین این که آشکار کردن وقت فقط با خدا است با این که علم آن فقط نزد خدا است، تفاوت وجود دارد. علاوه بر این که روایاتی داریم که علم اهل بیت (علیهم السلام)، متصل به علم الهی است و به گذشته و آینده علم دارند. مرحوم کلینی در باب‌های متعددی، روایاتی را درباره علم ائمه (علیهم السلام)، مطرح می‌کند، از جمله باب «ان الائمة (علیهم السلام) يعلمون علم ما كان و ما يكون و انه لا يخفى عليهم الشئ».

بنابراین، اظهار نظر قاطعانه در این باره، مشکل است؛ به علاوه، دانستن این که حضرت، به ظهور علم دارد یا نه، برای ما فایده ندارد.

۸۲- حضرت صاحب‌الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام خود را از کجا آغاز می‌کند؟

بنابر آنچه از روایات متعدد به دست می‌آید، محل شروع نهضت و قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مکه و مسجد الحرام است. در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

به درستی که قائم میان گروهی به عدد اهل بدر [= سربازان اسلام در جنگ بدر] ۳۱۳ نفر، از گردنه ذی‌طوی [کوهی کنار مکه] پایین می‌آید، تا آن که پشت خود را به حجارالاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروزی را که پرچمی مخصوص است به اهتزاز در

می‌آورد.

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است:

هنگامی که خروج کرد [به مسجد الحرام آمده و] به خانه کعبه تکیه می‌زند، و ۳۱۳ نفر مرد نزد او حاضر می‌شوند. اول سخنی که بر زبانش جاری می‌شود، این آیه است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» سپس می‌گوید: «منم بقیة الله در زمین و خلیفه او و حجت او بر شما».

در این که مکه و مسجد الحرام، محل ظهور و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، همه مسلمانان - چه شیعه و چه اهل سنت - اتفاق نظر دارند؛ زیرا روایات در این زمینه، بسیار است. البته این روایات، در قالب ۶-های گوناگون صادر شده است؛ در برخی، سخن از بیعت با حضرت در کنار کعبه شده «انه یبایع بین الرکن و المقام؛ بیعت می‌شود با او بین رکن (حجر الاسود) و مقام (ابراهیم)» و در برخی، خطبه آن عزیز کنار کعبه بیان شده و در برخی، از تجمع یاران در مکه یاد شده است.

۸۳. درباره جنگ‌های زمان ظهور اطلاعاتی می‌خواستم.

جنگ‌هایی که در زمینه ظهور مطرح است، مربوط به دو مرحله است:

۱. جنگ‌ها و خون ریزی‌های پیش از ظهور: این حوادث ارتباطی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور آن حضرت ندارد؛ بلکه به سبب زیاده طلبی‌ها و خودخواهی‌های برخی انسان‌ها، بر جامعه بشریت تحمیل می‌شود. البته چون خداوند سرنوشت انسان‌ها را در اختیار خود آنان گذاشته است، آن‌ها می‌توانند با تعقل و درایت از بروز این حوادث جلوگیری کنند. در صورت تحقق این حوادث، اهل بیت (علیهم السلام) به ما آموزش داده‌اند که چگونه تحت سرپرستی فقها و علما، از کنار این حوادث عبور کنیم.

۲. جنگ‌های مربوط به دوران ظهور: ما بر اساس روایت که عقل، آن‌ها را تایید می‌کند، قیام حضرت را قیام مسلحانه می‌دانیم؛ ولی کشتار در مقیاس وسیع را به دلایل زیر نمی‌پذیریم:

الف. روایاتی که در آن به کشتارهای زیاد اشاره شده است، معمولاً دارای سند ضعیف است؛ لذا اعتمادی به آن‌ها نیست.

ب. امام، مظهر رحمت پروردگار است؛ لذا «رحمة للعالمین» از القاب آن بزرگوار است. او برای نجات و هدایت انسان‌ها می‌آید. او می‌آید تا بشریت را از پلیدی‌ها، رذالت‌ها و حیوان صفتی‌ها دور کند؛ لذا هنگام ظهور، ابتدا خود را معرفی کرده و به تبیین حرکت و هدف خود می‌پردازد و مردم را به پذیرش حق و راستی، عمل به نیکی‌ها و بندگی خداوند دعوت می‌کند.

او فقط با کسانی وارد جنگ می‌شود که مقابل جریان حق بایستند و نه تنها حاضر به پذیرش حق نباشند؛ بلکه بخواهند با جنگ با حضرت، برای همیشه امید به صلح و نجات را در میان بشریت از بین ببرند و به حکومت ظالمانه خود ادامه دهند.

اینان، مانند غده‌های عفونی و چرکینی هستند که باید زیر چاقوی جراحی قرار گرفته و از پیکره بشریت خارج شوند، تا بقیه اعضا و اجزاء از عفونت، رهایی یافته و بتوانند به زندگی سالم و پر نشاط خود ادامه دهند.

مبارزه با این گونه افراد، نه تنها مطابق عقل و شرع است؛ بلکه عموم مردم نیز خواهان آن هستند. آیا مردم، خواهان مجازات افرادی مانند هیتلر، صدام، بوش و دیگر سرکردگان ظالم بشریت نیستند؟

ج. از آن‌جا که حرکت و قیام حضرت، با تبلیغ به دین حق و راستی شروع می‌شود و کلام او، با فطرت سلیم و الهی انسان‌ها هماهنگ است، بیشتر مردم خسته از ظلم و فساد و تبه کاری، به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد. به عبارت دیگر، مردمی که خودشان خواهان ظهور منجی هستند، آیا معقول است با او وارد جنگ شوند؟

۸۴. زمان ظهور حضرت حجت، چه وقتی است؟

امامان معصوم (علیهم السلام) همواره در پاسخ به این پرسش، سکوت اختیار می‌کردند و علم آن را نزد پروردگار می‌دانستند؛

ولی کسانی یافت شده‌اند که در جواب احساسات پاک منتظران، به بیاناتی خلاف سیرهٔ امامان (علیهم السلام) روی آورده‌اند. با سیری کوتاه در بوستان معطر کلام امامان معصوم (علیهم السلام) می‌توان مضمون روایات مربوط به وقت ظهور حضرت مهدی را این گونه دسته‌بندی کرد:

- علم و آگاهی از زمان ظهور، نزد پروردگار متعال است.

- تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغگویند.

- امر ظهور، ناگهانی خواهد بود.

- وقت ظهور، همانند خود ظهور، از اسرار الهی است.

برای نمونه، توجه به موارد زیر، سودمند می‌نماید:

وقتی شاعر پرآوازه شیعه، دعبل خزاعی، در محضر هشتمین آفتاب آسمان ولایت، شعری نیک خواند و سخن را با اشاره به قیام واپسین پیشوای شیعیان به پایان برد، سرشک از دیدگاه آن امام همام جاری شد و فرمود:

یا خُزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الامام و متى يقوم؛ ای خُزاعی! روح القدس، از لبانت با این دو بیت سخن گفت. آیا می‌دانانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟

سپس حضرت به معرفی امام منتظر پرداخت و این گونه ادامه داد:

وَأَمَّا «مَتَى» فَأَخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مِثْلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يَجْلِيهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛ أَمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

اما اين كه چه زمانی ظهور خواهد كرد؟ پدرم، از پدرش، و ايشان از پدرانش، نقل كرد كه وقتی به پيامبر اكرم (صلی الله عليه و آله و سلم) گفته شد: «قائم از فرزندان کی ظهور خواهد كرد؟» آن حضرت در جواب فرمود: «مثل ظهور او، همانند ساعت [= قیامت] است كه خداوند درباره آن فرمود: «هیچ كس جز او نمی تواند وقت آن را آشكار سازد. در آسمان ها و زمین، سنگین است و این امر اتفاق نمی افتد، مگر به صورت ناگهانی».

همین مطلب را آن امام غایب نیز این گونه یاد آور شده است:

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرْجِ، فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَكَذِيبَ الْوَقَاتُونَ؛ اما ظهور و فرج پس به درستی که کار آن، با خدای تعالی است و تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند.

از این دو روایت و روایات دیگر در این باره، به روشنی می‌توان دریافت که زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و دست اندیشه بشر از رسیدن به آن، بسی کوتاه است.

رحمان بن کثیر می گوید:

مِهْزَم بر حضرت صادق (علیه السلام) وارد شد و گفت: فدایتان شوم! مرا از زمان امری که منتظر آن هستیم، خبر دهید. آن حضرت فرمود: «يَا مِهْزَم! كَذَبَ الْوَقَاتُونُ؛ ای مهزم! کسانی که «وقت» معین می کنند دروغگو هستند».

فضیل بن یسار از حضرت باقر، (علیہ السلام) درباره زمان ظهور پرسید. امام (علیہ السلام) فرمود:

«كَذَبَ الْوَقَاتُونُ! كَذَبَ الْوَقَاتُونُ! تعین کنندگان وقت [ظهور] دروغگو هستند!».

۸۵ حضرت علی (علیه السلام)، هنگام قبول خلافت، فرمود: «عَلَّتْ قَبُولَ خِلَافَتِی مِنْ سَوَىِّ مَنْ، عَهْدٌ وَ مَسْئُولِیَّتِی اِسْتِ که خدا از عالمان و دانشمندان گرفته است که برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. اینک مردم، اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند». چرا اکنون که مردم، این همه استغاثه می کنند و فریاد تمنای ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سر می دهند و ظلم و جور، بیداد می کند و فقر، گریبان گیر ملت ها شده است، حضرت نمی آید؟

ابتدا به این مطلب اشاره می‌کنیم که سکوت نکردن برابر شکم‌بارگی ستمگران و فقر محرومان، دارای مراحل و راهکارهای متعدد است که یکی از آن‌ها، قیام و تشکیل حکومت است. حضرت علی (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیست و پنج سال خانه نشین شد و اقدام ظاهری برای تشکیل حکومت نکرد. امام حسن مجتبی (علیه السلام) پس از صلح با معاویه، به مدینه بازگشت و حرکت ظاهری خاصی برابر ظلم‌های معاویه از خود نشان نداد. آیا این دو بزرگوار، کاملاً سکوت کرده بودند یا متناسب با شرایط زمان، عهد و مسئولیت الهی خود را انجام می‌دادند؟

امام مهدی (علیه السلام) نیز بر اساس شرایط حاکم بر زمان، به عهد خود با خداوند عمل می‌کند؛ اما برای قیام و تشکیل حکومت، با بررسی روایات، این مطلب روشن می‌گردد که بین فساد و ظلم با ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وابستگی و ارتباط خاصی نیست، تا به علت زیاد شدن ظلم و فساد، امر ظهور تحقق یابد؛ بلکه تنها ارتباطی که بین ظلم و ظهور است، این است که زمان ظهور، ظلم و ستم، جامعه انسانی را فرا گرفته است لذا در روایات متعدد، ظهور حضرت و عدالت فراگیر او، با این بیان مورد توجه و اشاره قرار گرفته است که «زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که پر از ظلم و ستم شده بود»، نه این که شرط ظهور یا نشانه ظهور، گسترش ظلم و ستم باشد. آنچه در ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دخالت دارد، آن است که زمینه‌های ظهور فراهم باشد و مردم، قابلیت پذیرش حضرت و اطاعت امر او را داشته باشند.

باید توجه داشت اگر حضرت علی (علیه السلام) هنگام قبول خلافت، آن کلام بلند را فرمود و خلافت را پذیرفت، بدان سبب بود که مردم، آمادگی پذیرش را اعلام کردند و حجت بر امام تمام شد؛ ولی تاریخ نشان داد مردم، واقعاً آمادگی پذیرش را نداشتند؛ لذا حضرت پس از حکومتی حدوداً پنج ساله، در مسجد کوفه به شهادت رسید. شهادت حضرت، ضایعه بسیار بزرگ و غیر قابل جبرانی برای جامعه بشریت بود؛ ولی راه امامت، به وسیله امام حسن و سایر امامان (علیهم السلام) ادامه یافت علاوه بر آن، وظیفه حضرت علی (علیه السلام) آن نبود که با قیامی جهانی، عدالت را فراگیر کند. وظیفه هر امام، از سوی خداوند با توجه به زمان و محیط و مردم تعیین شده است. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آخرین امام است و وظیفه او، فراگیر کردن عدالت و اسلام در سرتاسر جهان است؛ لذا زمان ظهور، وقتی خواهد بود که واقعاً مردم قابلیت پذیرش را در خود ایجاد کنند و حضرت را بخواهند و تا آخر همراه باشند.

دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۸۶- آیا پروژه جهانی-سازی یا فرایند جهانی-شدن با حکومت جهانی امام مهدی، هم-گرایی دارد یا واگرایی؟

برای رسیدن به پاسخی مناسب در این رابطه، ابتدا باید ویژگی‌های جامعه مهدوی را از نظر گذرانند. آنچه در منابع و متون دینی و روایی ما، درباره حکومت مهدوی وجود دارد، گویای آن است که رکن اصلی و خمیرمایه بنیادین حرکت جهانی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گسترش همه جانبه و تقویت و توسعه توحید و یگانه-پرستی و در کنار آن، مبارزه فراگیر و مستمر با همه تفکرات و جریان-های انحرافی و الحادی است. در نهضت مهدوی، آموزه-ها و تعالیم فراموش شده پیامبران الهی برپا می‌گردد و همه دستگاه-های استبدادی، در نهاد حکومت و قدرت زایل می‌گردند و از بین می‌روند. در حکومت مهدوی، محرومان و مستضعفان و بندگان صالح و مؤمن خداوند، از جایگاه رفیعی برخوردارند. نظام فرهنگی، مرگب از ارزش-ها و هنجارها، عقاید و باورها، آرمان-ها و... براساس آموزه-های قرآن کریم و سنت معصومان شکل می‌گیرد و همه اجزا و عناصر اجتماعی، متأثر از این نظام فرهنگی است.

عدالت-جویی و عدالت-خواهی و تلاش برای برقراری عدالت و رفع همه مظاهر ظلم و بی-عدالتی، از جمله ارکان حکومت

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. مبارزه همه جانبه و مستمر با منکرات و عوامل اجرایی و شیوع آن، از برنامه‌ها و سیاست‌های اصولی در حکومت جهانی مهدوی است. رشد و توسعه همه جانبه و فراگیر، در همه ابعاد و شئون - اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و ... بهره‌برداری از منابع طبیعی، توزیع عادلانه فرصت‌های اجتماعی و برقراری روابط صمیمانه و صلح آمیز، همراه عظمت و شوکت جامعه اسلامی در سطح بین الملل، ایجاد روابط صمیمانه و دوستی متقابل بین افراد و ... همه و همه، از ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام است. رکن اصلی همه متغیرها و الگوها، برآمده از دین و برای تحقق و تحکیم بنیان‌های دینی است که خصیصه اصلی جامعه مهدوی است.

در موضوع جهانی‌شدن، متغیرها و الگوهایی را می‌توان برای نمونه ذکر کرد؛ از جمله آن‌ها، شکسته‌شدن مرزهای ملی و فرهنگی و به جای آن، تداخل آن‌ها و تلاش در زمینه ایجاد تفاهم بر اصول مشترک فرهنگی و دست کشیدن از باورها و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و ... افزایش ارتباطات و تعاملات جهانی و نزدیک‌کردن آن، از حیث زمان و مکان، به کمک وسایل و فن‌آوری‌های جدید ارتباطی و الکترونیکی، تبدیل نهادهای اجتماعی و ملی به نهادهای جهانی و توافق جهانی ملت‌ها بر باورها و ارزش‌های مشترک و یکسان‌سازی جهان‌بینی‌ها، کاهش و حذف سنت‌ها و عناصر اجتماعی هویت‌ساز، ایجاد و گسترش سازمان‌های جهانی و تأکید بر نهادهای سیاسی اقتصادی جهانی، ایجاد و تأکید بر روابط اقتصاد جهانی و پول جهانی به عنوان ابزار مبادله اقتصادی و ... حذف دین و باورها و سنت‌های دینی و به جای آن، تأکید بر سکولاریسم و دموکراسی و پلورالیزم است. با توجه به این بیان، خصوصیت‌ها و ویژگی‌ها، در دو نوع حکومت و نگرش، معلوم می‌گردد که این دو، از جهاتی شبیه به هم و در نتیجه، هم‌گرایی دارند. این هم‌گرایی و شباهت، در اصل جهانی‌شدن و وحدت جهانی، استوار است؛ اما در تعیین محتوا و الگوها، کاملاً با هم متفاوتند؛ زیرا آنچه امروزه با عنوان جهانی شدن مطرح است، در واقع «غربی شدن» را تبلیغ و ترویج می‌کند. روش و منشی که به دنبال حذف دین و آموزه‌های دینی و ملی جوامع و فرهنگ‌های محلی و ملی و سعی و تلاش بر حاکمیت جهان‌بینی سکولار و ... است. اضافه بر این، در تعیین محتوای جهانی‌شدن، واگرایی جدی و اصولی وجود دارد.

در یک سخن، شاید بتوان گفت: هدف حکومت مهدوی، اجرای عدالت فراگیر و بهره‌مندی عموم مردم از مواهب و امکانات خدادادی است؛ در حالی که در جهانی‌سازی جدید، هدف آن است که منافع عده‌ای خاص تأمین شود، البته در قالبی جدید.

۸۷. آیا انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) الزاماً به حکومت واحد جهانی میانجامد؟

انسان موجودی انتخابگر است که در سایه حرکت اختیاری خود، به رشد و کمال رسیده و به هدف از خلقت خود نایل خواهد شد. او موجودی اجتماعی است که شکوفایی و تعالی برخی استعدادها و کمالات او در جامعه تحقق می‌یابد؛ از این رو به جامعه‌ای سالم و مدینه‌ای فاضله نیاز است، تا آدمی در بستر آن به حرکت تکاملی بپردازد. چون جوامع کوچک انسانی به یک‌دیگر پیوند خورده و جامعه جهانی را شکل داده‌اند و از آن، به دهکده کوچک جهانی یاد می‌کنند، محیط مناسب رشد برای عموم انسان‌ها زمانی است که این جامعه جهانی حرکتی مناسب و هماهنگ در کل زیر مجموعه‌ها داشته باشد؛ پس قانونی کامل و فراگیر لازم است. نقص معرفت بشری از یک سو، و توجه به برخی ملاحظات شخصی و گروهی از سوی دیگر و وجود امیال و گرایش‌های مادی از سوی سوم باعث می‌شود انسان نتواند قانون جامع و کامل را پی‌ریزی کند. بر این اساس، بر خداوند آگاه به همه ابعاد وجودی انسان و عاری از هر ملاحظه و میل است که این نیاز بشری را پاسخ گوید. خداوند با بعثت انبیا و در رأس آن‌ها بعثت خاتم الانبیا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به این مهم پاسخ داد تا قانون مناسب در اختیار بشر قرار گیرد. طبق آیه سوم سوره مائده کامل‌ترین قانون و معرفت در دسترس انسان‌ها قرار گرفت.

قانون به تنهایی ضامن ایجاد جامعه سالم نیست؛ لذا تا کنون چنین جامعه‌ای محقق نشده است. با توجه به برداشت‌های مختلف از

این قانون (به علت نقص و درجات عقل و علم) از طرفی و حرکت رو به رشد انسان‌ها از سوی دیگر، به معلم عالم (به علم الهی) و معصوم (از هر خطا) نیاز می‌باشد، تا به تبیین و تعلیم قانون الهی بپردازد و متناسب با نیاز جامعه انسانی آن را به درستی تفسیر کند، تا قانون و دین در زندگی قابل استفاده باشد. به علاوه، روح انسان که گوهر شرافت و شخصیت او است نیازمندی‌هایی داشته و در معرض آفات و بیماری‌ها است. برای روح نیز همچون جسم نیاز به متخصص است، تا در سایه تخصص و راهنمایی او، روح بتواند حرکت تعالی خود را به انجام رساند؛ پس علاوه بر معلم، به مربی و تزکیه کننده نیز لازم است؛ از این رو خداوند وظیفه تبیین و تزکیه را بر دوش انبیا قرار داد تا علاوه بر تلاوت و ابلاغ وحی به این دو مهم همت گمارند:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد».

با رحلت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) این دو وظیفه مهم به عهده اوصیا و امامان معصوم (علیهم السلام) قرار گرفت؛ بنابراین غدیر، پاسخی دیگر به نیاز انسان بود.

قانون و معلم معصوم، کنار یک‌دیگر نیز موجب پیدایش مدینه فاضله نیست؛ چنان که تا کنون محقق نشده است. باید کنار این دو رکن مهم، مدیریت جامعه نیز در اختیار معصوم عالم باشد تا او با علم الهی که به دین، وضع جامعه، نیازها و امکانات دارد در هرم قدرت قرار گیرد و با استفاده از کارگزاران شایسته و بهره‌وری صحیح از امکانات، محیط مناسبی را برای رشد انسان‌ها فراهم آورد. از بیان فوق روشن شد که اولاً؛ جامعه جهانی، به دین اسلام نیازمند است، ثانیاً؛ به معلم و مربی معصوم (علیه السلام) نیاز دارد و ثالثاً؛ محتاج امامت و مدیریت امام عالم معصوم است؛ پس انقلاب جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تشکیل حکومت واحد جهانی، نیاز جامعه بشری است.

البته از راه قرآن و روایات نیز می‌توان حکومت واحد جهانی را در سایه انقلاب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تصویر کشید که به یک آیه اشاره می‌شود:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند».

خداوند در این آیه به مسلمانان و مؤمنان صالح وعده حکومت بر کل زمین را داده است؛ حکومتی که در سایه آن، دین مورد رضایت خدا که همان اسلام است (با توجه به آیه سوم سوره مائده) تحقق و استقرار می‌یابد و امنیت کامل فراگیر می‌شود. این چنین امنیت، در سایه از بین رفتن عوامل ناامنی (شرک و کفر و فساد) و پیاده شدن اسلام و دین خدا تحقق می‌یابد؛ لذا در روایات، علاوه بر عدالت گستره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ورود دین اسلام در همه قریه‌ها و آبادی‌ها اشاره شده است. نتیجه این حرکت و حکومت، عبادت و عبودیت صحیح و کامل است «يعبدونني لا يشركون بي شيئا».

۸۸- آیا با ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه مردم مسلمان می‌شوند؟

در این باره، دو دسته آیات و روایات وجود دارد: دسته اول، آیات و روایاتی است که ظاهر آن‌ها وجود غیرمسلمان در دوران حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ مانند آیه «و قالت اليهود يد الله مغلولة ... و القينا بينهم العداوة و

البغضاء الى يوم القيامة؛ یهود می‌گویند: دست خدا بسته است... و کینه و دشمنی را تا قیامت میان آنان افکنندیم.» و مشابه این آیه، دربارهٔ مسیحیت نیز آمده است. مقتضای ظاهر این آیات، آن است که دین یهود و مسیحیت، تا قیامت باقی خواهند بود. از بعضی از روایات نیز همین مطلب نتیجه‌گیری می‌شود؛ مانند روایت ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) که می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: «در دوره حضرت مهدی، با اهل ذمه (یهود و نصارا) چگونه رفتار می‌شود؟» فرمود: «با آنان از سر آشتی و مسالمت رفتار می‌کنند؛ همان‌گونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با آنان از سر مسالمت رفتار کرد» و روایات متعدد دیگر.

دسته دوم، آیات و روایاتی است که ظاهر آن‌ها می‌رساند که در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه مردم، مسلمان می‌شوند و هیچ دینی جز اسلام باقی نخواهد ماند؛ مانند آیه...: «و له اسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرهاً و الیه یرجعون؛ و برای او، هر آن که در آسمان و زمین است، تسلیم هستند؛ از روی میل یا به اجبار و به سوی او، بازگردانده می‌شوند».

از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است که در تفسیر این آیه، فرمود:

این آیه، در شأن حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن حضرت ظاهر شود، دین اسلام را بر یهود و نصارا و صابئان و کفار شرق و غرب، عرضه می‌دارد؛ پس هر کس با میل و اختیار، اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات، امرش می‌کنند و هر کسی از قبول اسلام امتناع ورزد، گردنش را می‌زنند، تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست، کسی باقی نمی‌ماند.... نیز امام حسن، از امیرالمومنین (علیهما السلام) نقل می‌کند:

او [مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] زمین را از دادگری و روشنی و عقل و منطق و دلایل واضح و روشن پر می‌کند و سرتاسر زمین، تسلیم او می‌شوند به طوری که هر کافری ایمان می‌آورد و هر بدکاری، نیکوکار می‌شود.

به دلیل وجود این دو دسته آیات و روایات، بین عالمان و دانشمندان، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی می‌توان به این شکل اختلاف را حل کرد که بگوییم این دو دسته از آیات و روایات، مربوط به دو دوران از حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است: دسته اول، اشاره به سیره و روش حضرت در ابتدای ظهور دارد و دسته دوم، اشاره به دوره تحکیم و تثبیت حاکمیت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

توضیح این که آن حضرت، در ابتدای ظهور، تنها کافرانی را که به ظلم و فساد در زمین مشغولند، سرکوب می‌کند و از بین می‌برد؛ ولی با کافرانی که از ظلم و جور و فساد دورند و پذیرای حکومت دادگستر آن حضرت هستند، همانند سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از سر مسالمت رفتار می‌کنند و از آنان، جزیه - مالیات اهل کتاب به دولت اسلامی - می‌گیرد. به تدریج، با برقراری عدل و فراگیری آن در سراسر زمین و از بین بردن باطل‌ها و بدعت‌ها و آشکار شدن نشانه‌ها و آیات حق، حجت‌های روشن الهی بر مردم تمام می‌شود و دیگر جای هیچ عذری برای کفر و شرک باقی نخواهد ماند. در آن دوره، همه مردم، مسلمان خواهند شد و آن زمان، کفر و شرک، مصداق روشن ظلم و تجاوز از حق خواهد بود که در حکومت عدل گستر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، هیچ جایی نخواهد داشت. آنچه در روایت امام حسن از امیرالمومنین (علیهما السلام) آمد، به روشنی، بر این معنا دلالت دارد. امام صادق (علیه السلام) در ذیل آیه - شریف «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه»... به مفضل فرمود:

ای مفضل! اگر پیامبر بر همه دین‌ها غالب شده بود، از آتش پرستان و یهودیان و نصارا و ستاره‌پرستان و از تفرقه و نفاق و شرک و... اثری نبود. این که خداوند فرموده است: «لیظهره علی الدین کلّه تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گردانند» مربوط به روز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

نتیجه این که دسته اول آیات و روایات، مربوط به ابتدای ظهور و دسته دوم، مربوط به دوره استواری حکومت عدل حضرت و آشکار شدن حق و حقیقت است. البته، این قضاوت، نمی‌تواند نهایی و قطعی باشد.

۸۹. برنامه حکومتی و اصلاحی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

با توجه به روایات فراوانی که درباره دوران حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موجود است، برنامه‌های حکومتی حضرت را در سه محور می‌توان خلاصه کرد: برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های اقتصادی، برنامه‌های اجتماعی.

۱. برنامه‌های فرهنگی: مهمترین محور این برنامه عبارت است از:

الف. احیای کتاب و سنت: حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند [امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می‌کند و هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد. در عصری که نظر اشخاص بر قرآن مقدم شده، افکار را متوجه قرآن می‌کند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد».

ب. گسترش معرفت و اخلاق: امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«زمانی که قائم ما قیام می‌کند، دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد و عقل‌های ایشان را جمع کرده و اخلاق آن‌ها را به کمال خواهد رساند».

ج. رشد دانش بشر به طور چشمگیر و بی‌سابقه: امام باقر (علیه السلام) فرموده است:

در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شما حکمت و دانش داده می‌شود، تا آن جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت (رفتار) می‌کند.

می‌دانیم رفتار صحیح، ریشه در علم و دانش گسترده دارد که این روایت شریف، حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) دارد.

د. مبارزه با بدعت‌ها: بدعت، به معنای داخل کردن اندیشه و آرای شخصی در دین و دینداری است. آنچه از تمایلات شخصی و هواهای نفسانی وارد دین شده است، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با آن مبارزه می‌کنند.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

هیچ بدعتی را و نگذارد مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر این که آن را برپا خواهد داشت.

۲. برنامه‌های اقتصادی: برنامه‌های اقتصادی در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به صورت مطلوبی تدوین شده است، تا اولاً- امر تولید سامان یابد و از منابع طبیعی بهره بردای شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه طبقات توزیع شود.

برخی برنامه‌های اقتصادی دوران حاکمیت حضرت را می‌توان چنین برشمرد:

الف. بهره‌وری از منابع طبیعی: در زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و به برکت حکومت او، آسمان، سخاوتمندانه می‌بارد و زمین بی‌دریغ ثمر می‌دهد. حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

چون قائم ما قیام کند آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«تمام گنج‌های زمین برای او آشکار می‌شود».

ب. توزیع عادلانه ثروت: از عوامل اقتصاد بیمار، انباشته شدن ثروت نزد گروهی خاص است. در دوران حکومت عدل مهدوی،

اموال و ثروت بیت المال به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌شود. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند، [اموال را] به طور مساوی تقسیم می‌کند و میان خلق، به عدالت رفتار می‌کند. همچنین فرمود:

مهدی میان مردم به مساوات رفتار می‌کند به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.

ج. عمران و آبادی: در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تولید و توزیع، به گونه‌ای ساماندهی می‌شود که همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز این که آباد می‌شود».

۳. برنامه‌های اجتماعی: در حکومت عدالت گستر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برنامه‌هایی بر اساس تعالیم قرآن و عترت (علیه السلام) اجرا می‌شود که به سبب اجرای آن‌ها محیط زندگی، زمینه‌ای برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. در این زمینه، روایات فراوانی رسیده است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر: در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».

ب. مبارزه با فساد و ردائیل اخلاقی: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عمل به مبارزه با فساد و تباهی و زشتی می‌پردازد؛ چنانچه در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

این قاطع حبال الکذب و الافتراء این طامس آثار الزیغ و الاهواء؛ ... کجا است آن که ریسمان‌های دروغ و افترا را ریشه کن خواهد کرد؟ کجا است آن که آثار گمراهی و هوای و هوس را نابود خواهد ساخت؟

ج. عدالت قضایی: او است که قسط و عدل را در سطح جامعه حاکم می‌کند و همه عالم را پر از عدالت و دادگری می‌کند. امام رضا (علیه السلام) فرمود:

وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن شود. او، ترازوی عدالت را میان خلق نهد. پس [چنان عدالت را جاری کند که] هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.

مناسب است در پایان، به یکی از تحولات چشمگیر زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که همانا بهداشت طبیعت و بهداشت روان است اشاره‌ای گذرا داشته باشیم؛ زیرا یکی از مشکلات جامعه پیش از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وضع تأسف بار بهداشت طبیعت و روان است که در نتیجه بیماری‌های واگیر و مشکلات روانی زیاد، جامعه بشریت را فرا می‌گیرد، بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، وبا، فلج، سکت، سرطان و صدها بیماری خطرناک دیگر. این اوضاع دلخراش و دردناک در اثر آلودگی محیط زیست و در نتیجه به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی پدید می‌آید. امام سجاد (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

هنگامی که قائم (علیه السلام) ماقیام کند، خداوند عزوجل بیماری و بلا را از شیعیان ما دور می‌سازد. ...

به امید روزی که بتوانیم آن دوران نورانی و سراسر معنوی را درک کنیم.

۹۰- آیا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اصحابش در عصر ظهور

از امدادهای غیبی برخوردارند؟

از روایات استفاده می‌شود در عصر ظهور که حاکمیت حق و عدل و نابودی شرک و کفر در آن رقم می‌خورد، منادیان راستی از الطاف و امدادهای خاص خداوند برخوردار هستند. برخی امدادهای الهی برای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش چنین است:

۱. آنان از لحاظ جسمی قوی بنیه هستند. ریّان پسر صلت می‌گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: «آیا شما صاحب این امر هستید؟» حضرت فرمود: «من، امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گاه که از ظلم و ستم پر شده باشد. چگونه می‌توانم صاحب آن امر باشم؛ در حالی که ناتوانی جسمی مرا می‌بینی؟ قائم کسی است که وقتی ظهور کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می‌آید. اندامی قوی و تنومند دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می‌آورد».

در وصف یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند سستی و ضعف را از شیعیان ما دور می‌کند و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن محکم و استوار می‌نماید و به هر کدام از آنان، قدرت چهل مرد می‌بخشد و آنان فرمانروایان و بزرگان زمین می‌شوند. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

به هنگام فرا رسیدن امر ما [حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خداوند ترس را از دل شیعیان ما برمی‌دارد و در دل دشمنان ما جای می‌دهد، در آن هنگام، هر یک از شیعیان ما از نیزه برنده‌تر و از شیر شجاع‌تر می‌شوند.

۲. لشکر رب: در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

«قائم ما اهل بیت، با ترس و رعب یاری می‌شود».

۳. فرشتگان و جنیان: حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

خداوند، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با فرشتگان، جن و شیعیان مخلص یاری می‌کند.

ابان بن تغلب از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند:

آن‌گاه که او پرچم پیامبر را به اهتزاز درآورد، سیزده هزار و سیزده فرشته به زیر پرچمش گرد می‌آیند که با نوح پیامبر در کشتی، با ابراهیم خلیل در آتش و با عیسی هنگام عروج به آسمان همراه بودند. همچنین چهار هزار فرشته به یاری حضرت می‌شتابند. آن‌ها، فرشتگانی هستند که بر سرزمین کربلا فرود آمده بودند، تا در رکاب امام حسین (علیه السلام) بجنگند؛ ولی اذن این کار را نیافتند و به آسمان رفتند و چون با اذن جهاد بازگشتند، امام حسین (علیه السلام) را شهید یافتند و در اندوه از دست دادن این فیض بزرگ، همواره ناراحت و اندوهگینند و تا روز رستاخیز، گردا گرد ضریح امام حسین (علیه السلام) می‌گردند و اشک می‌ریزند.

نیز از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یاری دادند، هنوز به آسمان باز نگشته‌اند، تا این که صاحب الامر را یاری رسانند و تعدادشان پنج هزار فرشته می‌باشد.

بنابراین امدادهای الهی به صورت‌های مختلفی شامل حال حضرت و یارانش می‌شود.

۹۱. منظور از کشته شدن شیطان به دست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

قرآن مجید، نقل می‌کند که شیطان پس از این که به دلیل سجده نکردن بر انسان و تمرد از دستور الهی، رانده شد، به خداوند گفت:

«قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون»؛ پروردگارا! مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد، مهلت ده». شیطان، در این درخواست، دو مطلب از خداوند متعال خواسته است:

۱. به او مهلت داده شود؛

۲. این مهلت، تا قیامت و روز مبعوث شدن بندگان ادامه داشته باشد.

پاسخ حضرت حق تعالی به درخواست او، چنین است:

«قال فإنك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم؛ تو، از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم».

خداوند متعال، به او مهلت داده است و درخواست نخست او را اجابت کرده است؛ اما درخواست دوم او را که خواسته بود، تا روز قیامت مهلت داشته باشد، اجابت نشده است؛ بلکه تا روز و وقت معلوم به او مهلت داده شده است. پرسش، این است که «وقت معلوم» چه زمانی است؟ در بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۱، از امام صادق (علیه السلام)، روایتی وارد شده است که ابن وهب از امام، درباره سرنوشت ابلیس در آیه پرسش می‌کند که این روز، چه روز و زمانی است؟ امام می‌فرماید:

ای وهب! آیا تصور می‌کنی آن روز، زمانی است که خدا در آن روز، مردم را مبعوث می‌کند؟ [این چنین نیست؛] بلکه خداوند، ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت می‌دهد. آن هنگام، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ابلیس را محکم می‌گیرد و گردن او را می‌زند و آن روز، زمان معلوم است.

البته قتل شیطان و ابلیس، به معنای از بین رفتن همه شیاطین - به ویژه انسان - های شیطان - صفت - نیست؛ زیرا تکلیف برقرار است و تکلیف، دائر مدار اختیار خیر و شر است و برخی انسان - ها هستند که نقش شیطان را بر عهده دارند. ضمن این که نفس اماره نیز هست؛ اما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، رئیس شیطان - ها (ابلیس) را که در انحراف و گناه، نقش اساسی دارد، از بین می‌برد.

۹۲- اگر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، شیطان را بکشند، مردمان پس از

ظهور، از فریب - های شیطان در امان خواهند ماند. این، چگونه با عدالت خدا سازگار است؟

اجر و پاداش انسان‌هایی که در دوران پیش از ظهور زندگی می‌کنند و دین خود را نگه داشته‌اند و تسلیم و سوسه‌های شیطان نشده‌اند، از مردمانی که در دوران ظهور زندگی خواهند کرد و تحت حاکمیت عدل الهی روزگار سپری می‌کنند، بیشتر و بالاتر است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که عبادت همراه خوف و در دولت باطل؛ مانند عبادت در حالت امن و دولت حق نیست. بدانید هر یک از شما که نماز فریضه را افراد و پنهان از دشمن و در وقت بخواند (وقتی که علنی و با جماعت امکان ندارد) خدا، برای او ثواب ۲۵ نماز واجب بنویسد و کسی که نماز مستحبی را در وقتش به درستی بخواند، خداوند برای او ثواب ده نماز مستحبی بنویسد و فردی که کار نیک و حسنه‌ای انجام دهد، خداوند ثواب بیست عمل حسنه برای او بنویسد و هر کس نیکوتر انجام دهد، خداوند ثواب را مضاعف می‌کند. سپس حضرت در علت این پاداش می‌گوید:

شما، صابر همراه امام و منتظر دولت حق هستید، بر امام و بر جان‌های خود از شر حاکمان ظلم در هراسید. حق شما در دست ظالمان است و شما را از آن منع می‌کنند و شما را در تنگی و طلب معاش قرار داده‌اند؛ در حالی که بر دین و عبادت و اطاعت از امام و ترس از دشمن خود صابر هستید؛ از این رو خداوند اعمال شما را چند برابر می‌کند؛ پس بر شما گوارا باد.

سپس حضرت در پایان حدیث می‌فرماید:

به خدا سوگند! هر یک از شما به این حال بمیرد، نزد خداوند افضل است از بسیاری که در بدر و احد حضور داشتند.

در روایات متعدد، انسان منتظر، مانند فردی شمرده شده است که در رکاب پیامبر به شهادت رسیده است.

وهب بن جمیع می‌گوید که از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسیدم این که خداوند به شیطان فرمود: «فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم». تو تا روز وقت معلوم از مهلت داده شدگانی. این وقت معلوم چه زمانی است؟ فرمود:

آیا پنداشته‌ای این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است وقتی خداوند حضرتش را مبعوث می‌کند حضرت به مسجد کوفه می‌رود در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می‌رود به آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز! پس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام روز «وقت معلوم» است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد.

طبق این روایت، شیطان کشته می‌شود و مردم در زمان ظهور از شر وسوسه‌ها و فریب‌های او در امان خواهند ماند؛ ولی باز هم انسان دارای حق انتخاب و اختیار است؛ پس باز هم امکان خطا و اشتباه برای او هست. به عبارت دیگر، نفس درونی و وسوسه‌های او، آدمی را رها نمی‌کند.

همچنین چون دنیا محل ابتلا و امتحان است و مردم دوران ظهور نیز امتحان می‌شوند، امتحان آنان در مقطعی دیگر و به صورت دیگر و شاید مشکل‌تر انجام شود؛ برای نمونه، دانش آموزی که در مقطع دبستان امتحان می‌دهد، در حد و اندازه علمی و توان فکری از او آزمون گرفته می‌شود و وقتی به مقطع راهنمایی و دبیرستان وارد می‌شود، با توجه به رشد علمی و فکری امتحان سخت‌تری را باید پشت سر بگذارد.

همین فرد، وقتی وارد دانشگاه شد، باز باید امتحان بدهد و حتی ممکن است امتحان او به جای ده سؤال، فقط یک سؤال باشد و به او اجازه استفاده از کتاب نیز داده شود؛ ولی روشن است که امتحان او، بسیار سخت‌تر است و بخشش و ارفاق استاد نسبت به او کمتر می‌شود. اگر دانش آموز ابتدایی بشنود در دانشگاه چنین امتحانی می‌گیرند، آن را شاید نوعی ظلم بداند و بگوید: چگونه است من که علم کمتری دارم، باید سؤالات بیشتری را، آن هم به صورت حفظی پاسخ دهم؛ ولی دانشجو، هم سؤالات کمتری دارد و هم حق استفاده از کتاب برای او محفوظ است؛ ولی فردی که به همه دوره‌های تحصیلی اشراف دارد، در می‌یابد که کلام این دانش آموز صحیح نیست.

دروان ظهور نیز چنین است که امتیازاتی بی‌نظیر و بی‌بدیل دارد؛ ولی امتحانات خاص خود را نیز دارد. قرآن کریم درباره زنان پیامبر می‌گوید: «ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکاری مرتکب شد، عذاب او دو چندان است» یعنی انتساب شما به پیامبر به شما ویژگی و امتیازی داده است که اگر تقوا پیشه کنید؛ مانند دیگر زنان نیستید (بلکه ممتازتر هستید) و اگر خطایی مرتکب شوید نیز از دیگران بیشتر در عذاب هستید.

با توجه به دو نکته فوق، روشن می‌شود که خداوند در همه حال درباره بندگان، عدالت را مراعات می‌کند.

۹۳- آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه می‌کند؟ اختیار چه می‌شود؟

بعد از ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند پیش از ظهور، اختیار باقی است و برای انسان، امکان گناه کردن هست. این، مطلبی است مسلم که هم ادله عقلی و هم ادله نقلی بر آن دلالت دارد.

دلایل عقلی

الف. انسان، موجودی است که ذاتاً در افعال خود مختار است. این، یک امر وجدانی است که اگر انسان در خود تأمل کند، این مطلب را درک می‌کند. به قول مولوی:

این که گویی این کنم یا آن کنمخود دلیل اختیار است ای صنم

در قرآن کریم هم آیات متعددی اشاره به این حکم عقل دارد؛ مانند:

«و قل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر»؛ بگو: حق، از پروردگارتان است؛ پس هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد انکار کند.

ما، هیچ دلیلی بر این که بعد از ظهور، ماهیت انسان متبدل می‌شود و از او سلب اختیار می‌شود، نداریم. علاوه بر این که به حکم عقل، انقلاب و تبدل در ماهیت، محال است.

ب. یکی از اصول دین ما، معاد است. ما معتقدیم قیامت برای تمام افراد، از اول هستی تا به آخر، حتی برای پیامبران و امامان ثابت است و هیچ استثنایی در بین نیست. روشن است مسأله قیامت و ثواب و عقاب، فرع صحت تکلیف است و تکلیف، متفرع بر اختیار است:

ان الله عزوجل ارحم بخلقه من أن يجبر خلقه على الذنوب ثم يعذبهم عليها؛ خداوند، به بندگان خود، رحیم‌تر از آن است که آنان را به گناه مجبور سازد و سپس آنان را کیفر دهد.

این حدیث، هم از امام باقر و هم از امام صادق (علیهما السلام) نقل شده است؛ اگر معاد برای همه هست، باید اختیار هم برای همه باشد.

ادله نقلی

الف. خداوند در قرآن کریم، مردم را یا با لفظ «ناس» می‌خواند یا با لفظ «مؤمنین» این دو لفظ، شامل تمام افراد می‌شود. انسان‌های پس از ظهور، یا ایمان می‌آورند که مشمول این خطابات و تکالیف هستند یا ایمان نمی‌آورند که باز هم نشانه اختیار و امکان گناه برای آنان است و هیچ دلیلی بر استثنا کردن و خارج کردن آن افراد از تحت خطابات قرآن، نداریم.

سؤالی که این جا ممکن است مطرح شود، این است که در روایات زیادی وارد شده است که در زمان ظهور حضرت، جهان، پر از عدل و داد می‌شود و ظلم و جور، به کلی، مرتفع می‌شود امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «یملأ الارض عدلاً» و همچنین در آن زمان، هیچ ظلمی نمی‌شود «و ارتفع فی ایامه الجور». به مقتضای این روایات، اگر در زمان ظهور، همه جا عدل است و هیچ ظلمی محقق نمی‌شود، معنایش این است که امکان گناه نیست؛ چون گناه، بزرگ‌ترین ظلم است. در پاسخ می‌گوییم این روایات، نه فقط دلالت بر عدم امکان گناه و بی‌اختیار بودن انسان نمی‌کند؛ بلکه کاملاً دلالت بر وجود اختیار و امکان گناه می‌کند. این مطلب، به توضیح نیاز دارد. اولاً می‌دانیم که مقصود از عدل در این روایات، عدل در مقابل ظلم است، و این معنا از «عدل»، در جایی امکان تحقق دارد که امکان ظلم باشد. در جایی می‌توان گفت یک فعل، عادلانه است که امکان ظالمانه بودن آن هم باشد. اگر در جایی امکان ظلم نباشد و انسان مجبور به یک طرف باشد، دیگر اطلاق «عدل» معنا ندارد.

نکته مهم دیگر، این است که اختیار داشتن انسان، بدین معنا نیست که حتماً باید ظلم و گناه کند. آنچه اختیار انسان را ثابت می‌کند امکان گناه و ظلم است، نه انجام گناه.

ممکن است سؤال شود: «اگر در آن زمان هم مثل این زمان، امکان ظلم و گناه هست، چرا ظلم نمی‌شود؟» جواب این سؤال، به صورت بسیار زیبایی در روایاتی که ویژگی‌های آن زمان را بیان می‌کند، وارد شده است. می‌دانیم که ریشه گناه، غلبه کردن هوای نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بیندیشد، هرگز گناه نمی‌کند. در روایات، وارد شده که در آن زمان، عقل انسان‌ها کامل می‌شود، پس در آن زمان، چون عقول کامل می‌شود و هوای نفس تابع عقل می‌گردد، کسی به کسی ظلم نمی‌کند؛ گرچه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است.

باید توجه داشت انسان‌های دوران ظهور همانند انسان‌ها در دوران غیبت دارای اختیارند. آنان خود باید نیکی را بخواهند و به آن عمل کنند، تا سزاوار دریافت پاداش الهی شده و به بهشت بروند. انسان مجبور، نه لایق پاداش است و نه مستحق مجازات و کیفر. بله، در دوران ظهور به برکت حضور و حکومت الهی حضرت، زمینه مناسبی برای حرکت عمومی جامعه به سوی نیکی‌ها است و عموم مردم در جاده صلاح و رستگاری گام برمی‌دارند. البته این که سخن از اجرای عدالت فراگیر است، خود نشانه آن است که ممکن است فردی دچار خطا و انحراف بشود؛ ولی اگر رفتار او منجر به تجاوز به حقوق دیگران شد، به سرعت عدالت درباره او اجرا شده و مجازات می‌شود. این به معنای برقراری دوباره شرک و کفر و انحراف در جامعه نیست؛ بلکه، حکومت عدل الهی تا پایان عمر دنیا باقی می‌ماند و به دنبال آن، قیامت بر پا می‌شود.

۹۴- سیمای دوران ظهور و دوران حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه است؟

به صورت خلاصه طبق آیات شریف قرآن، آینده جهان از آن دین اسلام و حاکمیت دین حق است. کل زمین در اختیار بندگان صالح قرار می‌گیرد و حجت خدا و مؤمنان صالح، به خلافت و حکومت می‌رسند. در این روزگار، دین مورد رضایت خدا (اسلام)

پا بر جا و برقرار می‌شود و احکام و معارف آن در سرتاسر جهان اجرا می‌گردد. امنیت و آرامش کامل برقرار می‌گردد و عوامل نا امنی و مظاهر ظلم و فساد از بین می‌رود و عبودیت و بندگی حقیقی به صورت عمومی تحقق می‌یابد.

در آن روزگار طلایی، قرآن، نماز و مسجد جایگاه حقیقی خود را پیدا می‌کنند. تعلیم قرآن، به یک فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود. امام علی (علیه السلام) در روایتی فرموده است:

گویا شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می‌آموزند.

به این صورت است که مسجد مکان تعلیم و تربیت دینی می‌شود و نماز که رکن اصلی دین و بهترین نوع عبادت است، خالصانه انجام می‌شود. خداوند در تبیین آن روزگار می‌فرماید: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ عبادت می‌کنند مرا و برای من چیزی را شریک قایل نمی‌شوند.

در آن دوران، زینت‌ها و بناهای اضافی مسجد از بین می‌رود، تا این مکان به درستی محل مناجات و عبادت باشد. زندگی مادی ادامه خواهد داشت؛ زیرا رسیدن به عالم آخرت پس از زندگی در دنیا و حیات مادی است. بهره‌وری از منافع مادی نیز به بهترین حالت شکل می‌گیرد و برکات و نعمات آشکار می‌شود. البته منافع مادی در زمان ظهور دو مشخصه اصلی دارد: الف. جامعه در آن عصر، فضیلت‌محور و ارزش‌مدار خواهد بود؛ از این رو از منافع مادی در راستای حیات معنوی استفاده شده و دنیا ابزار حرکت تکاملی و کسب سعادت خواهد بود.

ب. این منافع مادی به صورت صحیح در اختیار عموم قرار می‌گیرد و همه از آن بهره می‌برند و جامعه طبقاتی نخواهد بود. بر اساس روایات، با ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و برقراری عدالت، همه انسان‌ها از امکانات و نعمت‌های دنیایی بهره‌مند می‌شوند و فقر از جامعه زدوده می‌شود. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

هنگامی که قائم ماقیام کند... زمین، گنج‌های خود را بیرون ریخته و آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود، آن‌ها را می‌بینند. دارندگان زکات، سراغ کسی می‌روند که نیازمند باشد، تا زکاتشان را به او بدهند؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم از [کمک‌های دیگران] بی‌نیاز می‌شوند.

بر اساس روایات، در دوران حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بهترین نوع زندگی به وجود می‌آید. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم را با خدا آشنا نموده و یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند. آنان را خدا ترس می‌کند و سجایای اخلاقی را میان جوامع گسترش می‌دهد.

او عقل‌ها را کمال می‌بخشد. آن‌گاه انسان‌ها بدی را از خوبی باز می‌شناسند و به گرد زشتی‌ها نمی‌گردند. عصر حکومت آن حضرت، دوران کمال انسانی و عصر رهایی انسان‌ها از بند عبودیت نفس و رهایی از اطاعت شیطان است. در حدیث شریف، از وجود مقدس نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که در معراج به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ندا آمد:

...وَلَأَمَدَّنَّ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يَعلنَ دَعْوَتِي وَ يَجمعَ الخَلقَ عَلٰى تَوْحِيدِي؛ ...و به وسیله فرشتگان، مهدی را کمک می‌کنم، تا دعوت مرا آشکار کند و بندگان را بر عقیده به توحید من گرد آورد.

در زمان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اعتقاد دینی مردم، مستحکم می‌شود و بیشتر آنان، از ایمان عمیق و راسخ و تقوای بالا برخوردار می‌شوند؛ لذا انگیزه اجرای احکام دین بسیار قوی می‌شود و به صورت یک فرهنگ اجتماعی در می‌آید. در مقابل، گرایش به گناه و مخالفت احکام الهی بسیار کم می‌شود.

آن زمان، قدرت تعقل و تفکر تکامل می‌یابد و تشخیص خوبی و بدی آسان‌تر می‌شود؛ به همین سبب انسان‌ها از پلیدی و زشتی دوری می‌جویند و به خوبی‌ها روی می‌آورند. زندگی بر اساس رضایت الهی و مطابق با دستورات خدا و خواست دین تنظیم می‌شود. مجالس خانوادگی و اجتماعی، بر اساس تقوا برگزار می‌شود و روابط بین مردم بر اساس اخلاق حسنه و کمالات انسانی

خواهد بود. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، دستش را بر سر بندگان گذارد و عقول آن‌ها را جمع ساخته و اخلاقشان را به کمال می‌رساند.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

زمانی که مهدی ما قیام کند... کینه‌ها از سینه‌ها بیرون می‌رود.

۹۵- در زمان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقش و برنامه حضرت عیسی (علیه السلام) در حکومت آن حضرت چیست؟

یکی از حوادث دوران ظهور، آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) است. در روایات متعددی، از نزول و همراهی ایشان با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن به میان آمده است. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

روح الله عیسی بن مریم (علیهما السلام) فرود می‌آید، پس پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می‌خواند.

باید توجه داشت آنچه از مجموع روایات درباره نزول حضرت عیسی (علیه السلام) استفاده می‌شود، اصل فرود آمدن آن بزرگوار و نماز خواندن او پشت سر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. در روایات شیعه، چیزی بیش از این مطرح نشده است که بتوان به آن اعتماد کرد. البته در روایات اهل سنت، به نکته‌های دیگری مانند حضور حضرت عیسی (علیه السلام) در بیت المقدس و نماز پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قدس، نیز درگیری و جنگ او با دجال و قتل او نیز اشاره شده است.

می‌توان گفت نماز خواندن حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که آخرین حجت خدا میان مسلمانان و جانشین بر حق پیامبر خاتم است، برای اثبات این حقیقت بزرگ است که دین اسلام آخرین دین الهی، و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آخرین پیامبر از سلسله انبیای الهی است. نماز خواندن حضرت عیسی (علیه السلام) در جایگاه پیشوای گسترده‌ترین دین جهان که بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده است، راه را برای حق‌جویان عالم باز خواهد کرد و این، بزرگ‌ترین نقشی است که یک پیامبر بزرگ برای هدایت نسل‌ها بر عهده دارد و به خوبی آن را به انجام می‌رساند. در واقع، نماز حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک نماز عبادی و سیاسی است که حاکمیت و پیشوایی بر حق مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بر همه جهانیان اعلام می‌دارد.

۹۶- آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور خود، احکام جدید می‌آورد؟

دین کامل و جامع اسلام به صورت تمام و کمال بر وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و آنچه مردم بدان نیاز داشتند، در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گرفت. آیه سوم سوره شریف مائده بر این مطلب دلالت دارد. البته باید توجه داشت که این «اکمال دین» و «اتمام نعمت» و «رضایت الهی از دین اسلام، برای مردم» هنگامی است که ولایت و امامت امامان معصوم (علیهم السلام) را در جایگاه مفسر و معلم دین در متن دین بپذیرند. آیه ۶۸ سوره مائده که روز هجدهم ذی‌الحجه (در جریان غدیر خم) نازل شد این مطلب را ثابت می‌کند؛ بنابراین هر حکمی توسط امامان بیان یا اجرا می‌شود، بر گرفته از دین اسلام می‌باشد.

در روایات، به پاره‌ای از احکام اشاره شده است که در زمان ظهور به اجرا گذاشته می‌شود. درباره این احکام (در صورت پذیرش صدور آن از معصومان (علیهم السلام)) توجه به چند مطلب ضروری است:

الف. برخی احکام الهی، بر پیامبر نازل شد؛ ولی شرایط و اجرای آن در زمان ظهور فراهم شده و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

ب. با گذشت زمان، به علت سیطره زورمداران و وجود تحریف‌گران، ممکن است تغییراتی در برخی احکام پدید آمده باشد. چنین مواردی در زمان ظهور، تصحیح می‌شود.

ج. چون فقها در استنباط و فهم حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌برند، ممکن است برداشت مجتهدی مطابق با واقع نباشد (هر چند او معذور بوده و فتوای او لازم الاجرا است و ما مکلف به انجام آن هستیم. به این نوع از احکام، حکم ظاهری گفته می‌شود). در زمان ظهور، حکم واقعی گفته می‌شود.

د. برخی احکام، در شرایطی خاص و اضطراری و به علت تقيه اعلام شده است. در زمان ظهور به علت عدم تقيه، حکم واقعی بیان می‌شود.

از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است: گویی هم اکنون شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده و قرآن را بدان گونه که نازل شده است، به مردم می‌آموزند.

از امام باقر (علیه السلام) نیز نقل شده است: [مهدی] (علیه السلام) هیچ بدعتی را وانگذازد، مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد، مگر این که آن را برپا کند.

۹۷- منظور از دین و قرآن جدیدی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌آورد، چیست؟

با مراجعه به مصادر حدیثی، روشن می‌شود تعبیر دین جدید و قرآن جدید در روایات وجود ندارد؛ بلکه تعبیراتی مشاهده می‌شود که ممکن است از مجموعه آن‌ها چنین استنباط شود که حضرت، دین جدید می‌آورد، تعبیراتی مانند: سلطان جدید، امر جدید، قضای جدید، سنت جدید. البته در برخی احادیث تعبیر کتاب جدید مطرح شده است. در این باره علما و اندیشوران بزرگوار ما مباحثی مطرح کرده‌اند که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. مطابق برخی روایات، بخشی از احکام به سبب نبودن شرایط آن‌ها توسط معصومان (علیهم السلام) بیان نشده است و فقط علم آن‌ها نزد اهل بیت (علیهم السلام) باقی مانده است که در عصر ظهور بیان می‌شود.

ب. بخشی از احکام به سبب دور شدن مردم از حقایق دین، مهجور و فراموش می‌شود که در عصر ظهور، زنده و احیا می‌شود.

ج. به علت برخی موانع، برخی احکام به درستی اجرا نمی‌شود. عصر ظهور، دوران اجرای کامل و صحیح احکام است.

د. در عصر ظهور، به علت بالا رفتن سطح فکر و آمادگی و قابلیت بیشتر مردم برای پذیرش معارف دینی، حقایق و معرفت‌های دینی به صورت گسترده در اختیار مردم قرار می‌گیرد.

ه. اسلوب و روشی که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حکومت داری از آن استفاده می‌کند، با روش‌های رایج و شناخته شده نزد مردم متفاوت است.

و. در طول تاریخ، به علت آن که امامت و مدیریت معصوم پذیرفته نشد و ناهلان اختیار حکومت و برطرف کردن نیازهای فکری و دینی را به عهده گرفتند که نتیجه آن نیز غیبت امام معصوم (علیه السلام) را رقم زد، بدعت‌ها و انحرافات در دین به وجود آمد که در پاره‌ای موارد، از مسلمات و ضروریات دین شمرده شد. تلاش فقهای شیعه به علت مظلومیت و اقلیت آنان، راه به جایی نبرد؛ ولی در عصر ظهور بدعت‌ها از بین می‌رود.

مجموعه عوامل یاد شده باعث می‌شود دین در عصر ظهور برای مردم به صورت جدید به تصویر در آید، نه این که دین جدید و قرآن جدید بیاید. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جانشین خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. خاتمیت پیامبر و دین اسلام، از ضروریات تفکر اسلامی است که در جای خود اثبات شده است.

در پایان اشاره به این آیه شریف که به صورت مکرر در قرآن مطرح شده و مضمون آیات متعددی با آن هماهنگ است مناسب و قابل تأمل است:

«هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون؛ او است آن که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد، تا بر همه دین‌ها چیره گرداندش؛ هر چند مشرکان نپسندند».

۹۸- حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه مدت به طول می‌انجامد؟

مدت حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به صورت دقیق، روشن و آشکار نیست. روایاتی که در این باره رسیده، متفاوت است. در بعضی از روایات هفت سال ذکر شده است، در برخی دیگر، اضافه شده که هر سال آن روزگار، معادل ده سال این دوران است (در نتیجه مدت حکومت حضرت، هفتاد سال خواهد بود). در تعدادی دیگر از روایات، مدت حکومت، حدود بیست سال و در برخی، حدود چهل سال و در روایتی، سیصد و نه سال گفته شده است.

در جمع روایات، برخی هفت سال را پذیرفته‌اند؛ زیرا مشهورتر است. احتمال دیگر این که این عددها، مربوط به مراحل مختلف حکومت است؛ مرحله ظهور، مرحله تثبیت و مرحله بلوغ و کمال.

با توجه به اختلاف روایات در متن و مشکل سندی برخی روایات، به نظر می‌آید مدت حکومت، روشن نیست؛ ولی این مطلب معلوم است که مدت حکومت، آن مقدار طول می‌کشد که عدالت فراگیر شود و احکام و فرهنگ و معنویت دین اسلام، در جهان سایه‌افکن و ریشه‌دار شود و در شؤون زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها جاری گردد.

این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که پایان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به معنای پایان عمر دنیا نیست؛ بلکه با رجعت امامان (علیهم السلام) حاکمیت عدل و دین پس از ایشان، به وسیله سایر امامان معصوم (علیهم السلام) دنبال می‌شود؛ بنابراین، بین مدت حکومت حضرت با مدت دوره حاکمیت عدل الهی که تا پایان عمر دنیا به طول می‌انجامد، فرق است.

۹۹- آیا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بعد از ظهور، به شهادت می‌رسد؟

در باره شهادت یا رحلت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روایات مختلفی وجود دارد. در روایتی، از شهادت آن بزرگوار، به دست زنی دارای ریش، به نام «سعیده» سخن به میان آمده است. در روایتی دیگر، از شهادت آن حضرت همراه دو هزار نفر از فرماندهان در جنگ با روم، خبر داده شده است. برخی اخبار نیز حاکی از رحلت آن عزیز به مرگ طبیعی است. در برخی دیگر از احادیث، فقط به اصل مرگ آن بزرگوار و رجعت امام حسین (علیه السلام) اشاره شده است و از کیفیت مرگ حضرت، سخنی به میان نیامده است. برخی بر اساس روایت امام حسن مجتبی (علیه السلام) که فرمود: «هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا [با شمشیر] شهید می‌شود»، بر این باورند که نهایت و فرجام زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهادت خواهد بود؛ هر چند چگونگی آن روشن نیست.

به نظر می‌آید در این باره، سخن قطعی نمی‌توان گفت؛ چرا که روایت اول، دوم و سوم، از جهت سند، قابل پذیرش نیست و روایت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز می‌تواند اشاره به امامانی باشد که در زمان حکومت حاکمان جور زندگی می‌کردند. به هر حال، درباره رحلت یا شهادت نمی‌توان قاطعانه اظهار نظر کرد.

۱۰۰- مسأله رجعت را کاملاً توضیح بفرمایید؟

رجعت، به معنای بازگشت است و مراد از آن، این است که «خداوند گروهی از مردگان را با همان شکل خود به دنیا بازگرداند». از نظر شیعه، در زمان ظهور دولت حق، برخی از مردم که از دنیا رفته‌اند، دوباره زنده می‌شوند. اصل رجعت، یک امر مسلم قرآنی است. خداوند در آیات متعدد به زنده شدن برخی مردگان اشاره دارد؛ مانند زنده شدن برخی از بنی اسرائیل، زنده شدن یک جوان بنی اسرائیلی، زنده شدن هزاران نفر، زنده شدن یکی از اولیای الهی و حتی یکی از معجزات و ویژگی‌های حضرت عیسی (علیه السلام) زنده کردن برخی از مردگان بود و نمونه‌های متعدد دیگر.

آیاتی نیز وجود دارد که بر رجعت، در زمان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلالت می‌کند؛ مانند آیه ۸۳ از سوره نمل که می‌فرماید «آن روز، از هر امتی، گروهی را محشور می‌کنیم».

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «این آیه، مربوط به رجعت است. آیا خداوند در قیامت از هر امت، گروهی را محشور

می‌کند و بقیه را رها می‌سازد؟ آیه قیامت، این آیه است که می‌فرماید: «و آنان را گرد آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی‌کنیم».

این آیه، به روشنی، به وقوع چنین امری (رجعت) دلالت می‌کند، روزی که فقط گروهی زنده شوند و نه همه مردم. آیات دیگری مانند آیه ۱۱ سوره غافر، آیه ۲۱ سوره سجده، آیه ۹۵ سوره انبیاء، آیه ۵۸ سوره قصص، آیه ۸۱ سوره آل‌عمران، آیه ۱۱ سوره مؤمن و ... بر رجعت در زمان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلالت دارند. روایات مربوط به رجعت را نیز می‌توان در جلد ۵۳ از کتاب بحارالانوار، دید.

برای نمونه، در روایتی، مأمون از امام رضا (علیه السلام) می‌پرسد: «نظر شما در باره رجعت چیست؟» امام پاسخ می‌دهند: «همانا رجعت، واقعیت دارد». امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «از ما نیست کسی که به رجعت ما باور نداشته باشد». بنابراین، به وقوع پیوستن چنین مسأله‌ای از مسلمات است و جای هیچ گونه شکی ندارد؛ به همین سبب در زیارت آل‌یاسین که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود به شیعیانش آموخته، آمده است: «رجعت شما، حق است و شکی در آن نیست». بعد از ثابت شدن رجعت، به نکاتی در باره آن اشاره می‌کنیم:

بنابر روایات، رجعت همگانی نیست و تنها مؤمنان خالص و کافران خالص بر می‌گردند. شاید یکی از اهداف بازگشت مؤمن صالح، روشن شدن چشم او به دولت اسلامی است که عمری خالصانه برای آن زحمت کشیده است؛ اما حاصل زحمات خود را ندیده و از دنیا رفته است. نیز دل‌های آنان، با دیدن عذاب اهل باطل، تشفی پیدا کند. همچنین کافرانی که عمری را با دشمنی با دین و اولیای دین، گذرانده‌اند و هیچ گاه تاوان کارهای خود را پس نداده‌اند، زنده می‌شوند، تا پیش از عذاب آخرت، عذاب دنیا را نیز بچشند و تاوان زشت عمل خود را در دنیا نیز پس دهند. بعضی از افراد، همان ساعات اولیه ظهور رجعت می‌کنند و از یاران اولیه هستند؛ مانند مقداد، سلمان، مالک اشتر و اصحاب کهف و عده‌ای پس از استقرار حکومت و برای بهره‌مندی از حکومت عدل، زنده می‌شوند.

میان حوادث رجعت، برگشت امامان (علیهم السلام) به دنیا، از نکات قابل توجه است. بنا بر روایات، اولین فردی که از امامان (علیهم السلام) رجعت می‌کند، امام حسین (علیه السلام) است که هنگام رحلت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رجعت می‌کند و مراسم خاک سپاری آن حضرت را عهده دار می‌شود. سپس حکومت آن حضرت را به مدت طولانی رهبری می‌کند. به رجعت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در روایات تصریح شده است. رجعت سایر امامان (علیهم السلام) را نیز، از بعضی روایات می‌توان استفاده کرد.

حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با رجعت امامان (علیهم السلام) و مؤمنان صالح، مدت زمان بسیار طولانی ادامه خواهد یافت. می‌توان گفت: اساساً، عمر دنیا بعد از استقرار حکومت مهدوی، تازه آغاز می‌شود و حکومت امامان معصوم (علیهم السلام)، آخرین حکومت است - یعنی دیگر حاکمان جور به حکومت نمی‌رسند - و بعد از آن، قیامت بر پا می‌شود.

گفتنی است امر رجعت هرچند بر اساس آیات و روایات امری مسلم و پذیرفته شده است، جزئیات آن واضح و شفاف نیست؛ بنابراین ما اصل رجعت را به صورت کلی می‌پذیریم و از اظهار نظر قطعی درباره جزئیات خودداری می‌کنیم.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

کمال الدین و تمام النعمه

کتاب الغیبه، شیخ طوسی

الغیبه، نعمانی

بحار الانوار

مکیال المکارم

الارشاد، شیخ مفید

منتخب الاثر

المعجم الاحادیث الامام المهدی (عجل الله تعالى فرجه الشریف)

مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)

صحیفه مهدیه

منتهی الآمال

اسرار الامامه

کشف الغمه فی معرفه الائمه

عیون اخبار الرضا

میزان الحکمه

معانی الاخبار

شرح منهاج الکرامه

مناقب آل ابی طالب

الاحتجاج

الغدير

الامالی (شیخ صدوق)

اثبات الهداء

تحف العقول

خصال

المحاسن

سفینه البحار

وسائل الشیعه

مستدرک الوسائل

اصول کافی

الطرائف

بحث حول المهدی

عقائد الامامیه (شیخ محمد رضا مظفر)

مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول

تذکره الخواص
 کفایه الموحدين
 مفاتيح الجنان
 تفسیر علی بن ابراهیم قمی
 مفردات فی الفاظ القرآن
 يوم الخلاص
 مجمع الزوائد و منبع الفوائد
 الحاوی للفتاوی
 مزار کبیر
 تاریخ الغیبه الصغری
 انوار الهدایه
 شجره طوبی
 من لا یحضره الفقیه
 عقد الدرر
 تجرید الاعتقاد
 صحیفه نور
 روزگار رهایی
 ارشاد القلوب
 کامل الزیارات
 توحید شیخ صدوق
 مناهل الابرار
 مجموعه آثار شهید مطهری
 اوائل المقالات
 تاریخ ما بعد الظهور
 تفسیر فرات الکوفی
 تفسر نمونه
 تفسیر المیزان
 البرهان فی تفسیر القرآن
 تفسیر نور الثقلین
 مجمع البیان
 اثبات الوصیه
 مسند احمد
 مستدرک حاکم

سنن ابن ماجه

صحیح بخاری

اعلام الوری

البيان فی اخبار صاحب الزمان

اليواقيب و الجواهر

صحیح مسلم

سنن ترمذی

سنن ابو داوود

کنز العمال

مجموعه فرمایشات حضرت بقیه‌الله

فرهنگنامه مهدویت

مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی

آینده جهان

موعود شناسی و پاسخ به شبهات

موعود نامه

مجله تخصصی انتظار موعود

دادگستر جهان

دلیل عقلی و نقلی امامت و مهدویت

نگین آفرینش

انتظار پویا

ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان

معارف قرآن (بحث انسان شناسی)

جزیره خضرا افسانه یا واقعیت

راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

زنده روزگاران

خورشید مغرب

سیمای امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آینه قرآن

سازمان و کالت

سیمای آفتاب

تاریخ عصر غیبت

پژوهی درباره جزیره خضرا

مهدی منتظر

سفیانی از ظهور تا افول
چشم براه مهدی (جمعی از نویسندگان)
جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران
نشانه‌هایی از دولت موعود

کتابنامه

کتابنامه

- کمال الدین و تمام النعمه، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۰ش
- کتاب الغیبه، شیخ الطائفة ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق
- الغیبه، ابی عبد الله محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب المعروف به (ابن ابی زینب نعمانی)، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۲ق
- بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۲ش
- مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم، آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، قم: ایران نگین، ۱۳۸۱ش
- مجموعه فرایشات حضرت بقیه الله، محمد خادمی شیرازی، قم: انتشارات رسالت
- الارشاد، شیخ مفید، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۰ش
- منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، قم: موسسه السیده المعصومه، ۱۴۱۹ق
- مهدی موعود، مترجم علی دوانی: تهران، ۱۳۸۴ش
- صحیفه مهدیه، سید مرتضی مجتهدی، ترجمه سید محمد حسین رحیمیان، قم: دارالثقلین، ۱۳۷۹ش
- زنان در حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، محمد جواد طبسی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۷۹ش
- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۸ش
- اسرار الامامه، حسن بن علی الطبرسی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش
- کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی، قم: انتشارات مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۲۶ق
- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق ابن بابویه ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش
- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مترجم: حمید رضا شیخی، قم: انتشارات دار الحديث
- معانی الاخبار، شیخ صدوق ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، قم: موسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۶ق
- شرح منهاج الکرامه، ابی منصور الحسن بن یوسف الحلّی الشهير بالعلامه، مؤلف سید علی میلانی، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۸ق
- الامامه فی اهمّ الکتب الکلامیه، سید علی میلانی، قم: شریعت، ۱۴۲۲ق
- مناقب آل ابی طالب، ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۴۱۲ق
- الاحتجاج، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، قم: انتشارات اسوه
- الغدیر، علامه عبد الحسین احمد الأمینی النجفی، تهران: ۱۳۶۶ش
- الامالی، شیخ صدوق، قم: انتشارات مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ق
- اثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، محمد بن الحسن الحر العاملي، قم: المطبعة العلمیه

- تحف العقول، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق
- مهج الدعوات و منهج العناية، ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس الحسنی الحسینی، قم: مؤسسه آفاق، ۱۴۲۲
- خصال، شیخ صدوق، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۷ش
- المحاسن، ابی جعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی، قم: انتشارات مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۱۶ق
- سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، شیخ عباس قمی، قم: دار الاسوه، ۱۴۲۲ق
- وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن الحرّ العاملی، قم: مؤسسه آل البيت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لاحیاء التراث، ۱۴۱۰ق
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق
- اصول الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، قم: دارالاسوه، ۱۴۱۸ق
- تفسیر فرات الکوفی، ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی، بیروت: مؤسسه النعمان
- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳
- تفسیر نور الثقلین، شیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۲ق
- تفسیر المیزان، علامه محمد حسین طباطبائی، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، بی تا
- مجمع البیان لعلوم القرآن، ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷ق
- اثبات الوصیه لامام علی بن ابی طالب، ابو الحسن المسعودی، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۴
- المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، علی الکورانی، بی جا، بی نا، بی تا.
- سلوک مهدوی، محمد باقر حیدری کاشانی، قم: سبط النبی، ۱۳۸۶ش
- فرهنگ نامہ مهدویت، خدامراد سلیمان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۷۸ش
- مهدویت، پرسشها و پاسخها، پژوهشکده مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۵ش
- درسنامه مهدویت، خدامراد سلیمان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۶ش
- مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۵ش
- آینده جهان، رحیم کارگر، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۳ش
- موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ش
- موعودنامه، مجتبی تونه ای، قم: انتشارات مشهد، ۱۳۸۳ش
- مجله تخصصی انتظار موعود، مرکز تخصصی مهدویت، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- جستارهایی در مهدویت، رحیم کارگر، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۶ش
- دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۸ش
- دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، رحیم لطیفی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۷۸ش
- ضرورت مهدویت، روح الله شاکری زواردهی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۴ش
- امام مهدی در احادیث شیعه و سنی، جمعی از نویسندگان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

الشریف)، ۱۳۸۴ش

اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، محمد صابر جعفری، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۴ش

طلوع خورشید، مهدی یوسفیان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۴ش
نگین آفرینش، جمعی از نویسندگان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۶ش
انتظار پویا، آیت الله محمد مهدی آصفی، مترجم: تقی متقی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۴ش

جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳
نشانه‌هایی از دولت موعود، نجم الدین طبسی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش